

ظهور عدل الهی

(ترجمه)

احبّاء الله و امّاء الرّحمن در سراسر امریکا و کانادا ملاحظه فرمایند: برادران و خواهران من در محبّت جمال ابهی،

هر دم که شواهد بی پایان قوای محرّکه ملهمه‌ای که آن پیشاهنگان غیور نظم جهانی حضرت بهاء الله را در سبیل اجراء وظائف محوّله‌شان به همّت و مجاهدت برانگیخته است به خاطر آورم چنان وجد و سروری در دل و جانم موج زند که از عهده وصفش چنانکه باید برنیایم. قراردادی^۱ که اخیراً امنای منتخب آن جامعه امضاء نموده‌اند به منزله‌ء آغاز آخرین مرحله از مراحل بزرگترین اقدامی است که تا کنون پیروان امر الهی در مغرب‌زمین بر عهده گرفته‌اند. همچنین پیشرفت‌های امیدبخشی که متوالیاً در گزارش‌های لجنه تبلیغ منعکس شده همه بدون شک بر وفاداری و ثبات و پایداری و دقّت و مواظبتی شهادت می‌دهد که آن یاران در اجراء خدمات متنوّعی که مستلزم تکمیل نقشه هفت‌ساله است از خود ظاهر نموده‌اند و در دایره‌ء این هر دو خدمت حتّی در جزئیات کار با نهایت نظم و ترتیب و دقّت و کاردانی کامل و اجراء شایسته به تمشیت امور پرداخته‌اند.

^۱ - اشاره به قراردادی است که محفل ملّی برای اتمام مشرق‌الاذکار به امضاء رسانده است.

همانند و همعنان با آن کاردانی و لیاقتی که نمایندگان جامعه بهائی امریکا در ماه‌های اخیر و در اقدامات اخیرشان از خود بروز داده‌اند، همانا وفاداری و حمایت‌های کریمانه و بی‌چون و چرائی است که افراد جامعه بهائی در هر مرحله بحرانی و در هر مرحله از مراحل توسعه و پیشرفت‌هایش از خود ظاهر ساخته‌اند. ملاحظه فرمائید چنین همکاری و چنین همبستگی و پیوستگی و توافق و اتحاد و اتّفاقی که در میان دوائر تشکیلات بهائی موجود و سبب تقویّت حیات پوینده بنیان هر جامعه فعال بهائی است چقدر با تمایلات مخرب و غم‌انگیز عناصر متخاصم و مخالف جامعه کنونی جهان تفاوت و تضاد دارد ولیکن هر امتحان و بلیّاتی که بنا به حکمت‌های بالغه الهیه نصیب جامعه برگزیده‌اش می‌گردد نتیجه‌اش جز این نیست که بار دیگر وحدت و همبستگی افراد جامعه بهائی را مشهوداً به اثبات رساند و قوّت و قدرت باطنیش را شدّتی بیشتر بخشد امّا بر عکس هر وقت بحرانی تازه در این عصر فاسد رو به زوال پدید آید بیش از پیش پوسیدگی و تأثیرات مخربش را در بنیان مؤسّسات منحلّ جامعه کنونی انسانی ظاهر و مبرهن می‌سازد.

لهذا پیروان اسم اعظم شاکر و سپاسگزارند که حامی و حارشان دست قدرت پروردگار است، و هر زمان که بدرقه جدید عنایتش برسد یا آنکه بلائی آسمانی نصیب اهل بهاء گردد در هر دو حال قلوبشان از جام امید سرشار و از جرأت و شجاعت آکنده شود و با عزمی جزم از یک طرف هر فرصتی را که گردش چرخ تقدیر در داخل امرالله درمقابلشان نهاد مغتنم شمارند و از طرف

دیگر از تشنّجات دردناک دنیای خارج که دیر یا زود نصیب کسانی که خود را از نور حقیقت محروم کرده‌اند گردد و به هلاکشان کشاند هرگز مضطرب و هراسان نگردند بلکه خود و نفوس مؤمنه‌ای که بعد از ایشان بر خدمت امرالله قیام خواهند کرد باید همچنان سمد همّت بدوانند تا زمانی فرا رسد که جریان وقایع کنونی عالم نیرو و توانش فرو نشیند و هر یک از آن وقایع و حوادث سهم خود را در تولّد نظم بدیعی که جنینش حال در رحم عصری پرآشوب و مبتلا به درد زایمان به جنبش افتاده است ایفاء نماید.

این بحران‌های مکرّر و متواتر که در فواصلی ناهنجار و با نیروی مقاومت‌ناپذیر هر روز تعداد بیشتری از افراد بشر را فرا می‌گیرد هرچند موقت است ناچار، چنانکه امروز نفوذ محنت‌بار شومش در سراسر عالم گسترش یافته آن قدر ادامه خواهد یافت تا آنکه تأثیراتش را در جامعه انسانی تا حدّی معین بر جای گذارد. چگونه شروع اضطرابات جهان کنونی که نیروهای عنان گسیخته‌اش توازن اجتماعی و مذهبی و سیاسی و اقتصادی جامعه منظم بشری را برهم زده و نظام‌های سیاسی و مبادی نژادی و مفاهیم اجتماعی و معیارهای فرهنگی و پیوندهای مذهبی و روابط تجارّیش را مشوّش ساخته و به هرج و مرج انداخته، چگونه می‌توان گفت که این همه آشفتگی و آشوب با این مقیاس وسیع و بی‌سابقه در مؤسّسات امر نوزاد الهی که تعالیمش تمام جوانب و فعّالیّت و رفتار مردم جهان را در بر می‌گیرد تأثیر و نفوذی نداشته باشد؟ پس تعجب نباید کرد اگر فشار قوای خانه‌برانداز کنونی در نفوسی که پرچم این آئین جامع فراگیر، این امر مبارک عظیم را بلند افراشته‌اند تأثیر کرده باشد. تعجب نباید کرد

که اهل بهاء ملاحظه نمایند که در بحبوحه این گرداب هائل آزادیشان محدود و تعالیشان تحقیر و مطرود گردد و بر مؤسّسات و تشکیلاتشان حمله شود و نیّات و مقاصدشان در معرض تهّمّت و افتراء درآید و حقوق و اختیاراتشان به مخاطره افتد و دعاویشان مردود گردد

در قلب قاره اروپا کشوری^۱ است که به فرموده حضرت عبدالبهاء بنا بر استعداد روحانی و موقعیت جغرافیائیش مقدّر است که انوار درخشان امر الهی را به ممالک مجاوره بتاباند. این کشور در این زمان بر اثر سوءتفاهم شدیدی که رژیم حاکمش نسبت به مقاصد و فعّالیت‌های امرالله یافته است موانعی را بر جامعه بهائی تحمیل نموده که آنرا موقتاً به خسوف مبتلاء ساخته است چنانکه حال موقتاً ندایش خاموش و مؤسّساتش منحل و مطبوعاتش ممنوع و سوابق اداریش ضبط و جلساتش تعطیل گشته است.

در آسیای مرکزی در شهری که به این شرف و افتخار ممتاز گشته است که حضرت عبدالبهاء آنرا مقرّ اولین مشرق‌الاذکار جهان برگزیده‌اند و همچنین شهرها و قراء و قصبات دیگر آن ولایت که امر مظلوم حضرت بهاءالله در نتیجهء نشاط و اقدامات فوق‌العاده‌ای که در چندین ده سال گذشته از خود ظاهر ساخته حال در پنجهء حکومتی گرفتار گشته که از نفوذ و اشراق انوارش بیمناک شده و در صدد است امر الهی را در آن صفحات به کلی ناتوان و معطل سازد و هر چند هنوز باب مشرق‌الاذکار^۲ برای عبادت بهائیان باز است

^۱ کشور آلمان

^۲ منظور مشرق‌الاذکار عشق آباد است

اما ملکش مصادره شده و محافل روحانیّه و لجناتش ممنوع و تبلیغ و ترویجش متوقّف و مروّجین سرشناسش به اخراج از کشور محکوم و بسیاری از پیروان ثابت‌قدمش از زن و مرد زندانی و مسجون گشته‌اند.

در مهد امرالله که در آن اکثر بهائیان ساکنند و پایتختش از قلم اعلی به «امّ‌العالم» ملقب و به «مطلع فرخ‌العالمین» مخاطب گشته حکومتش که هنوز راسماً از سیطره فلج‌کننده علمای متعصب و مرتجع و بسیار فاسد مذهبی بیرون نیامده حال با کمال شدّت به سر کوبی بهائیان یعنی پیروان امری مشغول است که یکصد سال است کوشیده ولی نتوانسته است قلع و قمعش نماید. چنین حکومتی از این حقیقت چشم بر بسته است که پیروان این امر محروم و مظلوم به حقّ در زمره منصف‌ترین و لایق‌ترین مردم آن کشورند که به وطن خویش عشق می‌ورزند، اما چون عالم را نیز یک وطن می‌شمارند چنان حکومتی که طرفدار ملیّت‌پرستی مفرط و محدود است هرگز قدر این مفهوم را نمی‌داند و از این روی بهائیان را که دامنه نفوذ روحانیشان در ایران به بیش از ششصد جامعه محلی بسط یافته و تعدادشان بسیار بیشتر از یهودیان و مسیحیان و زردشتیان آن کشور است از اعطاء حقوق قضائی و تنفیذ قوانین دینشان و اداره امورشان و برگزاری اعیادشان و نشر مطبوعاتشان و اجراء شعائرشان و ارتقاع ابنیه مخصوصه و اداره مدارس و حفظ موقوفاتشان بکلی منع کرده است.

و نیز در این ایّام در ارض اقدس که قلب و مرکز اعصاب آئین جهان‌آرای بهائی است شعله خصومت‌های نژادی و برادرکشی و تروریسم شدیداً زیانه کشیده و چنان آتشی افروخته است که هم زیارت زائران بهائی را که بمنزله دَوران خون

در مرکز جهانی است متوقف ساخته و هم در اجرای طرح‌هایی که برای حفظ و اتساع مناطق حول و حوش اماکن مقدّسه آغاز شده وقفه‌ای ایجاد نموده است. امنیت جمع قلیل بهائیان محلی که مواجه با امواج روزافزون آشوب و طغیانند به خطر افتاده مقامشان به عنوان جامعه‌ای بی‌طرف و شاخص از نظر دور شده و آزادیشان در انعقاد بعضی از احتفالاتشان محدود گشته است. تواتر قتل‌های دوجانبه ناشی از تعصبات نژادی و دینی که دامن روساء و نیز پیروان سه دین عمده این کشور آشوب‌زده را فراگرفته چنان است که قطع ارتباطات عادی را در داخل و خارج کشور تهدید می‌کند. با وجود وخامت اوضاع در این کشور اماکن مقدّسه بهائی مقصد و مرکز توجّه بهائیان جهان و با وجود تعدادشان و عدم حراست ظاهریشان بنحوی معجزه‌آسا محفوظ و مصون مانده است.

جهانی که امروز دچار هیجان‌ها و کشمکش‌های متضاد گشته و از داخل به صورت خطرناکی در شرف تجزیه و فرو ریختن است در چنین مرحله بحرانی تاریخش با آئین نوزادی مواجه گشته است. آئینی که گاه به نظر می‌رسد که در گیر و دار مجادلات و مناقشات این جهان گرفتار گشته و در کشاکش مخاصماتش افتاده و در سایه‌های تاریکش از جلوه‌اش کاسته و در تلاطم امواج اختلافاتش غوطه‌ور شده است. مثلاً در قلب و مرکز جهانی و در مهد امرالله و در مقرّ اولین معبد عظیم‌الشان بهائی و در یکی از پر رونق‌ترین جوامعش که بالقوه بسیار نیرومند می‌توانست باشد در همه اینها در مقابل هجوم قوای شدید متخاصم که بشریّت را مرتباً قربانی خود ساخته به نظر می‌رسد که آئین حضرت بهاءالله که هنوز از پنجه ظلم و ستم رهایی نیافته به عقب رانده

شده است و به گمان چنین می‌رسد که هر روز قلاع مستحکم چنین آئین متینی یکی پس از دیگری محاصره شده و به تصرف قوای مهاجم در آمده است و چون نور آزادی فرو نشیند و خاموش شود و غوغای مخاصمات هر روز بلندتر گردد و آتش تعصب با شدتی بیشتر در سینهٔ مردمان شعله زند و یخبندان لامذهبی سخت روح مردمان را منجمد سازد، به نظر می‌رسد که تمام اینها تا حدّ معینی در اعضاء و جوارح هیکل امرالله نیز تأثیر کرده و نفوذ خانه‌براندازش که تمام جهان متمدّن را قبضه کرده در جامعه بهائی نیز مشهود افتاده است.

اما این بیان مؤثر حضرت عبدالبهاء چقدر به وضوح نمایانگر این ایام است که می‌فرماید: «ظلمت ضلالت است که شرق و غرب را احاطه نموده است و با نور هدایت در این کور عظمت در جنگ و ستیز است و سهم و سنانش بسی تند و تیز و لشگرش بسیار خونریز.» و در مقام دیگر می‌فرماید: «الیوم قوای رؤسای ادیان باجمعهم متوجّه تشّیت انجمن رحمان و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انظار واضح و لائح.»

حصن حصین مهمّی که باقی مانده و بازوی توانائی که پرچم امر شکست‌ناپذیر الهی را برافراشته همانا جامعه پیروان اسم اعظم در قاره امریکای شمالی است. اعضاء برارنده آن جامعه که با اقدامات خویش و با حفظ و حراست حضرت احدیّت عضوی ممتاز در هیکل جوامع مرتبطه بهائی در شرق و غرب عالم است بحق در خور آنند که کشورشان مهد نظم جدید جهانی و نیز حصن

حصین آن نظم بشمار آید نظمى که هم موعود و هم مظهر جلال و عظمت دور حضرت بهاء الله است.

هر کس که بخواهد مقام بلند یکتائی را که به جامعه بهائی امریکا اعطاء گشته کم بشمرد یا در نقش مهمی که در آینده ایام ایفا خواهد کرد شک و تردید نماید خوب است در این کلمات بارور و روشنگر حضرت عبدالبهاء تأمل نماید که در وقتی که ناله جهان زیر بار سنگین جنگی مهلک به عنان آسمان رسیده بود خطاب به آن جامعه بیان فرموده است: «قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.»

جامعه بهائی امریکای شمالی که هم محرک اصلی و هم نمونه و الگوی جامعه‌های آینده است که باید در سراسر نیمکره غربی در ظلّ امر حضرت بهاء الله بوجود آید، اینک، با وجود ظلمتی که همه جا را فرا گرفته است استعداد و قابلیت خود را نشان داده و ثابت کرده است که مشعلدار انوار است و مخزن اسرار و «کشور اسرار» و حصن حصین آزادگان و «احرار». اگر آن کلمات مبارکه که مذکور شد به عصر ذهبی آئین حضرت بهاء الله دلالت نداشته باشد دیگر به چه چیز اشارت دارد؟ اگر بیان «ظهور اسرار» مربوط به اسرار مستوره در جنین نظم جهانی نباشد که حال در رحم تشکیلات اداری بهائی پرورش می‌یابد دیگر به چه امری دلالت دارد؟ اگر مقصود از کشور ابرار کمالات حاکم بر عصر ذهبی در ظلّ نظم بهائی نباشد دیگر چه معنائی از آن می‌توان دریافت؟ اگر از ذکر حرّیت و آزادی

مقصود آزادی حقیقی نباشد که در ظلّ سلطنت الهی در زمان مقرر مقدر به وجود آید دیگر به چه امری اطلاق تواند شد؟

جامعه مروّجان متشکّل امر حضرت بهاءالله در قاره امریکا یعنی اخلاف و اعقاب روحانی مطالع انوار در عصر رسولی که با نثار جان ظهور امر یزدان را تثبیت و اعلان نمودند نیز باید به نوبه خود نظم موعود جهانی را نه از راه شهادت بلکه با فداکاری‌های شهیدانی زنده در عالم امکان اعلان نمایند. نظمی که یگانه موجد و آفریننده‌اش امر الهی است و به منزله صدفی است که گوهر گرانبهای مدنیت جهانی را در آغوش خویش پرورش می‌دهد. در زمانی که دیگر جامعه‌های بهائی عالم از جمیع جهات به هجوم تندبادهای شدید مبتلا گشته جامعه بهائی امریکا که به حکم تقدیر حیّ قدیر محفوظ و مصون مانده و از الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء جان و توان یافته است حال مشغول پی نهادن مؤسّساتی است که بشیر و طلیعه عصری خواهد بود که شاهد تولّد و ارتفاع نظم جهانی حضرت بهاءالله در بسیط جهان است.

جامعه امریکا که هم از حیث تعداد افراد نسبتاً قلیل و هم از مرکز و قلب امر الهی و هم از مهد امرالله موطن اکثریت قاطع هم کیشانشان بسیار دوراست و از منابع لازم مادی محروم و از تجربه و اشتها بی‌بهره و از ایمان و عقاید و شیم وعادات نفوسی که امرالله را به آنان ابلاغ کرده بی‌خبر و از زبان‌های اصلی کتب مقدّس خویش بی‌اطلاع و اجباراً بر ترجمه‌های ناقص از معدودی از آیات مشتمل بر احکام و تعالیم و تاریخ متکّی، جامعه‌ای که از بدایت

صباوتش به امتحانات شدید از جمله به نقض و فتور بعضی از اعضاء متقدّمش دچار و از اوان تولّدش هر روز با قوای فساد و انحراف اخلاق و تعصّبات شدید مواجه و مقابل چنین جامعه‌ای بدون کمترین معاضدت و امداد جامعه‌های دیگر شرق و غرب جهان در کمتر از نیم قرن به امدادات ملکوتی آسمانی که حضرت عبدالبهاء به جوهر محبّت به آن تفویض فرموده است موفق شد که چنان محرّک پیشرفت و تقدّم امر الهی گردد که تمام جامعه‌های بهائی دیگر مغرب زمین مجموعاً از رقابت و همسریش عاجز و ناتوان مشاهده شوند.

کدام جامعه دیگری را می‌توان یافت که طرح مؤسّسات اداری امرالله یعنی پیشاهنگ نظم جهانی حضرت بهاءالله را ارائه داده و نبضش را به طپش آورده باشد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که به انسجام و پایداری کامل بتواند چنان لیاقت و انضباط و عزم جزم و همّت و استقامت و وفاداری و جانفشانی را از خود ظاهر سازد که کلّ از ضروریّات بنا و توسعه دائمی بنیانی است که در آن مؤسّسات نوزاد امرالله باید نشو و نما و رشد نماید؟ کدام جامعه توانسته است اثبات نماید که بر چنان بینش روشن و به چنان ادراک بلندی از فداکاری و اتّحاد و اتّفاق رسیده باشد تا بتواند در سال‌های بحرانی کنونی در مدّت کوتاهی بنای شامخی را مرتفع سازد که به حقّ بزرگترین هدیه‌ای است که جهان غرب تا به حال به امر حضرت بهاءالله تقدیم کرده است، کدام جامعه ای را می‌توان یافت که حقّاً بتواند ادّعا نماید که با مساعی جمیله فقط یکی از افراد منقطع فروتنش بی‌ظہیر و معین بتواند یکی از افراد خاندان سلطنت را در ظلّ امرالله درآورد و او را به

نوشتن بیانیّه‌ای در شهادت بر حقّانیت امرالله برانگیزد، کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که با پیش‌بینی و قابلیت و شور و شوق مدرسی را در سراسر کشور خویش تأسیس کرده باشد که در آینده ایّام به مراکز فعّال و سودمند آموزشی بهائی تبدیل گشته زمین حاصلخیزی را برای مهیا ساختن مبلّغین و مربّیانی جدید جهت تقویّت نیروهای تبلیغی بوجود آورد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که توانسته باشد مهاجرینی را با کمالات لازمه و ملکات فاضله از قبیل شجاعت و انقطاع و استقامت و انجذاب و از خودگذشتگی برانگیزد که ترک خانه و خانمان نمایند و با انقطاع تام در بسیط زمین پراکنده شوند و پرچم حضرت بهاءالله را در اقصی نقاط جهان برافرازند؟ چه کسانی را جز افراد آن جامعه مبارکه می‌توان یافت که به این امتیاز و فخر عظیم نائل شده باشند که اوّل بار ندای یا بهاء الابهی را به مراکز و مناطق مهمّ عالم چون نقاط تحت دو امپراطوری انگلیس و فرانسه، آلمان، خاور دور، ممالک بالکان، کشورهای اسکاندیناوی، امریکای لاتین، جزائر اقیانوسیّه، آفریقای جنوبی، استرالیا، نیوزیلند و اخیراً به ممالک بالتیک برسانند و امرالله را در آن مناطق تمکّن بخشند؟ چه کسانی را جز همان مهاجران غیور می‌توان یافت که برای ترجمه و طبع کتاب به چهل زبان از لغات عالم و دیگر آثار مقدّسه مبارکه که انتشارش شرط اساسی جمیع خدمات منظمّ تبلیغی است هر نوع مشقّتی را به جان تحمّل نمایند و با تبرّعات کریمانه مالی وسائل انتشارشان را فراهم کنند. کدام جامعه را می‌توان یافت که در توسعه و حفظ حول و حوش مقامات مقدّسه بهائی و ابتیاع

اراضی لازم برای تأسیس معاهد بین‌المللی در مرکز جهانی چنان سهمی عظیمی داشته باشند؟ کدام جامعه را می‌توان یافت که چنین فخر و شرفی یافته باشد که اولین جامعه‌ای باشد که اساسنامه محفل ملّی و محلّی خویش را تدوین کرده و اصول دو منشور لازم را جهت تنظیم خدمات و تعیین اقدامات و حفظ حقوق آن مؤسّسات تدوین کرده باشد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که به تأسیس موقوفات ملّی و تسجیل رسمی آنها موفق گشته و راه را برای ایجاد موقوفات محلّی هموار کرده باشد. کدام جامعه‌ای را می‌توان یافت که به این امتیاز ممتاز شده باشد که قبل از آنکه به فکر جامعه‌های دیگر خطور نماید موفق شده باشد که اسناد شناسائی رسمی محافل روحانی و موقوفاتش را از حکومت فدرال و حکومت‌های ایالتی به دست آورده باشد؟ بالاخره چه جامعه دیگری را می‌توان یافت که بر حمایت از نیازمندان و دفاع از ستمدیدگان و بذل مساعی در حفظ ابنیه و مؤسّسات بهائی در کشورهای ایران و مصر و عراق و آلمان که بهائیان هر از چندی مورد تضییقات دینی و فشارهای نژادی واقع می‌شوند توانائی و وسائل لازم را در اختیار داشته باشد؟

چنین کارنامه بی‌نظیر و درخشانی که یاران امریکا در خدمات بیست ساله گذشته بهم رسانده‌اند و با مصالح و سرنوشت جمع زیادی از بهائیان عالم بهم آمیخته شایسته است که خود فصلی درخشان و فراموش ناشدنی در تاریخ عصر تکوین به شمار آید . این سوابق که مزید بر موفّقیت‌های گذشته گشته خود شاهد صادقی است بر اینکه یاران امریکا استعداد و لیاقت آن را دارند که بتوانند

مسئولیت‌هایی را که در آینده بر دوششان نهاده خواهد شد چنانکه باید و شاید ایفاء نمایند و محال است اهمیت اینهمه خدمات متنوع را نادیده گرفت یا ارزش روزافزون نتایج حاصله‌اش را به درستی تخمین زد و این کار فقط از عهده مورّخین آینده بهائی ساخته است اما آنچه حال در این اوراق نگاشته می‌شود بیان ثقه و اطمینان است در اینکه جامعه‌ای که قادر باشد چنان خدماتی و چنان روحی را از خود ظاهر و نمایان سازد و به چنین مقام بلندی برسد البته استعداد آن را دارد که در آینده در وقت مقرر ثابت نماید که حقاً مهمّترین سازنده و قهرمان نظم جهانی حضرت بهاءالله محسوب‌گردد.

این خدمات عالیّه از بعضی از جهات یادآور جانفشانی‌های عظیم مطالع انوار در عصر رسولی است که سبب اعلان و ارتقاع ندای امرالله گردید اما هنوز بسیار مانده است که تا مسئولیت‌هایی که مختصّ جامعه ممتاز بهائی امریکا است به اوج خود برسد و آنچه امروز هست فقط آغاز ایفای آنها است. موفقیتی که یاران امریکا به مدّت پنجاه سال بدست آورده‌اند نسبت به عظمت خدمات و اقداماتی که در پیش دارند بسیار ناچیز است. امروز غرّش رعدآسای آشوب‌های خانمان‌برانداز که همه جا را فرا گرفته در عین حال هم منادی سكرات موت نظمی کهنه و فرسوده و هم درد زایمان نظمی جدید است و نشان می‌دهد که وقایع جسیم آینده به چه سرعتی در شرف تکوین است و ماهیت خدماتی که بر عهده یاران امریکا است به چه مقدار حیرت‌انگیز است.

استقرار بالقوه نظم اداری بهائی و طرح قالبش و تکوین ابزار و وسائلش و تحکیم مؤسّسات تابعه‌اش اولین وظیفه‌ای بود که طبق الواح وصایا و به امر

حضرت عبدالبهاء بر ذمه یاران امریکا قرار گرفت که آن را با سرعت عمل و وفاداری و قدرت حیرت‌انگیزی به مرحله عمل رسانیدند و چون دوائر و شعب متنوع لازم نظم اداری را فراهم آوردند، بلافاصله با همان حرارت و شور و انجذاب قیام بر اجراء خدمت مشکل و مهم دیگری نمودند. آن بنای نمای خارجی بنای شامخی بود که حجر زاویه‌اش را نفس مقدس حضرت عبدالبهاء به دست مبارک خویش در بنیاد آن بنیان رفیع^۱ قرار داد و پس از اجراء آن وظیفه مهم جامعه امریکا در اطاعت از هدایات و نصایح و بشارات نازله در الواح نقشه ملکوتی مصمم بر اجراء وظیفه دیگری گشتند که از حیث وسعت و شدت قوای روحانیش یقیناً جمیع توفیقات پیشین را تحت الشعاع قرار خواهد داد یعنی نقشه هفت‌ساله را که اولین قدم عملی در سبیل تنفیذ و تحقق رسالتی است که آن الواح مقدسه ملکوتی تاریخ‌آفرین بر ایشان مقرر ساخته طرح کرده با روحی جدید و عزمی شدید بر اجرائش چون دو وظیفه دیگرشان قیام نمودند و امید است که خاتمه نقشه هفت‌ساله با جشن‌های قرن ولادت امر مقدس حضرت بهاء‌الله مقارن گردد. جامعه بهائی امریکا به خوبی واقف و آگاه است که اتمام تزئینات خارجی مشرق الانکار در ترقی و تقدّم مجهودات تبلیغیشان در امریکای شمالی و جنوبی تأثیر مستقیم می‌گذارد و نیز می‌دانند که هر فتح و ظفری که در میدان تبلیغ حاصل شود به نوبه خود سبب تسریع عملیات اتمام مشرق الانکار خواهد شد

^۱ مشرق الانکار ویلمت نزدیک شیکاگو

لهذا با ایمان و شجاعت و اطمینان اجراء و وظائفشان را در ظلّ نقشه وجهه همت خویش قرار داده در تنفیذش به دل و جان کوشا هستند.

اما هر گز نباید تصوّر نمایند که وظائفی را که ید قدرت پروردگار بر دوششان نهاده با اجراء نقشه هفت‌ساله که با خاتمه اولین قرن مقارن است پایان پذیرد زیرا آغاز قرن دوم بهائی باید چشم‌انداز بزرگتری و صحنه‌های دیگری را در پیش نظر مجسم سازد و شاهد شروع نقشه‌های دیگری باشد که به مراتب از آنچه تا به حال داشته‌اند مؤثرتر و وسیع‌تر است و اگر قرار باشد وظائف و مسئولیت‌هایی که طراح نقشه ملکوتی به آنان واگذار فرموده با افتخار و کمال به مرحله اجراء درآید آن وقت نقشه‌ای را که اینک مطمح نظر و کانون آمال و مرکز منابع همه یاران امریکا است نباید چیزی جز این تصوّر کرد که فقط نقطه شروع و محک قوت و قدم اول جهاد روحانی عظیمی است که دامنه‌اش بسی گسترده‌تر است.

زیرا هدف نقشه هفت‌ساله کنونی چیزی جز این نیست که لااقل در هر یک از جمهوریات نیمکره جنوبی اقلاً یک مرکز بهائی تأسیس شود حال آنکه وظائفی را که نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء تعیین نموده خواهان انتشاری بس وسیع‌تر و تشّت و مهاجرت عده‌ای بیشتر از احباء امریکای شمالی در سراسر قاره امریکا است پس شکی نیست که رسالتشان آن است که پیروزی‌های درخشانی را که در خاتمه قرن اول بهائی به دست آورده‌اند در قرن دوم بهائی ادامه دهند یاران امریکا نمی‌توانند خود را قانع سازند که چنانکه باید وظائف فوری و حتمی خود را طبق نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء به مرحله اجراء رسانده‌اند مگر آنکه

بکوشند احبّاء نقاط مهجور و مراکز جدید التّأسیس را چنان راهنمایی کرده باشند که آن مقبلین نورسیده مستعد گشته و بتوانند مستقلاً به اداره مؤسّسات ملّی و محلّی خویش پردازند.

و نیز نباید آنی تصوّر نمایند که با اتمام نقشه هفت‌ساله و تحقّق اهدافش یعنی مضاعفه مراکز بهائی و معاضدت لازم برای تأسیس نظم اداری بهائی در کشورهای امریکای لاتین طرح اعطائی حضرت عبدالبهاء را به تمام و کمال اجراء کرده‌اند زیرا حتّی مطالعه سطحی نارسائی از الواح نقشه ملکوتیّش نمایان می‌سازد که دایره خدمات مخصوصه‌شان از مرزهای نیمکره غربی بسی فراتر می‌رود و اینک که وظائف و مسئولیت‌شان را عملاً در قاره امریکا ایفاء کرده‌اند باید به درخشانترین و مهمّترین مرحله اجرائاتشان قدم گذارند و مصداق این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء گردند که «این نداء الهی چون از خطّه امریک به اروپ و آسیا و آفریک و آسترالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبّای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند.»

کسی چه می‌داند که حتّی پس از انجام چنان وظائف خطیره‌ای باز چه رسالت بی‌نظیر دیگری درخندمتر و اعلی و اعظم از پیش به تقدیر حضرت بهاءالله به یاران امریکا محوّل خواهد شد؟ عظمت و جلال چنان رسالتی چنان درخشنده و تابان است و اوضاع و احوالش چنان دور از دسترس ما است و تار و پود حوادث این عصر که با آن رسالت بهم بافته است چنان متغیّر و متلون که در حال حاضر توصیف مشخصّات و ماهیّتش برون از حیطه تصوّر ما است همین‌قدر می‌توان گفت که در

بحبوحهٔ بلایا و هرج و مرج‌ها و آشوب‌های «آخر الزمان» فرصت‌هایی پدیدار و اوضاع و احوالی خلق خواهد شد که آن مجریان پیروزمند نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء را با سهمی که در استقرار نظم جدید جهانی به عهده خواهند گرفت قادر بل ناچار خواهد ساخت تا در سبیل عبودیت آستان حضرت بهاءالله تاج و هاج جدیدی بر سر خویش گذارند.

و نیز نباید از خاطر دور داشت که مجال‌ها و فرصت‌های متنوع بدیع دیگری که ناگزیر در سیر تکامل امرالله چه در مرکز جهانیش و چه در قارهٔ امریکای شمالی حتی در اقصی نقاط بسیط زمین به دست خواهد آمد باردیگر یاران امریکا را دعوت خواهد کرد که در تبلیغ و اشاعهٔ امر حضرت بهاءالله به خدماتی بیشتر و نمایان‌تر از آنچه قبلاً مجتمعاً مبذول داشته اند قیام نمایند در این مقام فقط می‌توان به بعضی از اهم آن مجال‌های آینده مبادرت ورزید: انتخاب بیت‌العدل اعظم و استقرار مرکز روحانی و اداری و جهانی امرالله در ارض اقدس همراه با ایجاد شعبات و مؤسسات تابعه‌اش، تأسیس تدریجی توابع اولین مشرق‌الاذکار مغرب زمین و پرداختن به امور معضله دقیقه مربوط به حیات جامعه بهائی، تدوین و ترویج احکام و قوانین کتاب مستطاب اقدس که لازمه تشکیل و رسمیت محکمه شرعیه بهائی در بعضی از کشورهای شرق است، بنای سومین مشرق‌الاذکار عالم بهائی در حومهٔ طهران و بعد از آن در ارض اقدس، استخلاص جامعه بهائی از قید تعصبات دینی در بعضی از ممالک اسلامی مانند ایران و عراق و مصر، سپس شناسائی رسمی محافل محلی و ملی از طرف اولیاء امور آن ممالک

به عنوان مؤسسات دینی مستقل، تمهید اقدامات و موازین لازم احتیاطی و هماهنگ برای دفاع از حملات و تعرضات حتمی و متشکلی که دستگاه روحانیون از مذاهب مختلفه با شدتی روزافزون برضد امرالله شروع و بی‌رحمانه ادامه خواهند داد. مهمتر از همه آن که یاران امریکا در آینده با امور بی‌شماری مواجه گردند که باید با آنها مقابله نمایند تا امر مبارک مراحل باقیه را طی نماید. «دوره مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نمای جامعه اهل بهاست و مرحله ثانیه مظلومیت و مقهوریت هر دو منقضی گردد دوره ثالث که مرحله انفصال شریعه‌الله از ادیان عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدمه ارتفاع علم استقلال دین الله و اقرار و اعتراف به حقوق مسلوبه اهل بهاء و مساوات پیروان جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان و این استقلال ممهّد سبیل از برای رسمیت آئین الهی (و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیه گشت و این رسمیت به مرور ایام مبدّل و منجر به تأسیس سلطنت الهیه و ظهور سلطه زمنیه شارع این امر عظیم گردد. و این سلطنت الهیه مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی مؤسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی که مرحله سابع و اخیر است) منتهی گردد.»^۱

^۱ آنچه نقل گردید اصل بیان مبارک حضرت ولی امرالله به فارسی است که در توقیع مبارک ۱۱۰ مرقوم فرموده‌اند که چون جز در بعضی از عبارات معنأ با انگلیسی مطابقت داشت عیناً نقل گردید جملات بین‌الهالین () در متن انگلیسی نیست.

اطمینان واثق دارم که یاران امریکا در مقابله با چنان فرصت‌هایی و نیز در اجابت دعوت حضرت عبدالبهاء در الواح تبلیغی ملکوتیش بی‌درنگ با جرأت و شهامت و استقامت مخصوص ذاتیشان قیامی مردانه خواهند کرد تا به جهانیان اثبات نمایند که فی‌الحقیقه لایق این خطابند که به عنوان بانیان قهرمان اعظم مؤسّسات امر حضرت بهاء‌الله ملقّب و مخاطب شده باشند.

ای یاران ارجمند و محبوب هر چند وظائف محوّله به شما بسی سنگین و خطیر است ولی اجر و ثوابی که از خزانه غیب الهی به آن عزیزان ارزانی گشته چنان پربها است که زبان و بنان از توصیف و تقدیرش چنانکه باید بر نیاید و هر چند مقصدی که با کمال همّت و مجاهدت در پیش دارید بعیدالوصول و بغایت دور و از دیدگان بشر مستور است امّا بشارتش به کمال قدرت در متن بیانات نافذ و لایتغیّر حضرت بهاء‌الله مندمج و مسطور و هرچند مسیری که جمال کبریا برای آن یاران با وفا برگزیده احیاناً در سایه تیره و تاری که عالم انسانی را فرا گرفته محو و ناپیدا است ولی انوار هدایتی که پیوسته بر آن عزیزان پرتو افکنده چنان روشن و درخشنده است که ظلمات حائله این جهان تابش و سطوعش را سدّ نتواند. و هرچند تعدادتان قلیل و تجارب و امکانات و منابعتان بس محدود امّا قوّت ملکوتی که در هویت رسالتتان مکنون است بغایت شدید و از حیث وسعت و قدرت بی‌شمار و نامحدود. و هر چند دشمنان عنود در هر زمان که در اجراء وظائف مخصوصتان توفیق حاصل گردد با لشگری جرّار بی‌رحمانه و با عزمی جزم بر شما هجوم شدید نمایند ولی چنانکه موعود است جنود غیبی

ملاءاعلی آن سالکان سبیل استقامت و وفاء را امداد فرماید و بر اضمحلال قوای دشمنان پرکین پیروز سازد و به یأس و خسرانشان اندازد. و هر چند در مواهب و عطایائی که در وصول به کمال رسالتان شامل حال گردد شک و تردیدی نیست و تحقق وعود و بشاراتی که برای آن عزیزان مقدر گشته محتوم ولی اجر جزیلی که نصیب هر یک از افراد شما می‌گردد مطابق و وابسته با مقدار خدمت و همّتی است که هر یک در سبیل توسعه رسالت محوّله و تسریع پیروزی‌ش مبذول می‌دارید.

ای دوستان عزیز هر چند که محبّت و تمجید و تقدیر من از آن یاران با وفا بسی شدید است و کاملاً معتقد بل مطمئنم که آن عزیزان در آینده در خدمات و مجاهدت‌های قارّه‌ای و بین‌المللی سهم عظیم خویش را ایفاء خواهند نمود باز برخود واجب می‌دانم که در این مقطع از زمان به بیان انذارات لازم مبادرت ورزم و اظهار دارم که باوجود تقدیر و تمجید و ستایشی که به کرات حقّاً نصیب افراد و جامعه زنده و پوینده بهائیان امریکا شده و بارها از لیاقت و روح نبّاض و اعمال و مقام رفیعشان تحسین گشته است به هیچ وجه نباید آنها را با حالات و صفات و طبایع مردم آن کشور که بهائیان به فضل الهی از میانشان برخاسته‌اند اشتباه نمود باید صریحاً و قطعاً بدون هیچ ملاحظه و هراسی اذعان کنیم که بین جامعه بهائیان امریک و مردم آن کشور تفاوت شاخصی موجود است و اگر به چنین تفاوتی قائل گردیم ایمان خویش را به قوّه نافذه خلاقه امر حضرت بهاءالله اثبات نموده‌ایم که در حیات و موازین اخلاقی پیروانش چنان نفوذ و تأثیر نموده که آنان را به کلی دگرگون و از اقران ممتاز ساخته است و

بر عکس اگر چنین نیندیشیم این اصل اصیل را که اعظم و ابهی ثمره ظهور حضرت بهاءالله ایجاد خلق جدیدی از انسان است به کلی منکر شده و از جلوه بازداشته‌ایم.

پیوسته پیغمبران خدا از جمله حضرت بهاءالله در کشورهایی مبعوث گشته و پیام الهی را در زمانی و به مردمی ابلاغ کرده‌اند که یا در سراشیب انحطاط و یا در اسفل درجات فساد اخلاقی و ضلالت روحانی بوده‌اند چنانکه بدبختی محنت‌بار و ذلتی که قوم اسرائیل قبل از خروجشان از خاک مصر به قیادت حضرت موسی در زمان حکومت ظالم و خفت‌انگیز فراعنه داشته‌اند. انحطاطی که در حیات دینی و روحانی و فرهنگی و اخلاقی یهودیان در زمان ظهور حضرت مسیح مشهود بود مظالم وحشیانه و بت‌پرستی فاحش و فساد اخلاقی که قرن‌ها از خصائص بارز و شرم‌آور قبائل عربستان بود و حضرت محمد در میان چنان مردمانی به رسالت مبعوث شد تنزل و تدنی توصیف‌ناپذیر همراه با فساد و آشفتگی و تعصبات جاهلیّه و ظلم و ستمی که مقارن ظهور حضرت بهاءالله جمیع شؤون دینی و عرفی کشور ایران را احاطه کرده بود و تعصباتی را که بسیاری از محققین و دیپلمات‌ها و سیّاحان در آثار خویش دقیقاً تصویر کرده‌اند کلّ شاهد و گواه آن مقال است و الاّ اگر چنین تصوّر شود که استحقاق ذاتی و سجایای عالیه اخلاقی و شایستگی سیاسی و کمالات اجتماعی هر یک از آن ملّت‌ها علّت ظهور مظاهر الهی در میانشان بوده است چنین عقیده‌ای

کاملاً مغایر و مخالف حقایق تاریخی و به منزله انکار تبیینات و بیانات مؤکده حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در این موضوع است.

فی الحقیقه نفوسی که از آن اقوام و ملل دعوت چنان پیغمبران عظامی را اجابت نموده‌اند چه مجاهدت دشواری داشته که توانسته‌اند بی‌درنگ از هر شک و تردیدی بگذرند و به معرفت حق نائل شوند و با شجاعت به این حقیقت مسلم شهادت دهند که هرگز به علّت تفوّق نژادی و قابلیت سیاسی و یا فضائل روحانی نبوده است که پیغمبران الهی در میان آن اقوام مبعوث گشته‌اند بلکه بر عکس به واسطه احتیاج شدید و انحطاط و تدنی اسفانگیز و انحرافات علاج‌ناپذیر بوده است که مظاهر الهی در میانشان ظاهر شده تا با ظهورشان حیات و رفتار و سلوک نوع بشر را به مرتبه‌ای اشرف و اعلی ارتقاء بخشند. زیرا قطعاً از اوّل لا اوّل چنین بوده است که پیغمبران بزرگ تحت چنان اوضاع و احوالی خواسته‌اند و قادر گشته و اثبات نموده‌اند که چه قدرت حیات‌بخشی در ظهورشان نهفته بوده است که توانسته‌اند قوم و ملّت خویش را از قعر مذلّت و پستی برهانند و چنان نیرومندشان سازند تا بتوانند به نوبه خود عطیه ایمان و نفوذ حیات‌بخش آئین الهی را به اقوام و ملل دیگر منتقل سازند.

در پرتو چنین اصل مسلّمی همواره باید بخاطر داشت و تأکید نمود که نخستین علّتی که حضرت باب و حضرت بهاءالله در ایران مبعوث گشته و آنجا را مخزن و منبع ظهور خویش قرار داده‌اند این است که مردم و ملّت ایران به شهادت مکرّر حضرت عبدالبهاء چنان در حسیّض انحطاط فرو رفته و در فساد و تباهی غوطه‌ور گشته بود که در جهان متمدّن آن روزگار

شبه و نظیری نداشت و برای اثبات قوه خلاقه نافذه ظهور حضرت باب و حضرت بهاءالله هیچ برهانی اعظم از این نیست که تحت تربیت آن دو مظهر الهی چگونه مردم بسیار متأخر و جبان و فاسد ایران به قهرمانانی تبدیل شدند که توانستند تحوّل و انقلاب عظیمی را در حیات عالم انسانی برانگیزند. در صورتی که اگر در میان نژاد و ملّتی ظاهر می‌شدند که به واسطه ترقّیات عالیه و ارزش فطریشان مستحقّ چنان امتیاز عظیمی می‌شدند که امر الهی از میانشان طلوع نماید دیگر تأثیراتش در نظر مردم بی‌ایمان این زمانه کاسته می‌شد و قوه عظیم و متکّی بذاتش از انظار پوشیده می‌ماند صفحات تاریخ نبیل به وضوح تمام نمایان می‌سازد که بین حالت شجاعت و شهامت و اعمال قهرمانان مطالع الانوار با پستی و دنائت و جبن و شناعت دشمنانشان که به اذیت و آزار و افترا و انکارشان می‌پرداختند چقدر تفاوت وجود دارد و این امر بنفسه شاهد صادقی است بر حقّانیت پیام ذات مقدّسی که چنان آتشی را در دل و جان پیروانش روشن کرده است پس اگر هر بهائی ایرانی بپندارد که برتری و تفوّق کشورش و نجابت ذاتی مردمش بوده که آنان را اولین مخاطبین پیام آسمانی حضرت باب و حضرت بهاءالله ساخته به خطا رفته است و طبق شواهد متقنه همان تاریخ رأی او به کلی باطل و مردود است.

این اصل مسلّم تا حدّ معینی در کشوری مصداق یافته که بالاستحقاق به عنوان مهد نظم جهانی حضرت بهاءالله شناخته شده است. خدمات عظیم و سهم والائی که بهائیان امریکا در این سبیل داشته‌اند به هیچ وجه از نقشی

که نفوس مقدّسه جاویدانی که در ایران با انقطاع و جانبازی و اعمال بی‌نظیر خویش امر الهی را استقرار بخشیده‌اند کمتر نیست. اما باز آن نفوس مبارکه که در ایجاد تمدّنی جهانی که خود جزئی از آئینشان است بسیار بیشتر از دیگران شریک و سهمیم بوده‌اند هرگز نباید حتّی لحظه‌ای تصوّر نمایند که حضرت بهاء‌الله به علّتی مرموز یا به واسطه تفوّق ذاتی و استحقاق مخصوص مردم امریکا چنین منقبت و امتیازی را به ایشان عطا فرموده تا کشورشان مهد نظم جهانی باشد بلکه به واسطه آن که مردم امریکا با وجود خصائل عالیّه و توفیقات حاصله‌شان امروز محاط به فساد و آشکار گشته‌اند. و مادّیت‌پرستی مفرطی که متأسّفانه ملازم آنان گشته بوده است که حضرت بهاء‌الله و مرکز میثاقش بهائیان آن کشور را به چنان فخر و منقبتی مفتخر فرموده تا مشعلدار نظمی نوین و جهانی باشند که در آثارشان مذکور است و از این طریق است که حضرت بهاء‌الله قوّه نافذه خویش را به مردم غافل این عصر بهتر نمایان می‌سازد که از میان مردمی مستغرق در بحر مادّیات و گرفتار تعصّبات دیرینه نژادی و فساد مفتضح سیاسی و دچار هرج و مرج و فقدان موازین اخلاقی قادر گشته تا زنان و مردانی را مبعوث فرماید که به مرور زمان بیشتر معلوم گردد که چه خلق جدیدی به وجود آمده که متخلّق به خلق و خوی رحمانی‌اند و مظهر انقطاع و عصمت و عفت و درستکاری و محبّت بی‌دریغ و انضباط و تقدیس و بصیرت روحانی، تا آن نفوس لایق باشند که در استقرار نظم جهانی و تمدّنی که آن کشور و جمیع نوع بشر بدان نیازمندند سهمی عظیم داشته

باشند. جامعه بهائی امریکا اولاً به عنوان یکی از محکم‌ترین پایه‌ها و ارکان بنیان بیت‌العدل اعظم و ثانیاً به عنوان بانیان نظم جهانی جدیدی که هسته مرکزی و طلیعه‌اش همان بیت‌العدل است، به چنین امتیاز و وظیفه‌ای مفتخر خواهند بود که دو اصل مزدوج عدل و نظم را ترویج و ظاهر و اعمال نمایند. دو اصلی که در مقابلش فساد سیاسی و بی‌بند و باری اخلاقی که دامن مردم آن کشور را که بهائیان نیز جزئی از آنند بیشتر نمودار می‌کند و تضاد و مابینتی غم‌انگیز را آشکار می‌سازد.

این ملاحظات هرچند ناگوار و دردناک باشد نباید سبب شود که خصائل و فضائل مردم امریکا را فراموش کنیم و هوش سرشار و تازگی و جوانی و داشتن ابتکار و فعالیت‌های تولیدیشان را که در جامعه بهائی نیز بسیار نمایان است از نظر بی‌پوشانیم. بر اساس آن خصائل و فضائل و نیز محو آن رذائل است که بلکه بهائیان آن سامان تا حدّ زیادی باید بنیاد متینی را استوار سازند که آن کشور بتواند در طلوع عصر زرّین ام‌رحضرت بهاء‌الله نقش مهمّی را در آینده ایفاء نماید.

چه خطیر و مهمّ است مسئولیت نسل حاضر بهائیان امریکا که در این مراحل اولیه از تکامل روحانی و اداریشان باید به کمال همّت بکوشند تا جمیع عادات مذمومه و خطا و اشتباهات و تمایلات نامطلوبی را که به ارث به ایشان رسیده از ریشه براندازند و در عوض با صبر و حوصله و دعا و مناجات به جایش نهال خصائل ممتاز و سجایای مخصوصه‌ای را بنشانند که برای شرکت مؤثر در خدمات نجات‌بخش آئین مقدّسشان لازم و ضروری است و حال که به

واسطه قَلت افرادشان و فقدان نفوذشان نمی‌توانند در جمهور مردم کشورشان تأثیر چندانی داشته باشند باید توجه خویش را معطوف به خویشتن کنند و در باره حوائج و نیازهای فردی خود بیندیشند و به نقائص و ضعف‌های خود بپردازند و پیوسته بدانند که ازدیاد جهد و کوشش در این سبیل آنان را آمادتر و مستعدتر می‌کند که چون وقتش فرا رسد از حیات و قلوب هموطنانشان تمایلات و رذائل سخیفه را زائل نمایند همچنین نباید از این حقیقت غافل شوند که آن نظم جهانی که یاران امریکا اینک به مثابه پیش‌قدمانی می‌کوشند برای نسل‌های آینده کشورشان پایه گذارند هرگز مرتفع نمی‌شود مگر آنکه قاطبه ملت امریکا از مفاسد متنوعه اجتماعی و سیاسی که دام‌گیرشان گشته پاک و طاهر شده باشند.

چون حوائج و نیازمندی‌های جامعه بهائی را بطور کلی ملاحظه نمایم و کمبودهایی را که سبب رکود اجراء وظائفشان گشته تخمین زنم و خصائص و وظائف بزرگتری را که در آینده به عهده ایشان محوّل خواهد شد از پیش خاطر بگذرانم خود را موظّف و مکلف می‌بینم که فوراً به کمال تأکید جامعه بهائی امریکا را از پیر و جوان از سیاه و سفید چه از زمره مبلّغین و چه از گروه خادمان عادی تشکیلات چه از قدمای احباء و چه مؤمنین جدید الاقبال کلّ را به نکات دقیقه‌ای متوجّه سازم که برای موفقیت در ایفاء وظائفی که حال متّحداً متّفقاً بر اجرائش قائمند از لوازم ضروریّه محسوب است یعنی با آنکه تهیّه وسائل خارجی و اکمال و بهبود و استفاده از تشکیلات و دوائر اداری که در اجراء وظائف دوگانه‌شان در ظلّ نقشه

هفت‌ساله که دارای اهمیت بسیار زیادی است و با آنکه مجهودات مبذوله‌شان و طرح نقشه اقدامات و خدماتشان و جمع تبرّعات مالی برای تعمیم امر تبلیغ و بنای مشرق‌الاذکار همه بسیار فوری و حیاتی است ولی اهمیت و فوریت عوامل فوق‌العاده روحانی که با حیات درونی هر فردی پیوند دارد و با روابط انسانی و اجتماعیشان وابسته است کمتر از آنها نیست و برای حصول لازم است که دائماً در باره خویشان خویش موشکافی کنند و همواره دل و جان‌شان را متذکّر سازند و وجدانشان را در محک امتحان اندازند تا مبدا آن عوامل روحانی از قدر و منزلتش بکاهد و ضرورتش در پرده ابهام بماند یا بکلی فراموش گردد.

مهم‌ترین و حیاتی‌ترین آن عوامل و شرایط که به منزله پایه و اساس موفقیت جمیع نقشه‌های تبلیغی و طرح‌های مشرق‌الاذکار و تدابیر مالی است نکات ذیل است که باید اعضاء جامعه بهائی امریکا دقیقاً به آن توجه نمایند زیرا مقدار مواهب و عطایائی که نصیب آن یاران خواهد شد وابسته به این است که تا چه حدّ بتوانند آن شرایط عمده را در حیات فردی و خدمات اداری و روابط اجتماعی خویش به کار بندند. اهمّ این عوامل و شرایط عبارت است از اوّل رعایت اعلی درجه مکارم اخلاق و ملکات فاضله در مساعی و مجهودات اجتماعی و اداری، دوّم مراعات کامل عفت و عصمت در حیات فردی و سوم رهائی تام از قید تعصّبات در معاملات با مردم از هر نژاد و رنگ و از هر طبقه و هر مذهب.

شرط اوّل بیشتر متوجّه نمایندگان منتخب جامعه بهائی در سطح ملی و ناحیه‌ای و محلی است زیرا آنانند خادمان و پاسبانان مؤسّسات نوزاد آئین

حضرت بهاء الله و آنانند پایه‌گذاران بنای مستحکم بیت‌العدل اعظم که چنانکه از اسمش پیدا است مروج و حافظ عدل الهی است و آن عدل خود یگانه ضامن حفظ و تعمیم نظم و قانون در این جهان پر آشوب است و شرط ثانی بیشتر و مستقیماً متوجه جوانان است که قوه محرکه جامعه بهائی و ضامن قدرت و طهارت حیات جامعه و باعث بروز ظهورات کامل قوا و استعدادات مکنونه در امر الهی‌اند. شرط ثالث بیشتر متوجه اعضاء دیگر جامعه بهائی از هر سن و سال و دارای هر نوع تجربه و مقام و هر طبقه و رنگ و نژاد است که باید کلاً و فوراً رفتارشان را با آنچه شایسته انتساب به امر بهائی است مطابق سازند و هیچکس نیست که ادعا تواند کرد که چنانکه باید و شاید به ادای وظائف و مسئولیت‌های لازم‌اش در این سبیل نائل شده و توفیق یافته باشد.

حسن اعمال و اخلاق و تمسک شدید به عدل و انصاف که منزّه از نفوذ مخرب محیط فاسد سیاسی باشد حیاتی مشحون از عفت و عصمت و تنزیه و تقدیس که منزّه از اعمال سخیفه و عاری از موازین نادرستی باشد که فقط معیارهای غیر اخلاقی کنونی آن را تأیید و ترویج می‌کند و مداومت می‌بخشد یگانگی و اخوتی مبرّی و منزّه از تعصب نژادی که چون سرطان ارکان هیکل رنجور و ناتوان جامعه را فراگرفته. اینها همه ملکات فاضله‌ای است که باید از این پس یاران امریکا فرداً و مجتمعاً به آن عمل نمایند و در حیات انفرادی و عمومی خویش به کار بندند. و این فضائل و کمالات است که اعظم قوه محرکه‌ای است که پیشرفت و تقدّم مؤسسات و نقشه‌ها و مجهوداتشان را که به احسن وجه حافظ

اصالت و عظمت آئین نازنینشان است تأمین و تضمین می‌نماید و هر مانعی را در آینده از پیش راهشان بر می‌دارد.

این خلق و خوی رحمانی که مشتمل است بر عدل و انصاف، راستی و درستی و مروّت و اعتبار و امانت و دیانت باید همواره مابه الامتیاز جامعه بهائی در جمیع شئون و مراحل باشد چنانکه از قلم اعلی حضرت بهاء الله چنین نازل شده: «الیوم اصحاب آلهی خمیرمایه احزاب عالمند، باید کلّ از امانت و صدق و استقامت و اعمال و اخلاق ایشان اقتباس نمایند».

«قسم به بحر اعظم که در انفاس نفوس مقدّسه تأثیرات کلیّه مستور است علی شأن یؤثر فی الاشیاء کلّها».

«خادم امر امروز کسی است که اگر بر مدائن ذهب و فضّه مرور نماید چشم نگشاید و قلبش پاک و مقدّس باشد از آنچه مشاهده می‌شود یعنی از زخارف و آلاء دنیا. قسم به آفتاب حقیقت نفش مؤثر و کلمه‌اش جاذب».

«قسم به آفتاب افق تقدیس که اگر جمیع عالم از ذهب و فضّه شود نفسی که فی الحقیقه به ملکوت ایمان ارتقاء جسته ابداً به آن توجّه ننماید تا چه رسد به اخذ آن ... الیوم ساکنین بساط احدیّه و مستقرّین سرّ عزّ صمدانیّه اگر قوّت لایموت نداشته باشند به مال یهود دست دراز نکنند تا چه رسد به غیر حقّ ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدّسه کلّ را مزین فرماید.»

«جميع احبّاي الهى را وصيّت فرموديم كه ذيل مقدّس را به طين اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نيا لايند.»

«يا اهل بهاء به تقوى الله تمسّك نمائيد هذا ما حكم به المظلوم و اختاره المختار.»

«طراز سوّم فى الخلق انه احسن طراز للخلق من لدى الحقّ زين الله به هياكل اوليائه لعمري نوره يفوق نور الشمس و اشراقها.»

«يك عمل پاک عالم را از افلاک بگذرانند و بال بسته را بگشاید و قوّت رفته را باز آرد... يا حزب الله التّقدس التّقى التّقى... بگو يا حزب الله ناصر و معين و جنود حقّ در زير و الواح به مثابه آفتاب ظاهر و لائح آن جنود اعمال طيّبه و اخلاق مرضيّّه بوده و هست هر نفسى اليوم به جنود اخلاق و تقوى نصرت نمايد ولله و فى سبيل الله بر خدمت قيام کند البتّه آثارش در اشطار ظاهر و هويدا گردد.»

«اصلاح عالم از اعمال طيّبه طاهره و اخلاق راضيه مرضيّّه بوده.»
«ان اعدلوا على انفسكم ثمّ على الناس ليظهر آثار العدل من افعالكم بين عبادنا المخلصين.»

«اول انسانيت انصاف است و جميع امور منوط به آن. ان انصفوا يا اولي الالباب من لا انصاف له لا انسانيّة له.»

«قل يا قوم زينو السانكم بالصدق و نفوسكم بالامانة اياكم يا قوم لاتخانوا فى شى كونوا امناء الله بين بريته و كونوا من المحسنين.»

«مالک قدم مشرق و لامع و کونوافی الطرف عفیفاً و فی الیدامیناً و فی اللسان صادقاً و فی القلب متذکراً.»

«کن ... لوجه الصدق جمالاً و لهیکل الامانة طرازاً و لبیت الاخلاق عرشاً و لجسد العالم روحاً و لجند العدل رایةً و لأفق الخیر نوراً.»

«قل زینوا نفوسکم بالصدق والآداب و لاتحرموا انفسکم من خلع الحكم و العدل لیهب من شطر قلوبکم روائح قدس محبوب.»

«بگو ای اهل بهاء در سبیل نفوسی که اقوال و اعمالشان مخالف یکدیگر است سالک نشوید همّت گمارید تا آیات حقّ بر اهل ارض مکشوف و احکام و اوامرش واضح و معلوم گردد. به اعمال سبب هدایت من فی البلاد گردید چه که اقوال اکثر ناس از وضع و شریف با افعالشان مغایر و مباین است کردار نیک است که مستظّلین در ظلّ سدره رحمانیه را از مادون ممتاز و گیتی را به روشنی خویش روشن و منور سازد و طوبی از برای نفسی که نصایح قلم اعلی را به سمع قبول اصغا نمود و به آنچه از سماء ارادهء خداوند علیم و حکیم نازل گشته تمسّک جست. (ترجمه)»

در این مقام حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، «ای حزب الهی به عون و عنایت جمال مبارک روحی لاحبّائه الفداء باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به خلق و خوی و صدق و وفا و محبّت و امانت و دیانت و مهربانی به عموم عالم انسانی مشاء بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی

این شخص از خصائص بهائیان است تا به این مقام نیائید به عهد و پیمان الهی وفا ننموده‌اید.»

«الیوم الزم امور تعدیل اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار باید احبّای رحمن به خلق و خوئی در بین خلق مبعوث گردند که رائحه مشکبار گلشن تقدیس آفاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده کند زیرا مقصود از جلوه الهی و طلوع انوار غیب غیرمتناهی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق من فی الوجود.»

«صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است اگر نفسی از آن محروم ماند از ترقّی و تعالی در کلیه عوالم الهی ممنوع گردد و چون این صفت مقدّس در نفسی رسوخ نماید سائر صفات و کمالات قدسیّه بالطبع حاصل شود و فرد کامل گردد.»

هر وقت که نمایندگان منتخب جامعه بهائی در هر مقام که باشند رائی صادر می‌کنند باید آن خلق و خوی رحمانی در تصمیماتشان ظاهر باشد و همچنین جلوه‌اش در معاملات جمیع بهائیان در حیات خصوصی در شغل و کار و در هر نوع خدمتی که در آینده مردم یا حکومت به آنان واگذار می‌نماید همواره نمایان باشد و در رفتار جمیع انتخاب‌کنندگان بهائی هنگام اجراء وظیفه و ادای حقّ مقدّس خویش در انتخابات منعکس گردد و ما به الامتیاز هر مؤمن ثابتی در عدم قبول مشاغل سیاسی و عدم عضویت در احزاب سیاسی و عدم مداخله در مناقشات سیاسی و عدم شرکت در سازمان‌های سیاسی و مؤسّسات روحانیون محرز شود. آن خلق و خوی

رحمانی باید در اطاعت کامل جمیع یاران از پیر و جوان از اصول مصرّحه در خطابات حضرت عبدالبهاء و احکام نازله در کتاب مستطاب اقدس نمایان باشد و هر یک از مدافعان امرالله را بر آن دارد که با کمال انصاف و بی‌طرفی نسبت به دشمنان امرالله رفتار نماید و هر حسنی و کمالی که دارند اذعان کند و با کمال راستی و درستی در احقاق حقوقشان بکوشد. آن خلق و خوی رحمانی باید درخشنده‌ترین زینت حیات و شغل و کار و کردار و گفتار هر مروج امر بهائی در داخل و خارج کشور چه در صف مقدّم خدمت و چه در مقام مسئولیتی کمتر باشد و نیز باید مهر و نشان اعضاء منتخب محفل ملی باشد که هر چند عدّشان قلیل است اما به عضویت هیأتی مفتخرند که بسیار مقتدر و فعّال است و مسئولیتش بس خطیر زیرا محافل ملیّه در هر کشورند که یگانه وسیله انتخاب و نیز رکن بیت‌العدل اعظمند و بیت‌العدل چنانکه از اسمش که حضرت بهاءالله بر آن عطاء فرموده‌اند پیدا است مظهر همان خلق و خوی رحمانی است که حفظ و ترویجش نیز اعظم وظیفه اوست.

اصل عدالت الهی چنان مهیم و عظیم است که باید آن را تاج و هّاج تمام محافل روحانی محلی و ملی که طلّیعه بیت‌العدل اعظمند دانست و عظمتش چنان است که حضرت بهاءالله بنفسه‌العزیز خود و نوایای شخص خویش را تسلیم مقتضیات و واجبات آن اصل اصیل فرموده است چنانکه در بیان مبارکش آمده است:

«حقّ شاهد و گواه اگر چنانچه مخالف شریعةالله نبود دست قاتل خویش را می‌بوسیدم و از مال خود او را ارث می‌دادم ولی چه توان نمود که حکم محکم کتاب روا نداشت و حطام دنیا در نزد این عبد نبود.»

«به یقین مبین بدان این ظلم‌های وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می‌نماید. (ترجمه)»

«قل انه ظهر بعدل تزین به العالم و القوم اکثر هم من النائمین.»

«سراج عباد داد است او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش منمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد.»

«هیچ نوری به نور عدل معادله نمی‌نماید. آن است سبب نظم عالم و راحت امم.»

«یا حزب الله مربی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه‌انداز برای حیات اهل عالم.»

«عدل و انصاف دو حارسند از برای حفظ عباد و از این دو کلمات محکمه مبارکه که علّت صلاح عالم و حفظ امم است ظاهر گردد.»

«ان ارتقبوا ایا قوم ایام العدل و انّها قداّت بالحقّ ایاکم ان تحتجبوا منها و تکوّنن من الغافلین.»

«عنقریب یومی خواهد رسید که مؤمنین آفتاب عدل را در اشدّ اشراق از مطلع جلال مشاهده خواهند نمود. (ترجمه)»

«بذلّتی ظهرت عزّة الكائنات و بابتلائی اشرقت شمس العدل علی العالمین.»

«عالم منقلب است و افکار عباد مختلف نسأل الله ان یزینهم بنور عدله و یعرفهم ما ینفعهم فی کلّ الاحوال.»

«فی الحقیقه اگر آفتاب عدل از سحاب ظلم فارغ شود ارض غیر ارض مشاهده گردد.»

حضرت عبدالبهاء در این باره می‌فرمایند: «الحمد لله آفتاب عدل از افق بهاء الله طالع شد زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود که از اوّل ابداع تا حال بخاطری خطور ننموده.» «خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو.»

پس عجبی نیست که مظهر ظهور بهائی اسم و لقب بیّتی را که تاج و هاج مؤسسات اداری او است با صفت عدل و نه صفت عفو قرین فرمود و عدل را که طبق کلمات مکنونه نزد او «احب الاشیاء» است یگانه اصل و پایه دائمی صلح اعظم مقرر داشته است. در این مقام خود را مکلف می‌دانم که از مؤمنین امرالله مخصوصاً در کشور امریکا نقاضا نمایم که به مقتضای آن سجدیه اخلاقی صمیمانه توجه و تمعّن نمایند و از دل و جان بدون ادنی تأملی فرداً و جمعاً به میزان اساسی و قوی البنیان عدل و انصاف تمسکی شدید جویند.

تنزیه و تقدیس و عصمت و عفت عامل مهمّ دیگری است که در تقویّت و نشاط جامعه بهائی اهمیّت و قدرش کمتر از صفات دیگر نیست عاملی است که

توفیق هر نقشه و طرح بهائی بستگی به آن دارد. در این ایام که نیروهای لامذهبی ارکان معنویات را متزلزل ساخته و پایه اخلاق افراد را سست نموده باید پرهیزگاری و پاکدامنی بیش از پیش مطمح نظر بهائیان امریکا قرار گیرد و باید آنان هم از لحاظ شخصی و هم به عنوان حارسان مصالح امر حضرت بهاءالله مظهر عفت و تقوی باشند و در اجراء چنین فریضه‌ای مخصوصاً در این زمان که افراط در مادیّت‌پرستی مهلکی کشورشان را فراگرفته رعایت تقوی اهمیّت بارزی یافته و باید در کردار و رفتارشان متجلی گردد و در این زمان خطیر که انوار دین و ایمان رو به خاموشی نهاده و اوامر و نواهی مذهبی یکی بعد از دیگر منسوخ می‌گردد باید یاران امریکا از زن و مرد در کردار خویش دقت نمایند و رفتارشان را ارزیابی و با عزمی جزم و مخصوص قیام کنند و تا حیات جامعه خویش را از اوساخ بی‌بند و باری اخلاقی که سبب تضییع نام و تضعیف اصالت آئین مقدس و نازنینشان گردد به کلی پاک و طاهر سازند تقوی و تقدیس باید اصل حاکم بر کردار و رفتارشان باشد و در روابط اجتماعی‌شان چه با اعضاء جامعه بهائی و چه در ارتباطشان با جهان خارج متجلی گردد و سبب زینت و قوّت مجهودات بلا انقطاع و مساعی در خور تحسین نفوسی گردد که به مقام رفیع ترویج پیام و اداره امور امر حضرت بهاءالله فائز و مفتخرند.

عفت و تقوی باید به تمام و کمال در جمیع مراحل حیات بهائیان در سفر و حضر در کلوب‌ها و انجمن‌ها و سرگرمی‌ها و مدارس و دانشگاه‌هایشان مراعات شود و در جمیع فعالیت‌های اجتماعی در هر مدرسهٔ تابستانه بهائی و هر جا که تربیت و حیات جامعه بهائی داده می‌شود مورد توجه

مخصوص قرار گیرد و با رسالت جوانان بهائی مطابقت داشته باشد زیرا جوانان یکی از عناصر حیات بهایی اند و نیز عاملی در ترقی و هدایت به راه صحیح کشور خویش در آینده ایام بشمار می روند.

چنین تقدیس و تقوایی متضمن حیا و طهارت و خویشندناری و ادب و پندار نیک است و طالب اعتدال در جمیع شئون در لباس و پوشاک و ادای الفاظ و تفریحات و در جمیع مظاهر هنر و ادبیات است و لازمه اش مواظبت روزانه در تسلط بر شهوات نفسانی و تمایلات شیطانی و اجتناب از سبکسری است که غالباً خود منجر به کسب لذات رذیل و غیرمشموع می شود. این تقدیس و تقوی خواهان پرهیز و احتراز از هر گونه مشروبات الکلی و از تریاک و مخدرات و اعتیادات شبیه آنها است. اجتناب از سوء استفاده و به فحشاء کشیدن هنر و ادبیات است و پرهیز از برهنه جوئی و همخانگی بدون ازدواج و از خیانت در زندگی زناشوئی و از هر نوع بی عفتی و معاشرت های بی بند و بار و از روابط نامشروع جنسی است. این تقدیس و تقوی هرگز با فرضیه ها و معیارها و عادات عصر منحنط سازش نمی یابد بر عکس با قوه ذاتی خود نمایان می سازد که چنان فرضیه ها و چنان معیارها همگی فاسد و نادرست است و چنان دعوی ها ناچیز و بی مقدار و چنان عادت ها منحرف و تباه و چنان افراط کاری ها از طریق صواب و تقدیس بیرون است.

حضرت بهاء الله می فرماید: «به حق قسم که عالم و آنچه در اوست جمال و جلال و لذات و مسرات فریبنده اش کل در نظر حق چون تراب و رماد بل

پست‌تر مشاهده می‌شود ای کاش قلوب عباد به ادراک آن فائز می‌شد ای اهل بهاء از آلودگی‌های ارض و زخارف فانیّه آن خود را پاک و منزّه سازید حقّ شاهد و گواه که این مراتب دنیّه لایق مقام یاران الهی نبوده و نیست شؤن دنیا را به اهلش واگذارید و دیدگان خود را به این منظر اقدس منیر متوجّه سازید. (ترجمه)»

و نیز دوستان خویش را چنین نصیحت می‌فرماید، «ای احبّاء ذیل مقدّس را بطین دنیا میالائید و بما ارادالنفس و الهوی تکلم نکنید.» همچنین، «ای احبّای حقّ از مفاز عتیقه نفس و هوی به فضاهاى مقدّسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفحات اعمالیه کلّ بریه بشاطی عز احدیه توجّه نمایند.»

و در مقام دیگر مذکور، «خود را از تعلقات و آرایش‌های دنیا پاک و منزّه نمائید و مبادا به آن تقرّب جوئید چه که شما را بر شهوات و آمال غیرمرضیه ترغیب و از سلوک در صراط مستقیم و منهج قویم منع می‌نماید. (ترجمه)»

«ان اجتنبو الاثم و انه حرم علیکم فی کتاب الذی لایمسه الا الذین طهرهم الله عن کل دنس و جعلهم من المطهرین.»

و نیز چنین بشارتی را بیان فرمود: «خلقى با صفات و فضائل ممتازه مبعوث گردند (ترجمه)» که «قدم انقطاع بر کل من فی الارضین و السموات گذارند و آستین تقدیس بر کلّ ما خلق من الماء و الطین برافشانند.»

همچنین اهل عالم را به این بیان عظیم تحذیر می‌فرماید: «ان التمدن الذی یذکره علماء مصر الصنائع و الفضل لویتجاوز حدالاعتدال لتراه نقمة على الناس ... انه یصیر مبدأ الفساد فی تجاوزه کماکان مبداء الاصلاح فی اعتداله.»

و همچنین می‌فرماید: «آنچه حقّ جل ذکره از برای خود خواسته قلوب عباد اوست که کنائز ذکر و محبّت ربانیّه و خزائن علم و حکمت الهیّه اند لم یزل اراده سلطان لایزال این بوده که قلوب عباد را از اشارات دنیا و ما فیها طاهر نماید تا قابل انوار تجلیّات ملیک اسماء و صفات شوند.»

و در مقام دیگر نازل، «قل الذین ارتکبوا الفحشاء و تمسکوا بالدنیا انهم لیسوا من اهل البهاء هم عبادلویردون و ادیا من الذهب یمرون عنه کمرالسحاب و لا یلتفتون الیه ابدا الا انهم منّی لیجدن من قمیصهم الملاء الاعلی عرف التقدیس... و لو یرون علیهم ذوات الجمال باحسن الطراز لاترتدالیهن ابصارهم بالهوا اولئک خلقوا من التقوی کذلک یعلمکم قلم القدم من لدن ربکم العزیز الوهاب.»

و نیز در اندازی دیگر می‌فرماید، «ان الذین اتبعوا الهواى ضل سعیهم فی الدینا و فی الآخرة لهم سوء العذاب.»

«ینبغی لاهل البهاء ان ینقطعوا عن علی الارض کلها علی شأن یجدن اهل الفردوس نفحات التقدیس من قمیصهم... ان الذین ضیعوا الامر بما اتبعوا اهوانهم انهم فی ضلال مبین.»

و ايضاً می‌فرماید، «طراز اعظم از برای امّاء عصمت و عفت بوده و هست
لعمري الله نور عصمت آفاق عوالم معانی را روشن نماید و عرفش به فردوس
اعلی رسد.»

و نیز چنین می‌فرماید، «ان الله قد جعل العصمة اكليلاً لرؤس امّائه طوبى لامة
فازت بهذا المقام العظيم.»

همچنین یاران و احبّای خویش را به این بشارت صریح مفتخر و مستبشر
می‌سازد، «خداوند در کتاب الهی برای نفوسی که از اعمال سیئه خبیثه
اجتناب و به افعال طیبه طاهره اقبال نمایند اجر جزیل و ثواب جمیل مقدّر
فرموده اوست بخشنده عظیم و فضال. (ترجمه)»

و در مقام دیگر نازل، «انا حملنا البلايا كلها لتطهير انفسكم و انتم من
الغافلين... انا نراكم فى اعمالكم اذا وجدنا منها الرائحة المقدّسه الطيبة
نصلی علیکم و بذلك ينطق لسان اهل الفردوس بذكرکم و ثنائکم بین
المقرّبين.»

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مقدّسه می‌فرماید، «امّا شراب به نص کتاب
اقدس شربش ممنوع زیرا شربش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال
عقل است.»

در این مقام حضرت بهاء الله چنین می‌فرماید، «ان اشربن يا امّاء الله
خمرالمعانی من كوؤس الكلمات ثم اترکن ما يكرهه العقول لانها حرّمت
عليكن فى الألواح و الزبرات اياكن ان تبدلن كوثر الحيوان بما تكرهه انفس
الزاکيات ان اسكرن بخمر محبة الله لابمايخامر به عقولكن يا ايتها القانتات

انها حرمت على كل مؤمن و مؤمنة كذلك اشرق شمس الحكم من افق
البيان تستضي بها اماء المؤمنات.»

باید در نظر داشت که حفظ و رعایت حدود و موازین عالیۀ اخلاقی به هیچوجه
نباید با اصل عزلت و ترک دنیا خشک مقدّسی به نحو افراط اشتباه نمود
معیاری که حضرت بهاءالله در این مقام مقرر فرموده مستلزم آن نیست که
احدی از حقوق مشروع و بهرمندی از لذات و زیباییها و تمنعات مجاز و سالم
که خداوند مهربان به وفور در این جهان خلق فرموده خود را محروم و ممنوع
سازد زیرا حضرت بهاءالله چنین فرموده است:

«ان الذی لن یمنعه شیء عن الله لا باس علیه لویزین نفسه به حل الارض و
زینتها و ما خلق فیها لان الله خلق کل ما فی السموات و الارض لعباده الموحّدين
کلوا یا قوم ما احل الله علیکم و لاتحرموا انفسکم عن بدایع نعماته ثم اشکروه و
کونوا من الشاکرین.»

اما تعصبات نژادی که تقریباً یک قرن است بر ارکان بنیان اجتماعی امریکا
تاخته و تار و پود جامعه‌اش را از هم گسیخته مهمّترین و حیاتی‌ترین مسأله‌ای
است که جامعه بهائی با آن رو برو است و مقابله با چنین مشکل عظیم و پر
اهمّیتی که یاران امریکا هنوز چنانکه باید به حلّش موفق نگشته‌اند مستلزم جهد
و کوششی مداوم است، مقتضی فداکاری و ایثار است، مواظبت و مراقبت است،
شهامت و استقامت و همدردی و فراست است و این همه به قدری فوریت و به
قدری اهمّیت دارد که وصفش نتوان کرد.

پس یاران قدیم و جدید، سیاه و سفید، ضعیف و شریف هر یک به قدر مقدور باید تمام استعداد و تجربه خود را بکار اندازند و در حلّ این مشکل مشارکت و مساعدت کنند تا با اجرای دستور و اجرای اوامر الهی موفق شوند تا بر اثر اقدام حضرت عبدالبهاء مشی نمایند هنوز مروجین امر نجات‌بخش حضرت بهاء‌الله چه سفیدپوست و چه سیاه‌پوست در امریکا راهی دراز و ناهموار و پرسنگ و خار در پیش دارند که باید به قدم همت بپیمایند و کمتر کسی از احباء امریکا کاملاً واقف است که مقدار مسافتی که در این سبیل می‌پیمایند و روشی که در این سفر پیش می‌گیرند وابسته به تصرّفات همان قوای غیبیه‌ای است که ضامن پیروزی روحانی یاران امریکا و نیز موفقیت مادی نقشه‌اخیری است که به اجرایش برخاسته‌اند.

یاران امریکا پیوسته باید با شجاعتی بی‌هراس و عزمی بی‌قیاس مثلاً اعلی و روش و سلوک حضرت عبدالبهاء را که چندی شمع جمعشان بود در نظر داشته باشند، باید شهامت و عشق و محبت بی‌دریغش و سادگی و دوستی بی‌تکلفش و انتقادات همراه با ملایمت و حکمتش را بیاد آورند، باید جمیع خاطرات وقایع فراموش ناشدنی و تاریخی را که حضرت عبدالبهاء در روش و سلوک خود نمایان ساخت زنده نگاه دارند یعنی عدل و انصاف و همدردی و غمگساریش را با مستمندان و تمسّکش را به اصل وحدت نوع انسان و محبت بی‌پایانش را نسبت به بهائیان و ناخشنودیش را از کسانی که آمال مبارکش را زیرپا می‌نهادند و روش و سلوکش را سرسری می‌گرفتند و به ردّ تعالیم و اصولش برمی‌خاستند و اعمال و کردارش را تخطئه می‌کردند همه را همواره درگنجینه خاطر حفظ نمایند.

اگر به هر نژادی به این بهانه که از لحاظ اجتماعی عقب مانده و از نظر سیاسی نابالغ و از حیث عدد قلیل است تبعیض و اجحاف روا داریم یقین است که به روح نبّاض امر حضرت بهاءالله تجاوزی آشکار وارد ساخته‌ایم زیرا احساس هر نوع جدائی و انشقاق در میان پیروان جمال ابهی کاملاً مغایر و منافی با مقصد و آمال و مرام امرالله است و چون اعضاء جامعه بهائی کاملاً به معرفت امر حضرت بهاءالله نایل گردند و با نظم اداریش همعنان شوند و اصول و احکامش را که در متن تعالیمش مندرج است تصدیق و قبول نمایند دیگر هر نوع اختلاف مربوط به طبقات یا رنگ پوست از میانشان رخت بریندد و به هیچ وجه و به هیچ بهانه و تحت فشار هیچ واقعه‌ای در جامعه بهائی راه نیابد. و اگر تفاوت و تفوّق در میان آید باید در جهت حفظ مصالح اقلّیت نژادی و غیر آن به کار برده شود.

هرجامعه متشکلی که تحت لوای حضرت بهاءالله درآمده، درست بر عکس ملل و مردم جهان چه در شرق و چه در غرب رفتار می‌کند در کشورهای استبدادی یا دموکراتیک، کمونیستی یا سرمایه‌داری، در نیمکره شرقی یا غربی مردم در هیچ یک از آنها اقلّیت‌های نژادی و سیاسی و مذهبی را به حساب نمی‌آورند و پایمال، حتّی نابودشان می‌سازند. امّا بهائیان باید اوّل وظیفه حتمی خویش را چنین دانند که به افراد هر اقلّیتی از هر دین و نژاد و طبقه و قومی فرصت پرورش دهند و تشویق و حراستشان نمایند و این اصل اساسی چنان عظیم و حیاتی است که چون در انتخابات بهائی یا در وقت تعیین هیأت عامله تعداد آراء بین دو نفر مساوی گردد که یکی از آنها از

افراد اقلیت نژادی یا مذهبی و یا قومی باشد باید بی‌درنگ فرد اقلیت را ترجیح داد و او را منتخب یا منصوب ساخت در پرتو این اصل اصیل و به واسطه آنکه شرکت عناصر اقلیت و داشتن مسئولیت در فعالیت‌ها و خدمات بهائی بسیار مطلوب و محبوب است، وظیفه هر جامعه بهائی است که امور خود را چنان تنظیم نماید که حتی‌الامکان افرادی از اقلیت‌های مختلف که دارای شرایط و لیاقت لازم باشند در مؤسسات بهائی از قبیل محافل روحانیّه و کانون‌ها و کنفرانس‌ها و لجنه‌ها به عضویت رسند و در آنها نمایندگی داشته باشند.

اتخاذ چنین روش و استقامت صادقانه در آن سیل نه تنها سرچشمه الهام و تشویق اقلیت‌ها خواهد بود بلکه به جهانیان نیز ثابت خواهد کرد که امر حضرت بهاء‌الله آئینی است جامع و جهانی و فراگیر و نشان خواهد داد که پیروانش از قید تعصباتی که امور داخلی و روابط خارجی اهل عالم را دچار خرابی‌ها و تشنّجات فراوان ساخته به کلی رهائی یافته‌اند.

در این ایام که قسمت بزرگی از نوع انسان به شدّت در پنجه تعصبات نژادی به انواع مختلف اسیر است، افراد جامعه بهائی امریکا در هریک از ایالات به هر جا که می‌روند و در هر سنّی و سنّتی و ذوقی و عادت‌ی که باشند باید استخلاص از قید تعصبات نژادی را نصب‌العین و شعار خویش سازند و در هر مرحله از حیاتشان و فعالیتشان چه داخل جامعه بهائی یا خارج آن در مجامع عمومی یا خصوصی، رسمی یا غیر رسمی، فردی یا در مقام رسمی تشکیلات بهائی در لجنه‌ها و محافل، در جمیع شئون اثبات نمایند که از قید تعصبات

نژادی رهایی یافته‌اند و برای پرورش و تقویت آن اصل هر روز هر فرصتی را هرچند ناچیز باشد مغتنم شمارند و در همه جا در خانه یا محل کار، در مدرسه یا دانشگاه، در مهمانی‌ها یا در ورزشگاه‌ها، در مجالس بهائی یا در کنفرانس‌ها و کانوشن‌ها، در مدارس تابستانه یا محفل روحانی اصل عدم تعصّب نژادی را ظاهر و جلوه‌گر سازند و بالاتر از همه و بیش از هرچیز اساس سیاست محفل ملّی یعنی اعلی هیأت بهائی در کشور باید این باشد که به عنوان نماینده ملّت بهائی و مدیر و مدبّر امور جامعه سرمشق گردند و چنان اصل اصیلی را بر حیات و خدمات بهائیان که بر حفظ مصالح و حمایتشان مأمورند منطبق سازند و تعمیمش را تسهیل نمایند. حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

«ای اهل بینش آنچه از سماء مشیّت آلهیه نازل گشته علّت اتّحاد عالم و الفت و یگانگی امم بوده، از اختلافات جنسیّه چشم بردارید و کلّ را در پرتو وحدت اصلیه ملاحظه نمائید (ترجمه)» همچنین «مقصودی جز ارتفاع کلمه‌الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست».

«جمع ملل باید در ظلّ امر واحد و شریعت واحد در آیند و جمیع ناس چون برادر مهرپرور گردند روابط محبّت و اتّحاد در بین ابناء بشر مستحکم شود و اختلافات و منازعات جنسیّه و مذهبیّه کلّ محو و زائل گردد (ترجمه)» همچنین حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «حضرت بهاءالله فرموده‌اند که، نژادهای مختلف انسان موجب ترکیبی هم‌آهنگ و رنگارنگ می‌گردد پس در این بوستان وسیع انسان باید با هم برویند و در کنار هم فارغ از هر اختلاف و خصومتی نشو و نما نمایند. (ترجمه)»

و نیز می‌فرمایند، «حضرت بهاء‌الله روزی سیامپوستان را به مردمک سیاه چشم که حول آن را سفیدی احاطه نموده تشبیه فرموده‌اند و در این مردمک سیاه همواره انعکاسی از صُور اشیاء که در برابر آن واقع مشاهده می‌گردد و از آن انوار و تجلیات روح ظاهر و نمایان شود (ترجمه)».

و در مقام دیگر مذکور:

«خداوند امتیازی بین سفید و سیاه نمی‌گذارد اگر قلوب پاک و مقدّس باشد هر دو نزد حقّ مقبول است خداوند نظر به لون یا جنس افراد ندارد جمیع الوان نزد حقّ یکسان است خواه سفید خواه سیاه خواه زرد زیرا کُلّ به صورت و مثال الهی خلق شده‌اند و لهذا ما باید بدانیم که جمیع حامل صفات الهی هستند. (ترجمه)» و نیز می‌فرماید:

«در پیش خدا جمیع نفوس یکسانند و در ملکوت عدل و رحمت الهی امتیاز و رجحانی برای احدی متصوّر نه (ترجمه)» همچنین «این حدود و تفاوتها را خلق نفرموده بلکه همه مخلوق بشر است و چون با مقصد و اراده الهی مغایر و مباین است وهم صرف است (ترجمه)». «در پیش خدا سفید و سیاه نیست جمیع رنگ‌ها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت الهی است، بو و رنگ حکمی ندارد قلب حکم دارد اگر قلب پاک است سفید یا سیاه هیچ لونی ضرر نرساند خدا نظر به الوان ننماید نظر به قلوب نماید هرکس قلبش پاکتر بهتر، هرکس اخلاقش نیکوتر خوشتر، هرکس توجّهش به ملکوت ابهی بیشتر پیشتر، الوان در عالم وجود هیچ حکمی ندارد» و نیز می‌فرماید:

«طیور و حیوانات مختلف‌اللون ابداً نظر به رنگ نمی‌کنند بلکه به نوع نظر دارند حال ملاحظه کنید در حالتی که حیوان عقل ندارد ادراک ندارد با وجود این الوان سبب اختلاف نمی‌شود چرا انسان که عاقل است اختلاف می‌کند ابداً سزاوار نیست علی‌الخصوص سفید و سیاه از سلاله یک آدمند از یک خاندانند... پس اصل یکی است این الوان بعد به مناسبت آب و اقلیم پیدا شده، ابداً اهمّیت ندارد.» و در جائی دیگر می‌فرماید: «انسان واجد عقل و ایقان و صاحب بصیرت و عرفان و مظهر الطاف و مواهب حضرت یزدان است آیا سزاوار است افکار و تعصّبات جنسیّه در بین بشر ظاهر گردد و مقصد عظیم خلقت یعنی وحدت من فی‌الامکان را از جلوه و لمعان باز دارد.» (ترجمه) «یکی از اصول مهمّه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثّر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین اجناس سیاه و سفید است مابین این دو دسته بعضی جهات توافق موجود و پاره‌ای موارد اختلاف و تمایز مشهود و محسوس که مستلزم بذل دقّت و اتّخاذ تصمیمات متقابله و تدابیر عادلانه حکیمانه است موارد ارتباط و وحدت بسیار است... در این کشور یعنی ایالات متّحده امریک حبّ وطن متعلّق به هر دو جنس است جمیع از لحاظ عضویت جامعه در صقع واحدند، به یک لسان متکلمّاند و از مواهب و برکات یک مدنیت بهرمند به یک دین متدین‌اند و به یک اصول معتقد و پای‌بند فی‌الحقیقه موجبات الفت و محبّت و اتّحاد و اتّفاق از جهات کثیره بین این دو جنس موجود و حال آن که یگانه مورد اختلاف و تباین مسأله لون است با این وصف آیا جائز است

که این اختلاف جزئی علت افتراق گردد و این تفاوت مورث انشقاق و تجزّی یک ملت و یک خاندان شود» و همچنین مؤکداً می‌فرماید:

«این اختلاف صُور و الوان که در عالم خلقت مشهود و بین کافّه ممکنات موجود و محسوس مبتنی بر حکمت الهی و مشیّت بالغه سبحانی است» (ترجمه) «این تنوّع در جامعه انسانی باید موجب محبّت و یگانگی و مایه اتّفاق و یکرنگی گردد به مثابه موسیقی که چون الحان مختلفه ترکیب یابد و اصوات متنوّعه مقترن و موزون شود نغمه بدیع فراهم آید و آهنگ دلپذیر آذان را متلذّذ و محظوظ نماید» (ترجمه) و نیز دوستان را به این بیان مبارک نصیحت می‌فرماید:

«اگر با افرادی از سایر اجناس و الوان برخورد نمائید نسبت به آنان عدم اعتماد نشان ندهید و به تمامه به خود مشغول مگردید و به افکار و اندکار خود نپردازید بلکه بالعکس اظهار مسرّت کنید و ابراز رضایت و عطوفت نمائید». «در عالم وجود اجتماعی مورد عنایت ربّ و دود است که افراد سفید و سیاه با نهایت الفت و وداد یعنی با روح الهی و وحدت آسمانی با یکدیگر محشور گردند و با عشق و علاقه سرشار و محبّت و مودّت بیشمار امتزاج یابند و ارتباط حاصل کنند و چون چنین شود ملائکه علیین لسان به تحسین گشایند و جمال اقدس ابهی از ملکوت اعلی آن جمع متآلف را به این خطاب احلی مفتخر و متباهی فرماید طوبی لکم ثمّ طوبی لکم و چون محفلی مرکّب از افراد این دو جنس انعقاد یابد آن محفل جالب تأییدات

ملاء‌اعلی گردد و جاذب الطاف و مواهب عالم بالا شود». (ترجمه) و باز هر دو طبقه یعنی سیاه و سفید را به این بیانات عالیات نصیحت می‌فرماید: «نهایت اهتمام مبذول دارید و به جان و دل بکوشید تا این محبت استوار گردد و علائق دوستی و اخوت تحکیم پذیرد این موهبت رخ نگشاید و این موفقیت حاصل نگردد مگر با بذل همت و اعمال حسن نیت از هر دو طرف از یکطرف اظهار قدردانی و امتنان و از طرف دیگر ابراز مهربانی و تثبیت وحدت و برابری فی‌الحقیقه هر یک از طرفین باید طرف دیگر را در بسط و توسعه این منظور متقابل تقویت و مساعدت نماید. و چون چنین شود الفت و یگانگی بین شما افزایش یابد و بالنتیجه موجبات تحقق وحدت عالم انسان فراهم گردد زیرا حصول اتحاد بین سفید و سیاه تضمینی برای استقرار صلح جهان و تشیید مبانی یگانگی در عالم امکان است» (ترجمه) و نیز خطاب به افراد سفید می‌فرماید:

«امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها به نهایت صدق و وفا و محبت و صفا خدمت نماید، این ضدیت و اختلاف و این عداوت و اعتساف که در میان سیاه و سفید است جز به ایمان و ایقان و تعالیم مبارک زائل نگردد.»

و بالاخره به موجب این بیان اتم اقوم توجه اهل عالم را به مقام و اهمیت این امر خطیر معطوف می‌دارد قوله‌العزیز:

«این قضیه اتحاد سیاه و سفید بسیار مهم است و اگر حصول نیابد عنقریب مشکلات عظیمه حاصل گردد.»

و نیز می‌فرماید:

«اگر کار بر این منوال بماند روز بروز این عداوت ازدیاد یابد و عاقبت مورث مضرات کلیه شود و سبب خونریزی گردد.»

در این عصر ظلمانی هر دو نژاد سیاه و سفید باید کوششی فوق‌العاده نمایند تا انوار تعالیم و روح آئین حضرت بهاء‌الله در افکار و آداب و رفتارشان پرتو افکند. و باید شب و روز مجاهدت نمایند تا برای ایفای این مسئولیت مشترک و خطیرشان یکباره و تا ابد عقائد باطله سفسطه‌آمیز نژادی را با تمام پریشانی‌ها و مصیبت‌هایی که در بر دارد به کلی از خود برانند و اختلاط بین نژادها را تشویق و استقبال نمایند و جمیع موانع و سدّهای را که امروزه بین آنان جدائی افکنده درهم شکنند و در این راه چون هر یک از آنان می‌کوشد که سهم خود را در حلّ این مشکل بغرنج ادا نماید چه نیکو است که انذارات حضرت عبدالبهاء را به خاطر آوریم و تا وقت باقی است پیش خود مجسم کنیم که اگر وضع غم‌انگیز و خطیری که تمام ملت امریکا را فرا گرفته به کلی علاج نشود چه عواقب وخیمی را در بر خواهد داشت.

سفیدپوستانی که با عزمی راسخ قصد شرکت در حلّ این مشکل را دارند باید احساس برتری و تفوّقی را که به ارث برده و گاه نادانسته در ضمیرشان محفوظ داشته‌اند برای همیشه از خود برانند و نژاد دیگر را از روی ترحم حمایت ننمایند بلکه از راه معاشرت صمیمانه و صفای دل و یکرنگی صادقانه آنان را راضی وقانع نمایند. و اگر آنچه می‌کنند به قبول آن مردم

که سالیان دراز زخمهای شدید و دیرعلاجی دیده‌اند در نیاید بردباری کنند و بر بی‌صبری خویش غالب آیند.

از طرف دیگر سیامپوستان نیز باید با کوششی مشابه با تمام قوا و با گرمی مساعی آن طرف را تقدیر و اجابت نمایند و نشان دهند که حاضرند گذشته‌ها را فراموش کنند و قادرند غبار هر شک و سوءظنی را که ممکن است هنوز بر ضمیر و دلشان نشسته باشد به کلی بزدایند و هیچ یک از آن دو نژاد نباید تصور نماید که چنان مشکل بزرگی را باید منحصرأً طرف دیگر حلّ نماید.

هیچ کس نباید چنین پندارد که می‌توان با اطمینان خاطر صبر کرد و منتظر شد تا واسطه یا سازمانی خارج از امر الهی پیدا شود تا با ابتکاری و خلق محیط مساعدی بر حلّ آن مشکل عظیم فائق گردد. هیچ کس نباید چنین اندیشد که چیزی جز محبت خالص و صبر جمیل و خضوع حقیقی و حکمت کامل و ابتکار صحیح و فراستی وافر و مساعی مداوم و سنجیده توأم با دعا و مناجات نیست که بتواند لکه ننگ اختلافات نژادی را که سبب بدنامی آن سرزمین گشته از دامن کشورشان بزداید. پس بهائیان از نژاد سفید و سیاه باید ایمان داشته و قویاً معتقد باشند که تغییر مسیر خطرناک اختلافات نژادی در این نیست که نیروئی یا سازمانی خارج از حیطه امر بهائی بیاید و چاره کار کند بلکه در محبت و الفت است و در معاضدت پایدار است که آن مشکل بزرگ که مورد انذار و تحذیر حضرت عبدالبهاء بود حلّ شدنی است و نیز از همین راه است که آمال مرکز میثاق را تحقق می‌بخشد و این آرزوی مبارکش را بر می‌آورد که سیاه و سفید دست به دست

هم دهند و سهم خویش را برای وصول به سر نوشت درخشان آن کشور ادا نمایند.

دوستان عزیز و محبوب، عمل خالص و خلق و خوی رحمانی با تمام تجلیاتش چقدر با خدعه و فریب و فساد و از خصائص حیات سیاسی و احزاب و دستجات آن ملت است تضاد و تباین دارد. تقدیس و عصمت و پاکدامنی چقدر با عنان‌گسیختگی اخلاقی و آزادی بی‌بندوباری که عده بسیار کثیری از افراد آن کشور را مبتلا ساخته مغایرت دارد. الفت و همنشینی بین نژادها چقدر از تعصبات نژادی که دامن اکثریت وسیع آن مردم را لگه‌دار ساخته دور و پر فاصله است، این صفات و کمالات عالیه است که اسلحه بهائیان امریکا است و همان است که باید یاران آن سامان در جهاد روحانی خویش آن سلاح‌ها را به کار گیرند تا اولاً حیات درونی جامعه خویش را جان و نشاط بخشند و ثانیاً بر مفسد و شرور دیر پائی که در حیات آن ملت رخنه نموده دلیرانه حمله آورند. کامل کردن آن سلاح‌ها و به کار بردن مؤثر و درست و خردمندانه آنها است که بهائیان امریکا را حتی بیش از پیشرفت هر نقشه‌ای یا کشیدن هر طرحی و ذخیره هر مقدار از منابع مادی تأیید خواهد کرد و برای زمانی آماده خواهد ساخت که دست تقدیر آنان را برای مساعدت در ایجاد و بکار انداختن نظم جهانی که حال در کالبد مؤسسات اداری آئین مقدّسشان در حال تکوین است هدایت خواهد نمود.

در این جهاد دو گانه مبارزان غیور امر حضرت بهاءالله لاّبد است که با مقاومتی شدید روبرو گردند و چه بسا به عقب رانده شوند لهذا آن سپاهیان

ملکوت باید با غرائز خویش بجنگند و مردانه با هجوم قوای مرتجعین و محافظه‌کاران و مقاومت ارباب منافع و مخالفت مردم فاسد شهوتران زمانه به نبرد برخیزند و سخت استقامت و پایداری کنند و بر همه غالب گردند و چون تجهیزات دفاعیشان آماده گردد و توسعه و بسط یابد آن وقت است که تندباد طعن و لعن و خیل ملامت و افتراء بر سرشان هجوم آورد چنانکه آن مبارزان امر حضرت بهاء‌الله به زودی شاهد آن خواهند بود که دشمنان حمله بر دین و ایمانشان آورند و بر نیاتشان تهمت و افتراء بسته و مقاصدشان را سوء تعبیر کرده و آمالشان را به استهزاء گرفته و مؤسّسات و معابدشان را تحقیر نموده و نفوذشان را خوار شمرده و اختیاراتشان را سرسری گیرند حتّی شاید ملاحظه نمایند که قلیلی از نفوسی که یا از درک حقیقت امرالله بی‌خبر و یا از تحمّل لطّات حملات و انتقادات روزافزون عاجزاند گاه از امر الهی تبّری جویند اینست که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده که «به سبب عبدالبهاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید.»

امّا سپاه شکست‌ناپذیر حضرت بهاء‌الله که حباً لجمال و به نام مبارکش در مغرب‌زمین در میدانی طوفان‌خیز و در یکی از سخت‌ترین و با شکوهمترین جنگ‌هایش به محاربه مشغول است هرگز نباید از انتقاد خردمگیران هراسان گردد یا از اعتراضات مفتریان که با زخم زبان مقاصد عالی‌اش را خوار و حقیر جلوه می‌دهند خائف و پریشان شود. هرگز نباید از تهدید پیشرفت قوای متعصّبین و متطرّفین مذهبی و مفسدین و مغرضین که کلّ به مقابله بر می‌خیزند عقب

نشیند و از میدان بدر رود زیرا صدای اعتراض سبب انتشار ندای امر یزدان است و عدم محبوبیت علت تجلی بیشتر تفوق آنان بر خیل دشمنان. و رد و طرد به منزله مغناطیسی است که نیرویش بالمآل سرسخت‌ترین دشمنان عربدمجوی را به خود جذب نماید چنانکه در (ایران) کشوری که اعظم میدان جهاد امر الهی و موطن شرورترین دشمنانش بوده بروز وقایع حادثه و نفوذ تدریجی و مداوم عالیه‌اش و نیز تحقق وعودش بالمآل بعضی از اعظم دشمنانش را خلع سلاح نمود و تغییر حالت داد حتی به ایمان راسخ فائز کرد و در زمره پیروان وفادارش در آورد. حصول چنین تحوّل عظیمی و چنین تغییر شگرفی در خلق و خوی مردمان فقط از این راه ممکن می‌گردد که آن مجاهدان سبیل الهی که مقدر است پیام جانبخش حضرت بهاءالله را به مردم تشنه لب بی راهنمای سرگردان ابلاغ کنند خود را از لوّث مفاسدی که باید از جهان بزدايند پاک و مبری نگاه دارند.

ای یاران محبوب قصدم اینست که نه تنها آن عزیزان را از فوریت و لزومیت و اهمیت وظیفه مقدّسی که بر دوش دارید با خبر سازم بلکه از امکانات نامحدودی که آن وظیفه در حیات و اعمال جامعه یاران در بر دارد که هم سبب اعتلاء آنان و هم موجب ارتقاع موازین و نیّات و مقاصد سایر مردم امریکا می‌گردد شمه‌ای بیان نمایم و امیدوار بل مطمئنم که آن یاران از دشواری و مشکلات شدید وظائف مقدّسه خویش مرعوب نگردند و با شداوند این زمان که با وجود مخاطرت و فسادش آینده بس درخشان و بی‌نظیری را در تاریخ عالم انسان نوید می‌دهد مردانه مقابله نمایند.

دوستان بسیار عزیز در ابتدای این اوراق کوشیدم تا به قدر کفایت از فرصت‌های درخشان و جلیل و مسئولیت‌های بسیار عظیمی بیان نمایم که در این زمان بر اثر تضییقات و مظالم وارده بر امر جهانگیر حضرت بهاء‌الله و در چنین مرحله خطیر عصر تکوین امر بهائی و چنین دوران بحرانی تاریخ بشری متوجّه یاران امریکا گشته است و همچنین از حقیقت رسالتشان که عنقریب باید آن جامعه به حکم اوضاع جبر زمانه بر اجرایش قیامی مردانه نمایند، و نیز از اندازاتی که برای درک و فهم واضح‌تر و اجرای بهتر خدمات آیندیشان لازم است سخن گویم و حتّی‌المقدور آن خصائص و کمالات و موازین عالیّه محرّک‌های را که حصولش بسیار مشکل ولی برای موفقیت در خدمات شما ضروری است توضیح و بسط دهم.

حال در این مقام باید چند کلمه‌ای درباره جنبه مادّی خدمات ضروری و فوری آن یاران بنگارم، خدماتی که چون در وقت مقدّر به انجام رسد نه تنها مراحل باقیه نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء را تحقّق بخشد بلکه استعداد و قوایی را نیز تجهیز نماید تا آن یاران را قادر سازد به موقع خود وظائف و مسئولیت‌های ضروریّه رسالت عظمی را که بدان مفتخرند باحسن وجه ایفا نمایند.

نقشه هفت‌ساله با دو هدف عمده‌اش یعنی تزئینات خارجی بنای مشرق‌الاذکار و تبلیغ و اشاعه امرالله در ممالک امریکای شمالی و جنوبی حال در سال دوّمش پیشرفتی شایان نموده و با شواهدی که در ماه‌های اخیر به ظهور رسیده سبب تشویق و دلگرمی ناظرین گشته و به تحقّق اهدافش در رأس تاریخ مقرر بشارت

می‌دهد. قدم‌های بعدی برای تسهیل و پرداختن به جمیع اقدامات لازم برای تزئینات مشرق‌الاذکار نیز برداشته شده و آخرین مرحله متضمّن اتمام پیروزمندانه این مشروع سی‌ساله هم اکنون آغاز گشته و قرار داد اوّل مربوط به طبقه اوّل و عمده آن بنای رفیع به امضاء رسیده است و صندوق مخصوصی به نام مبارک حضرت ورقه علیا تأسیس گشته و ادامه کار بدون وقفه تا پایان ساختمانش تضمین شده است خاطرات شورانگیز نفس مقدّسی که قلب مبارکش از ارتفاع آن بنیان رفیع سرشار از سرور و شادمانی بود یقین است چنان آن یاران را در مساعی نهائی لازم برای تکمیلش قوّت می‌دهد که حتّی در نفوسی که ممکن است هنوز بیندارند که ساختن چنان بنائی از حدّ قدرت جامعه بهائی بیرون است ادنی شک و تردیدی باقی نخواهد گذاشت.

حال در جنبه تبلیغی نقشه هفت‌ساله قدری تأمل نمائیم که باید با مشکلات آینده‌اش مبارزه و مقابله نمود و حوائج و ضروریّاتش را مطالعه کرد و سنجید و فراهم آورد. هر چند اوّلین مشرق‌الاذکار غرب هیأت و صورتش دلربا و جمیل و ابعادش جسیم و هندسه‌اش بدیع و مقصد و آمالی که دربر دارد بس رفیع است با همه این احوال باید در این زمان آن را به همان گونه نگریست که به دیگر مؤسّسات و تشکیلات اداری بهائی که همه برای این طرح شده‌اند که به منزله وسائط و وسائل صحیح ترویج و انتشار آمال و حقایق و اصول امر الهی باشند.

پس باید یاران امریکا مستقیماً توجّه دقیق و مداوم خویش را به آنچه لازمه تبلیغ در نقشه هفت‌ساله است معطوف نمایند و فرد فرد اعضاء جامعه قیام

به تدارک واجبات آن نمایند. هرگز نباید تصور کنند که تبلیغ امرالله و اعلان حقایقش و دفاع از مصالحش و اثبات ضرورت و عمومیتش با گفتار و کردار منحصرأً وظیفه تشکیلات اداری بهائی اعم از محافل روحانیّه یا لجنه‌های وابسته است بلکه جمیع افراد بهائی هر قدر مقامات ظاهریشان حقیر و تجاریشان قلیل و منابع و امکاناتشان ناچیز و هر قدر تحصیلاتشان محدود و نگرانی و دغدغه خاطرشان شدید و محیط زندگانشان نامناسب و نامساعد باشد کل باید بدون استثناء در تبلیغ امرالله مشارکت نمایند چنانکه حضرت بهاءالله می‌فرماید:

«قدکتب الله لكل نفسٍ تبلیغ امره» و نیز «یا ملاء البهاء بلّغوا امرالله لأن الله قد کتب لكل نفسٍ تبلیغ امره وجعله افضل الاعمال».

اگر کسی از افراد جامعه به مرتبه‌ای عالی رسد نفس آن امتیاز و مقام با مسئولیتی همراه است که او بدون شک هرگز نمی‌تواند از آن شانه خالی کند و آن مسئولیت عبارت از تبلیغ امرالله و ترویج کلمه‌الله است. هر چند آن مقامات و مراتب احیاناً امکانات و تسهیلات بیشتری را در اشاعه امر الهی و جذب حامیان و یاوران مؤسّساتش به وجود می‌آورد اما نمی‌توان گفت که در جمیع احوال مقامات و مراتب مذکور در تقلیب قلوب و افکار طالبان تحقیق امرالله بالضروره نفوذ بیشتری داشته باشد و چنانکه تاریخ امر بهائی در ایران شهادت می‌دهد چه بسا که احقر نفوس در جامعه بهائی بوده‌اند که هرگز مدرسه‌ای ندیده و تجربه‌ای نیندوخته و مقامی نیافته حتی از هوش و ذکاوت سرشار عاری بوده‌اند که توانسته‌اند به فتوحات عظیمه‌ای نائل گردند

که اعظم توفیقات اهل علم و دانش و تجربه در مقابلش کم فروغ جلوه می‌کند.

به شهادت قلم حضرت عبدالبهاء: «پطرس نیز به حسب تاریخ کلیسا حساب هفته را نمی‌توانست نگاه دارد. و وقتی می‌خواست به صید ماهی برود هفت بسته غذا می‌بست هر روز یکی را می‌خورد چون آن هفتمین را می‌خورد می‌دانست روز سبت است آن وقت می‌آمد سبت را نگاه می‌داشت.»

پس اگر حضرت مسیح یا «پسر انسان» قادر بود در شخص ساده و ناتوانی چنان قوه‌ای بدمد که به فرمایش حضرت بهاءالله «جری من فمه اسرار الحکمة والبیان» یعنی اسرار حکمت و بیان از دهانش جاری شود و او را بر سایر حواریون مرجح شمارد و او را جانشین و مؤسس کلیسای خویش شمارد دیگر ملاحظه کنید که حضرت بهاءالله یعنی پدر آسمانی چه قوائی را در ضعیف‌ترین و حقیرترین بندگان می‌تواند به ودیعت نهد تا در سبیل اجرای مقاصد مقدّسش به امور عظیمه‌ای نائل گردند که حتّی توفیقات اولین حواری حضرت مسیح در مقابلش بزرگ ننماید.

و در مقام دیگر از قلم مبارکش چنین صادر گشته: «حضرت اعلی روحی له الفدا می‌فرماید، لو ارادت نمة ان تفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدّر لان الله الصّمدانیّه قد تلجلج فی الحقیقه الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال قدم روحی لاحبّائه الفدا چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود.»

امروز میدان خدمت چنان وسیع و زمان چنان خطیر و امر الهی چنان عظیم و فرصت چنان قصیر و عده خادمانش چنان قلیل و امتیازات مخصوصه‌اش چنان جلیل است که هیچ یک از پیروان آئین حضرت بهاءالله که لایق انتساب به نام مبارک او است لحظه‌ای نمی‌تواند و نمی‌پسندد که آنی توقف و فتور به خود راه دهد.

آن قوه الهیه که سطوتش عام و مقاومت‌ناپذیر و قدرتش بی‌حساب و مسیرش خارج از حیطه تصور و تصرفاتش اسرارانگیز و ظهورات و بروزاتش حیرت‌خیز، قوه‌ای که به فرموده حضرت اعلی «قد تلجلج فی حقیقه الکائنات» و به فرموده حضرت بهاءالله قوای نافذه نباضه‌اش «قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الاعظم و اختلف التّرتیب بهذا البدیع» است چنین قوه‌ای به منزله شمشیری دو دم در کار است تا از طرفی رشته‌های پوسیده عتیقه‌ای را که قرن‌ها تار و پود نسج جامعه متمدّن عالم را به هم بافته است از هم بگسلاند و از طرف دیگر گره‌هایی را که هنوز امر نوزاد الهی را در بند کرده و آزادیش را سلب نموده به کلی از هم بگشاید این قوه حائز امکاناتی است که حتّی در عالم رؤیا نیز مشاهده نتوان کرد حال بر عهده یاران امریکا است که برخیزند و آن فرصت‌ها را کاملاً و متهوراً مغتتم شمارند. و این بیان حضرت عبدالبهاء را بیاد آورند که می‌فرماید:

«الیوم حقائق مقدّسه ملاء اعلی در جنّت علیا آرزوی رجوع به این عالم می‌نمایند تا موفّق به خدمتی به آستان جمال ابهی گردند و به عبودیت عتبه مقدّسه قیام کنند.»

جهان ما امروز جهانی است که در آن انوار دین هر دم خاموش‌تر می‌شود و قوای انفجارپذیر ناسیونالیزم بی‌امان و غالب هر روز به نقطه انفجار نزدیک‌تر می‌شود. جهانی که در آتش مظالم بی‌رحمانه نژادی و مذهبی می‌گدازد و در فریب آراء و افکار و مرام‌های باطل و نادرستی که جایگزین پرستش خدای بی‌همتا و تعالیم و احکام مقدّسش گشته سرگشته و سرگردان است.

جهانی که با مفاسد و انحطاطات اخلاقی که شدیداً در آن رخنه نموده پایه و بنیادش پوسیده و در حال فروریختن است و در دام هرج و مرج و کشمکش‌های اقتصادی در بند است. این تحولات و انقلاباتی که امروز در جهان ما است همه در نتیجه نفوذ همان قوّه غالبه نافذه الهیّه است که حال با آن که بدایت کار است چنین حیات عالم انسان را منقلب و دگرگون ساخته و می‌سازد.

چنین منظره غم‌انگیز و تأثرآمیزی که در مقابل ما است لابد هر ناظری را که از مقاصد و پیش‌گوئی‌ها و مواعید حضرت بهاء‌الله بی‌خبر است متحیر و مبهوت می‌سازد. امّا هرگز پیروانش را به یأس و حرمان دچار ننماید و مساعی و مجهوداتشان را از کار نیندازد بلکه ایمانشان را راسخ‌تر و شوق و ذوقشان را بیشتر کند تا قیامی شدیدتر نمایند و در میدان وسیعی که قلم حضرت عبدالبهاء برایشان طرح و ترسیم فرموده کمر همّت ببرند و در انتشار پیام نجات‌بخش حضرت بهاء‌الله حتّی‌القوّه سهم خویش را ادا نمایند و باید هر وسیله‌ای که چند سال است با زحمت و مشقّت در دستگاه تشکیلات

خویش ساخته‌اند کاملاً به کار گیرند و آن را وسیله اجراء مقاصدی سازند که آن وسائل از برای تحقق خلق شده‌اند و مشرق‌الانکار نیز که مظهر نادر روح فداکاری و جانفشانی یاران است باید نقش خویش را بازی کند و در نهضت تبلیغ که باید در سراسر نیمکره غربی گسترش یابد سهم خویش را ادا نماید.

همچنین فرصت‌هایی که آشوب‌ها و آشفتگی‌های این زمان در پیش ما نهاده است با همه غم‌هایی و هول و هراسی و یأس و حرمانی و سرگردانی و خشم و غضب و طغیانی که بر می‌انگیزد، با همه ناخشنودی و شکوه‌هایی که ببار می‌آورد، با همه جستجوها و تلاشی که برای یافتن راه حلّ مشکلات ایجاد می‌کنند نباید از دست رود بلکه باید، از همه این فرصت‌ها استفاده نمائیم و آنها را برای اعلان و انتشار نیروی نجات‌بخش امر حضرت بهاء‌الله و ازدیاد عدد سپاهیان روزافزون پیروانش به کار گیریم زیرا دیگر شاید چنین فرصت گرانبھائی و تقارن چنین اوضاع و احوال مساعدی هرگز به دست نیاید. حال وقت آن است که بهائیان امریکا، آن علمداران سپاه اسم اعظم از راه تشکیلات مخصوصه نظم اداری ندا برآورند و اعلان کنند که مهیّا و آماده‌اند برخیزند و بکوشند تا مردمان درمانده و خسته و ناتوان عصر حاضر که به محاربه با خدا برخاسته و از انذارات الهی غفلت نموده‌اند نجات یابند و امن و امانی را که فقط در حصن حصین امر بهائیان می‌توان یافت بر جمیع خلق عرضه دارند.

لهذا نهضت کنونی تبلیغی که در امریکا و کانادا آغاز گشته چنان فوریت و اهمیت دارد که تصوّرش را نتوان کرد زیر ا نهضتی است که با کلمه خلاّقه الواح وصایای حضرت عبدالبهاء آغاز گشته و با همان قوّه محرّکه سراسر نیمکره غربی را فرا گرفته است و باید به نحوی به آن پرداخت که با اصولی که جهت تضمین اجرای مؤثرش و وصول سریع به اهداف عالیّه اش وضع شده موافق و مطابق باشد.

کسانی که در این نهضت تبلیغی شرکت دارند چه آنان که وظیفه شان تنظیم و مدیریت آن یا خدمت در اجرای اهدافش می باشد همگی باید پیش از هر کار خود را با جنبه های متنوّع تاریخ و تعالیم امر الهی به خوبی آشنا سازند، در این راه باید با دقّت و آگاهی تمام به مطالعه آثار شریعت مقدّسه خویش پردازند و در تعالیمش غور و تحقیق کنند و مبادی و احکامش را جذب خود نمایند و در تذکّرات و اهداف و اصولش تفکّر و تعمّق کنند و برخی از بیانات و مناجات هایش را به حافظه بسپارند و در اصول تشکیلات اداریش کاملاً تبخّر یابند و همواره از وقایع و تحولات جاریّه با خبر باشند. همچنین باید با مساعدت منابع و مآخذی موثّق و بی تعصّب از تاریخ و اصول دین اسلام یعنی زمینه و منشأ امر مقدّسشان اطلاع صحیح یابند و با تکریم و خضوع و فارغ از هرنوع پیشداوری به مطالعه قرآن پردازند که غیر از آثار مقدّسه ظهورات بابی و بهائی یگانه کتاب مستندی مشتمل بر کلمات الهیّه است و نیز باید در اوضاع و احوالی تحقیق کنند که با اصل و ظهور امر الهی و مقام و دعوی مبشّر اعظمش و احکام صادره از قلم اعلاّیش ارتباط مستقیم دارد.

و چون این شر ایط که رمز موفقیتشان در میدان تبلیغ است اصولاً بدست آمد باید حتی الامکان قبل از آن که به مأموریت خویش در ممالک امریکای لاتین قیام نمایند، زبان آن ممالک را تا حد ممکن بیاموزند و از فرهنگ و عادات و آداب مردم آن کشورها با خبر گردند. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح تبلیغی با اشاره به جمهوریات امریکای مرکزی می‌فرماید: «همچنین نفوسی که به آن صفحات می‌روند باید به لسان اسپانیولی، مألوف باشند» و در لوح دیگر چنین می‌فرماید: «جمعی زبان‌دان... توجه به سه دسته جزائر عظیمه دریای پاسیفیک نمایند» و نیز می‌فرماید: «مبلغین که به اطراف می‌روند باید لسان هر مملکتی که داخل می‌شوند بدانند مثلاً نفسی که در لسان ژاپون ماهر به مملکت ژاپون سفر نماید نفسی که به لسان چینی ماهر به مملکت چین بشتابد و علی هذالمنوال.»

احدی از یاران که در نهضت تبلیغی در ممالک امریکای شمالی و جنوبی خدمت می‌کنند هرگز نباید چنین پندارد که هر نوع ابتکار و اقدام مخصوصی در این سبیل باید منحصرأ از طرف مؤسسات امریه از قبیل محافل روحانیّه و لجنات باشد که توجهشان معطوف به ترویج و تسهیل وصول به اهداف نقشه هفت‌ساله است بلکه وظیفه و تکلیف شدید فرد بهائیان امریکا یعنی امناء نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء اینست که هر یک تحت اصول اداری امرالله هر نوع خدمتی را که برای پیشرفت نقشه هفت ساله مناسب می‌داند و در حدّ استعداد خود می‌شمارد آغاز کند و به ترویجش مبادرت ورزد و طالبان مهاجرت و تبلیغ را هیچ چیز حتی وخامت

اوضاع جهان یا فقر منابع مادی یا فقدان استعدادات معنوی یا قلت علم و تجربه که وجود همه ممدوح و مقبول است هرگز نباید از قیام در آن میدان باز دارد و از قوه‌ای محروم‌شان سازد که بنا به بیانات مکرره حضرت عبدالبهاء چون شامل حال شود مغناطیس تأییدات موعوده حتمیه حضرت بهاء‌الله گردد و امداد و نصرت‌شان نماید. آن نفوس مبارکه هرگز نباید منتظر بنشینند که نمایندگان منتخبه جامعه دستوری به آنان دهند یا تشویق‌شان کنند، هرگز نباید با موانعی که اقوام و خویشان‌شان و دوستان هم‌وطن‌شان احياناً پیش راهشان می‌نهند از خدمت منصرف گردند. حضرت بهاء‌الله خطاب به هرکس که بر تبلیغ امرش قیام نماید چنین می‌فرماید:

«مثل اریاح باش در امر فالح الاصباح چنانچه مشاهده می‌نمائی که اریاح نظر به مأموریت خود بر خراب و معمور مرور می‌نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون. نظر به مأموریت خود داشته و دارد». و در مقام دیگر می‌فرماید:

«و اذا اراد الخروج من وطنه لامر ربّه يجعل زاده التّوکل علی‌الله و لباسه التقوی... اذا اشتعل بنار الحبّ و زین بطراز الانقطاع یشتعّل بذکره العباد».

آن که بصرافت طبع و بی‌پروا از موانعی که دوست یا دشمن دانسته یا ندانسته در راهش می‌نهد با عزمی راسخ بر تبلیغ امرالله قیام می‌کند باید با کمال دقت بسنجد که چه طریقی را بپیماید تا جهد و کوشش شخصی او منجر به جلب توجه و حفظ علاقه و تقویت ایمان کسانی شود که می‌خواهد

تبلیغشان نماید. باید تحقیق نماید تا که در اوضاع و احوال محل سکونتش چه فرصت‌های مفیدی موجود است از روی فکر و اندیشه و با نظم و ترتیب آنها را برای حصول مقصد و هدفش بکار برد. باید همچنین روش‌های متنوعی را در پیش‌گیرد مانند عضویت در کلوب‌ها، شرکت در نمایشگاه‌ها و انجمن‌ها و ایراد نطق‌هایی با موضوع‌هایی که به مبادی امرالله مطابقت دارد از قبیل اعتدال، اخلاقیات، رفاه اجتماعی، مدارا و بردباری مذهبی و تسامح نژادی، همکاری اقتصادی، اسلام و تطبیق و مقایسه ادیان یا در انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و انسان دوستانه و سازمان‌های خیریه و تعلیم و تربیت شرکت نماید که همه در عین حال که اصالت امرالهی را محفوظ می‌دارد نیز سبب می‌شود راه‌های متعدّد و وسائل گوناگونی را در اختیارش بگذارد تا از آن راه‌ها بتواند متدرّجاً تربیت و حمایت و بالاخره اقبال و ایمان نفوس را تأمین نماید. و در هر کوشش تبلیغی باید پیوسته متوجّه و واقف باشد و در همه حال بیاد آورد که پیوسته جلال و وقار و مقام اعلای امرالهی را محفوظ دارد و جامعیت احکام و اصولش را مراعات کند و جهانی بودن و عمومیتش را نمایان سازد. و از مصالح متعدّده حیاتیش با غیرت و شجاعت دفاع نماید.

باید بسنجد که مستمعین به چه مقدار گوش شنوا دارند تا معلوم گردد که باید از طریق مستقیم یا غیر مستقیم امرالله را به آنان ابلاغ نماید تا طالبان حقیقت را از اهمیت حیاتی امرالهی با خبر گردانند و آنان را بر پیوستن به مقبلین و مؤمنین راغب سازد باید مثل اعلائی را که حضرت عبدالبهاء مقرر و نصایحی

را که مکرّر بیان فرموده همواره بخاطر آورد با طالبان حقیقت در جمیع اوقات با محبّت رفتار نماید و روح تعالیمی را که امیدوار است در قلوبشان القاء نماید چنان در گفتار و کردار خود نمایان سازد تا آنان را برانگیزد، تا خویش را به طیب خاطر با دیانتی که چنان تعالیم مبارکی را در خود تجسم بخشیده پیوند دهند. باید در بدایت بر احکامی اصرار نورزد که ممکن است بر طالب حقیقت که تازه به ایمان فائز گشته تحمیلی لایطاق باشد بلکه باید بکوشد که او را با صبر و حکمت و استقامت پرورش دهد و به رتبه بلوغ رساند و او را مدد کند تا ایمان و اطاعت محضه خود را از آنچه از قلم حضرت بهاءالله صادر گشته علناً اعلام نماید و چون به آن مقام رسید او را به جامعه پیروان امرالله معرفی نماید و با دوستی و محبّت دائم و شرکت در خدمات جامعه محلّی او را قادر سازد که در جمیع اوقات سهم خویش را در حیات جمع اهل بهاء و پیشرفت مقاصدش و تحکیم مصالحش ادا نماید و در هماهنگی مجهودات جامعه بهائی با جوامع دیگر شرکت جوید. و شخص مبلّغ تا در فرزند روحانی خویش چنان شوقی ندمد که او را مستقلاً بر خدمت امرالله برانگیزد تا بنوبه خود قوایش را صرف هدایت سایر نفوس نماید و به موجب احکام و مبادی دین جدیدش عامل گردد هرگز قانع و خرسند نشود.

هرکس که در این نهضت تبلیغی که یاران امریکا آغازش کرده اند شرکت دارد مخصوصاً کسانی که مهاجرت به نقاط بکر کرده‌اند باید متوجّه باشند که باید با تشکیلات اداری جامعه که مخصوص رهبری و هماهنگی و تسهیل خدمات تبلیغی به وجود آمده ارتباط نزدیک و پیوسته‌ای داشته باشند

و در خدماتشان در ترویج و اشاعه امر حضرت بهاءالله با هیأت منتخبه ملّی یا مؤسّسات تابعه‌اش لجنه ملّی تبلیغ و دوائر منتسبه یا محافل روحانی محلّی و لجنات تبلیغشان مرتبط گردند و به واسطه مکاتبات یا متحدالمآلها، گزارش‌ها یا نشریه‌های خبری یا وسائل دیگر ارتباطی سعی نمایند تا دستگاه تبلیغی نظم اداری به کمال آرامش و سرعت به کار افتد و به این طریق از هر نوع آشفتگی و ابهامی و تعویق و تأخیری و عمل زائد و مکرری و اتلاف جهد و کوششی به کلّی جلوگیری شود باران بی‌حساب فضل و عنایت حضرت بهاءالله سیل‌آسا از مجاری تشکیلات بهائی بدون کمترین مانعی چنان بر مزرعه دل و جان مردمان جاری گردد که حاصل پر برکتی که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده است به دست آید.

در این قیام مشترک و جمعی تبلیغی که در تاریخ جامعه بهائی امریکا بی سابقه است هرکس که در آن شرکت نماید باید امر جلیل تبلیغ را که وظیفه عمومی جمیع بهائیان است بزرگترین امر حیات خویش شمارد و هر کس که حامل پیام حضرت بهاءالله است در فعالیت‌ها و تماس‌های روزانه‌اش و در طول سفرهای کاری و معمولیش، در هنگام گردش یا اوقات تعطیلاتش و در هر وظیفه‌ای که باو محوّل گردد باید وظیفه بلکه افتخار خویش بداند که بذر هدایت را در همه جا پراکنده سازد و از این مطمئن باشد که از قبول یا ردّ مردم و ضعف و ناتوانی خود که حامل آن پیام جانبخش است نه‌راسد زیرا هر چه باشد باید مطمئن باشد که مشیت غالبه و قدرت فائقه حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی آن بذرهای طیّبه را سرسبز گرداند و در اوضاع و

احوالی که بر هیچکس معلوم نیست خرمنی را که محصول تخم‌های افشانده پیروان او است بارور نماید و حاصلی پرثمر و پر برکت به آنان عطا فرماید و همچنین اگر چنان کسی عضو محفل روحانی باشد باید به محفل خویش متذکر گردد که قسمتی از اوقات خویش را در هر جلسه در نهایت توجّه و تبثّ و اخلاص حصر در این مشورت نمایند که چه راهی را در پیش گیرند و به چه وسائلی تشبّث جویند که سبب رونق تبلیغ شود و منابعی که برای ترقّی و توسعه و تقویتش موجود است فراهم آید. و نیز اگر چنان کسی در مدرسه تابستانه شرکت جوید (مدرسه‌ای که جمیع را باید بدون استثناء تشویق کرد که در آن حاضر باشند) باید چنین فرصت مبارکی را غنیمت شمارد و با استفاده از نطق‌ها و خطابات و مطالعات و بحث و فحص معلومات خویش را تقویت کند تا با اعتماد و تأثیر بیشتری بتواند پیام مبارکی را که با خود دارد به دیگران منتقل نماید. و نیز باید هر وقت بتواند به سفرهای بین جوامع بهائی پردازد و در آن‌ها ذوق و شوق تبلیغ بدمد و به بیگانگان نشان دهد که مروجین امرالله چقدر هوشیار و فطن و پرشورند و مؤسّساتشان اصولاً به چه مقدار متّفق و متّحد.

هر کس که در این جهاد روحانی که جمیع نژادها و جمیع جمهوریات و طبقات و مذاهب نیمکره غربی را در بردارد شرکت نماید باید در وقت مساعد توجّه خویش را معطوف به هدایت نژاد سیاه و سرخ پوستان و اسکیموها و یهودیان نماید و آنانرا در زمره بندگان ثابت‌قدم امر اعظم در آورد. حال هیچ خدمتی به آستان الهی خوشتر و شایسته‌تر از این نیست که

کسی موفق گردد با ازدیاد عدد مؤمنین از آن نژادها بر تنوع جامعه بهائیان سراسر قاره امریکا بیفزاید. اختلاط این عناصر بسیار متفاوت نوع بشر، که در نسج اخوت عمومی بهائی بهم بافته و با قوه محرکه نظم اداری الهی مجذوب و ممزوج یکدیگر شده باشند و هریک از آن عناصر سهم خویش را در افزایش غنا و جلال حیات بهائی ادا کرده باشد، یقیناً موفقیتی خواهد بود که حتی تصورش باعث دلگرمی و سرور هریک از احباء خواهد شد. حضرت عبدالبهاء در لوحی چنین بیان فرموده‌اند:

«ملاحظه نمائید گل‌های حدائق هرچند مختلف‌النوع و متفاوت اللون و مختلف‌الصور و الاشکالند ولی چون از یک آب نوشند و از یک باد نشو و نما نمایند و از حرارت و ضیاء یک شمس پرورش نمایند آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد، اگر حدیقه‌ای را گل‌ها و ریاحین و شکوفه و اثمار و اوراق و اغصان و اشجار از یک نوع و یک لون و یک ترکیب و یک ترتیب باشد به هیچوجه لطافتی و حلاوتی ندارد ولکن چون الوان و اوراق و ازهار و اثمار گوناگون باشد هر یکی سبب تزیین و جلوه سائر الوان گردد و حدیقه انیقه شود و در نهایت لطافت و طراوت و حلاوت جلوه نماید و همچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظلّ قوه واحده و نفوذ کلمه وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود الیوم جز قوه کلمةالله که محیط بر حقایق اشیاء است عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجره واحده جمع نتواند» و در مقام دیگر می‌فرماید:

«امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها به نهایت صدق و وفا و محبت و صفا خدمت نماید.» و در لوح مبارک دیگری می‌فرماید:

«یکی از اصول مهمه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین افراد سیاه و سفید است*» و در الواح تبلیغی چنین آمده است:

«اهالی اصلی امریکا یعنی هندی‌ها را بسیار اهمیت دهید زیرا این نفوس مانند اهالی قدیمه جزیره العرب هستند که پیش از بعثت حضرت محمد حکم و حوش داشتند چون نور محمدی در میان آنها طلوع نمود چنان روشن شدند که جهان را روشن کردند و همچنین این هنود اگر تربیت شوند و هدایت یابند شبهه‌ای نیست که به تعالیم الهی چنان روشن گردند که آفاق را روشن نمایند.» و نیز می‌فرماید:

«اگر ممکن است مبلغین به سایر ولایات کانادا ارسال دارید و همچنین به گرین‌لند و بلاد اسکیموها مبلغین بفرستید» و در همان الواح مقدسه مذکور:

«بلکه انشاءالله نداء ملکوت‌الله به مسامع اسکیموها ... برسد... اگر همتی نمائید که در میان اسکیموها نفحات الهی منتشر شود تأثیر شدید دارد» و همچنین می‌فرماید:

«الحمدلله آنچه در الواح به اسرائیل تبشیر فرموده‌اند و در مکاتیب عبدالبهاء نیز تصریح شده جمیع در حیز تحقق است بعضی وقوع یافته و بعضی وقوع خواهد یافت، جمال مبارک در الواح مقدسه تصریح فرموده‌اند که ایام ذلت

اسرائیل گذشت ظلّ عنایت شامل گردد و این سلسله روز به روز ترقّی خواهد نمود و از خمودت و مذلت هزاران سال خلاصی خواهد یافت».

کسانی که در تشکیلات به عنوان اعضاء محافل روحانیّه ملّیه و لجنه‌های ملّی، ناحیه‌ای یا محلّی خدمت می‌کنند باید همواره این وظیفه خطیر و فوری را بیاد داشته باشند که در اندک زمانی ضروری است که در بقیّه ایالات کشور امریکای شمالی و ولایات کانادا جمعیت‌های بهائی ولو آنکه ضعیف و ابتدائی و محدود باشند تشکیل شود و حتّی القوّه بکوشند این مراکز اساسی جدیدالتّاسیس بسرعت و با اتقان به محافلی مستقل و کارآمد که رسمیت هم داشته باشد تبدیل گردد. چنین بنیانی را بنیاد نهادن و چنین پایگاهی را بنا کردن اگر چه بسیار صعب و مشکل است امّا بسیار لازم و روح‌بخش است لهذا افراد جامعه بهائی امریکا باید در این سبیل به حمایت بلاوقفه و پرشور و بی‌درنگ خویش قائم گردند زیرا تصمیمات محافل ملّیه هر قدر حکیمانه و عملی و همراه با نقشه‌های دقیق باشد تا عده کافی مهاجرین حاضر به فداکاری نباشند و براجراء این طرح‌ها قیام ننمایند آن همه تصمیمات و نقشه‌ها هرگز نتیجه‌ای نبخشد. به یقین چنین است که افراشتن علم حضرت بهاءالله در قلب این نواحی بکر و ارتفاع بنیان نظم اداریش در شهرها و قصبات و تاسیس لنگر گاهی مستحکم و دائم برای مؤسّسات عالی‌هش در قلوب و ارواح ساکنان آن مناطق به منزله اوّلین و مشهودترین قدم لازم برای طیّ مراحل باقیه نهضت تبلیغی در ظلّ نقشه هفت ساله محسوب است و از طرف دیگر در حالیکه تزئینات خارجی مشرق‌الاذکار که از

اهداف همان نقشه است به مرحله آخر رسیده جهاد تبلیغی هنوز در مراحل اولیه است و هنوز در نقاط بکر و کشورهای امریکای جنوبی نتوانسته است چنانکه باید مؤثر افتد. بلی همّت و مجاهدتی که در این سبیل لازم است بسیار صعب و دشوار است و شرایطی که لازمه بنای چنان تأسیسات اولیه است بسی نارسا است و نفوسی که قادر بر قیام به چنین خدمت عظیم‌اند بس قلیل و منابعشان بسیار محدود و غیر کافی اما مکرّر در مکرّر بیانات حضرت بهاء‌الله به امثال این بیانات مبارکه به ما اطمینان بخشیده که:

«لو يقوم واحد على حبّ البهاء في ارض الانشاء و يحارب معه كلّ من في الارض و السماء ليغلبه الله عليهم اظهاراً لقدرته و ابرازاً لسلطنته» آیا این وعده صریح و اطمینان بلیغ از قلم ملهم جمال قدم جلّ اسمه الاعظم نازل نشده که می‌فرماید

«فوالله الذي لا اله الا هو لو يقوم واحد منكم على نصره امرنا ليغلبه الله على مائة الف ولو ازداد في حبه ليغلبه الله على من في السموات و الارض» در این مقام حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«در اسلاف ملاحظه نمائید که در ایام مسیح نفوس مؤمن ثابت معدود قلیلی بودند ولی چنان برکت آسمانی نازل شد در سنین معدوده جمّ عظیمی بظّل انجیل درآمدند، در قرآن می‌فرماید که یک حبه هفت خوشه برآرد و هر خوشه صد دانه بدهد یعنی یکدانه هفتصد دانه گردد و خداوند اگر بخواهد مضاعف می‌فرماید چه بسیار واقع که نفس مبارکی سبب هدایت مملکتی شد حال نظر به استعداد و قابلیت خویش نباید نمائیم بلکه نظر به عنایت و

فیوضات الهیه در این ایام نمائیم که قطره حکم دریا یابد و ذره حکم آفتاب جوید».

آنان که عزم راسخ دارند که اولین کسانی باشند که علم چنین امر عظیمی را در کشورهای مذکور بلند نمایند از این کلمات جانبخش زنده می‌شوند که فرموده «جوشن محبتش را در بر کنند» محبتی که چون یکه و تنها قیام کند شدتش بیشتر گردد و داستان اعمالشان صفحات تاریخ روحانی کشورشان را بیش از همیشه زینت بخشد.

در این مقام حضرت عبدالبهاء در منشور ملکوتی تبلیغ می‌فرماید: « هر چند در اکثرمدائن ایالات متحده الحمدلله نفحات الله منتشر و جم غفیری به ملکوت الله متوجه و ناظر ولی در بعضی ایالات چنانچه باید و شاید علم توحید بلند نگشته و اسرار کتب الهیه منتشر نگردیده باید به همت یاران علم توحید در آن دیار موج زند و تعالیم الهیه انتشار یابد تا آنان را نیز از موهبت آسمانی و هدایت کبری بهره و نصیب داده شود». نیز در لوحی دیگر چنین فرموده: «اقلیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل مشمول نظر عنایت الهیه خواهد گشت و مظهر الطاف سبحانیه خواهد شد» و در همان لوح مبارک باز این وعده مبارکه را تأکید کرده می‌فرماید: «مستقبل کانادا بسیار عظیم است چه از حیثیت ملک و چه از حیثیت ملکوت».

و چون این قدم اول که متضمن تشکیل اقلای یک هسته مرکزی در هر یک از ایالات و ولایات قاره امریکای شمالی است برداشته شد باید تشکیلاتی که برای

تشديد و توسعه مساعی متحده بهائیان امریکا بوجود آمده متوجه تحکیم مجهودات مشکوره‌ای گردد که حال معدودی از افراد مهاجر در نقاط منفرد مبذول می‌دارند تا به هدایت ملت‌های امریکای لاتین به ندای حضرت بهاءالله توفیق یابند و تا این دومین مرحله نهضت تبلیغ در طی نقشه هفت ساله طی نشود نمی‌توان گفت که نقشه هفت ساله کاملاً آغاز گشته و به مرحله قاطع و مهم تکاملش رسیده است و اگر بر آن مهم قیام نمایند باران تأیید بر آن جامعه دلیر چنان شدید ببارد و آنان را که در دایره تشکیلات اداریش به بنیان رفیع مشرق‌الانکار توفیق یافته و به تزئینات پرشکوه خارجیش پرداخته و در میدان تبلیغ پرچم امرالله را در جمیع ایالات امریکای شمالی موج ساخته چنان مؤید سازد که افراد آن جامعه خود از شواهد شامله تائیدات ملاء اعلی متعجب و حیران گردند.

لجنه تبلیغ قاره امریکا در چنان مرحله خطیری حتی قبل از آن باید از فرصت‌های موجوده استفاده کند و به جد تمام و با توحید مساعی و با هم‌تئی مطابق با مسئولیت‌هایی که بر دوش دارد در ایفای وظائف خویش دلیرانه سعی و کوشش نماید و هر گز از خاطر نبرد که ممالک امریکای مرکزی و جنوبی مشتمل بر بیش از بیست کشور مستقل یعنی تقریباً ثلث تعداد تمام ممالک مستقل جهان است که به حکم تقدیر مقرر است که سهم روزافزون مهمی را در سرنوشت آینده جهان ایفاء نمایند و حال که جهان به سوی وحدت حرکت می‌کند و منافع و مقررات نژادها و ملل و مردمش به هم بافته و مرتبط و ممزوج می‌گردد دیگر فواصل بین کشورهای نیمکره غربی را

وجهی نمی‌ماند و امکانات و استعدادات نهفته در هر یک از آن ممالک هر روز نمایان‌تر می‌شود.

و چون دومین مرحله فعالیت و مجهودات تحت نقشه هفت ساله طی جریان دائم التقدمش تحقق پذیرد و چون تشکیلاتی لازم برای اجرایش به وجود آید آن وقت است که احبای امریکا که پیشاهنگان غیور این نهضت جلیل‌اند باید در پرتو هدایت انوار تابناک اسم اعظم و طبق نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء و در سایه رهبری محفل روحانی ملی و مساعدت حتمی لجنه تبلیغ قاره امریکا قیامی عاشقانه نمایند و بر صف قوای ظلمت و فساد و جهالت زنند و این چهار روحانی به اقصی نقطه قاره امریکای جنوبی در همه بیست کشور آن منطقه اتساع دهند.

سزاوار چنان است که در این لحظه خطیر جمعی از یاران دامن همت برکمر زنند و از شهر و دیار و کشور خویش هجرت نمایند و به مصداق آیه «یَنْبَغِي لِهَؤُلَاءِ اَنْ يَكُوْنَ زَادَهُمُ التَّوَكُّلُ عَلٰى اللّٰهِ» با توشه توکل متوجه و عازم آن نقاط بعیده و بکر و غیر مفتوحه گردند و مجاهدت نمایند تا قلعه‌های مستحکم قلوب مردمان را به مصداق «اَنْهَا يَسْتَخِرُ بِهِ جُنُودُ الْوَحٰی و الْبَيَان» بگشایند. منتظر ننشینند تا یاران و یاورانشان که قبل از ایشان به تبلیغ و مهاجرت قیام کرده‌اند مرحله نهضت تبلیغی را اوّل طی نمایند بلکه از همین ساعت برخیزند تا مرحله دوم را که درخشان‌ترین فصل تاریخ بین‌المللی امر مبارکشان است آغاز نمایند و در این رهگذر باید اوّل به تبلیغ خویش پردازند و به این بیان حضرت بهاء‌الله ناظر باشند که می‌فرمایند:

«ومنکم من اراد ان یبلغ امر مولاه فلینبغی له به ان یبلغ نفسه ثم یبلغ الناس لیجذب قوله قلوب السامعین» باید ظفر و نصرت امرالله را نصرت خویش دانند چنان که می‌فرماید «یجعل همّه نصره الامر فی کل الاحوال» باید به این بیانات مبارکه ناظر باشند که «اصل الیوم اخذ از بحر فیوضات است دیگر نباید نظر به کوچک و بزرگی ظروف باشد». و نیز من ارادالتبلیغ ینبغی له ان ینقطع عن الدنیا» باید با همان روح انقطاعی که حضرت عبدالبهاء مثل اعلاش بود قیام نمود و مردم مختلف آن ممالک را به ذکر الهی و معرفت مظهر ظهورش جلب و جذب کرد.

در آن روز که به فرموده مبارک «یوم ارتعشت الارکان و اقشعرت الجلود و شاخصت الابصار» باید نار موقده الهیه را در دل و جانیشان چنان فروزان دارند که دریاهای عالم از اطفائش عاجز باشد. باید چون «هوا خفیف گردند» و به مثابه نسیم شوند «که بر خراب و معمور مرور می‌نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون» و در این سبیل آنچه را که روح القدس بر زبانشان جاری ساخت القاء نمایند»

در تبلیغ باید از مجادله بپرهیزند و به لسان شفقت جذاب قلوب گردید. چنانکه می‌فرماید ایاکم ان لاتجاد لوامع نفس بل ذکرها یا لبیان الحسنه الموعظة البالغه» و این بیان مبارک را همواره بخاطر آورند که «لله تبلیغ امر نمائید با عراض و اقبال ناظر نباشند بلکه ناظر به خدمتی که به آن مامورید من لدن الله» و هرگز فراموش نکنید که فرموده است «ان الدین هاجر ومن اوطانهم لتبلیغ الامر یویدهم الروح الامین و یخرج معهم قبیل من الملائكة من لدن عزیز علیم» و از این

بیان مبارک مسرور باشند که «طوبی لمن فاز بخدمة الله» و اعظم خدمت تبلیغ است که در باره‌اش فرموده «انه لسيد الاعمال و طرازها»

چه خوش است که این کلمات روح بخش حضرت بهاء الله را در خدمات تبلیغی خویش در سراسر امریکای جنوبی ورد زبان و مرهم جانشان سازند که می‌فرماید: «ان يا ايها المسافر الى الله خذ نصيبك من هذا البحر و لا تحرم نفسك عما قَدَّرَ فيه... و لو يرزقن كل من في السموات و الارض بقطرة منه ليغنين في انفسهم بغناء الله المقتدر العليم الحكيم خذ بيد الانقطاع غرقه من هذا البحر الحيوان ثم رشح منها على الكائنات ليطهرهم عن حدودات البشر و يقربهم بمنظر الله الاكبر هذا المقر المقدس المنير و ان و جدت نفسك وحيداً لاتخرن فاكف بربك... بلغ امر مولاك الى كل من في السموات و الارض ان وجدت نفسك وحيداً لاتحزن فاكف بربك... بلغ امر مولاك الى كل من في السموات و الارض ان وجدت مقبلاً فاطهر عليه لئالي حكمة الله ربك فيما القاك الروح و كن من المقبلين و ان وجدت معرضاً فاعرض عنه فتوكل على الله ربك و رب العالمين تا الله الحق من يفتح اليوم شفتاه في ذكر اسم ربّه لينزل عليه جنود الوحي عن مشرق اسمى الحكيم العليم و ينزلن عليه اهل ملاء الاعلى بصحائف من النور كذلك قدر في جبروت الامر من لدن عزيز قدير».

و نیز چون قیام بر انتشار امر الله نمایند چه نیکو است که این بیانات حضرت عبدالبهاء را در منشور ملکوتی تبلیغ آویزه گوش هوش سازند که می‌فرماید، «ای حواریون بهاء الله روحی لكم الفداء... ملاحظه نمائید که

حضرت بهاءالله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلیٰ مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است... الآن به یاد شما مشغولم و این قلب در نهایت هیجان اگر بدانید که این وجدان چگونه منجذب یاران است البته به درجه‌ئی فرح و سرور یابید که کل مفتون یکدیگر گردید». «حال موفقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره‌های درّی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل آمریک شدید». «امیدوارم که به زودی موفقیت شما زلزله در آفاق اندازد». «البته عون و عنایت الهیه به شما خواهد رسید و قوای الهیه و نفثات روح القدس تائید شما خواهد کرد». «نظر به قلت خویش و کثرت اقوام ننمائید». «این کار عظیم است اگر به آن موفق شویم. تا آمریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد».

باید به یاد آورد که هدف تبلیغ در نقشه هفت ساله جز این نیست که اقلّاً در هر یک از ممالک امریکای مرکزی و جنوبی لااقل یک مرکز بهائی تشکیل شود.

و موفقیت نقشه هفت ساله مستلزم آن است که چون زمان یکصدمین سال ظهور امر بهائی فرا رسد در هر یک از آن ممالک پایه و اساسی استوار شده باشد تا احباء امریکا بر آن اساس هر چند ناقص و ضعیف باشد بتوانند در سال‌های اولیه قرن ثانی دور بهائی بنیان رفیعی را بنا کنند.

و بر آنان است که طی عقود متتابعه یعنی ده سال‌های آینده آن مراکز اساسیه را استحکام بخشند و هدایت و تشویق و اعانت نمایند تا جمعیت‌های پراکنده در آن نقاط بر تاسیس محفل روحانی مستقل محلی مؤفق شوند ارکان نظم اداری بهائی را پی‌افکنند. بنای ارکان چنان بنیانی در وهله اول درمسئولیت بهائیان نورسیده و جدیدالاقبال در آن کشورها است و چنین اقدامی گذشته از اینکه جمعیت‌های بهائی را به محافل روحانی محلی تبدیل می‌کند مستلزم آن است که تشکیلات نظم اداری بهائی در همه جا طبق اصول روحانی و اداری که جزئی از حیات هر جامعه بهائی در سراسر عالم است به وجود آید و به کار افتد و از آن اصول مهمه واضحی که در قانون اساسی محافل روحانی ملی و محلی مدوّن و در جمیع جامعه‌های بهائی معمول است هرگز عدول و تخطی روا ندارند و البته این امر مربوط به آینده یعنی وقتی است که آن محافل تأسیس شده و تمکین یافته باشد.

استقرار اساس و پایه‌های لازم متین به نحوی منظم و منسجم (سیستماتیک) و در کمال اتقان و استحکام برای بنای محافل روحانیه ملی و محلی امری است که به زودی توجه مجریان نقشه هفت ساله را به خود جلب خواهد کرد و حال چون وظیفه فوری آنان یعنی فتح چند نقطه باقیه در امریکا و کانادا به انجام رسد باید طرحی دقیق تدبیر شود که هدفش تحقق چنان اساسی گردد. چنانکه مرقوم شد تعبیه وسائل چنین خدمت عظیم و مقدماتی وسیعی در سراسر جمهوریات امریکای مرکزی و جنوبی سرنوشت نهضت تبلیغی در طی نقشه هفت ساله را معین می‌سازد و توفیق در آن نهضت عظیم نه فقط

موکول به قیام عاشقانه یاران در اجراء اهداف نقشه مذکور است بلکه بسته به آن نیز هست تا در مراحل آینده‌اش هر روز بیشتر آنچه را که حضرت عبدالبهاء برای بهائیان امریکا در انتشار امرالله در سراسر جهان آرزو فرموده است مجری و متحقق گردد.

جميع آن اقدامات که نسبت به مساعی جلیله و مجهودات منظمه نسل‌های آینده بهائی در امریکای لاتین به منزله مقدمه‌ای بیش نیست، مستلزم آن است که محفل ملی امریکا و لجنه ملی تبلیغ قاره امریکا بی‌درنگ در باره اعزام مهاجرین و مبلغین سیار که مفتخر به ارتفاع ندای ظهور عصر جدید در آن قاره جدیدند تحقیق کنند و تدابیری بیندیشند.

نظر به اشتیاقم در معاضدت آن خادمان فداکار جانفشان که مسئولیتی سنگین بر دوش دارند به ذکر چند نکته مفید می‌پردازم که امیدوارم کارهای بزرگی را که در آینده نزدیک در پیش دارند تسهیل نماید. در اجراء و اکمال آن خدمات مهمه تاریخی لازم و واجب است که قوای فرد فرد جامعه کاملاً متحداً تجهیز گردد بر تعداد مبلغین ساکن و سیار بسیار بیفزاید و منابع مادی تحت اختیارشان مضاعف و با کفایت اداره شود. آثار و نشریاتی که باید با آن مجهز باشند تکثیری وسیع یابد و اعلاناتی که یاران را در پخش و انتشار آثار مساعدت می‌نماید ازدیاد پذیرد و از طرف هیأتی مرکزی با سعی و مجاهدت اداره شود و از امکاناتی که در آن ممالک نهفته است با هوشیاری و فراست استفاده شود و آن امکانات منظمأ توسعه یابد. موانع و مشکلات متنوع سیاسی و اجتماعی موجود در آن ممالک باید مورد مطالعه

قرار گیرد و از پیش راه برداشته شود. خلاصه کلام آنکه هیچ فرصتی را نباید از دست داد و از هیچ کوششی فروگذار نباید کرد تا برای ترقی و پیشرفت بزرگترین نهضت تبلیغی که تا به حال جامعه بهائی امریکا تعهد کرده‌اند پایه‌های وسیع و مستحکمی برجای نهاده شود.

ترجمه دقیق آثار مهمه مربوط به تاریخ و تعالیم و نظم اداری بهائی و نشر و توزیع منظمشان باید به مقداری وسیع و در جمهوریات قاره امریکای لاتین صورت پذیرد و فوریت یابد تا با ورود مهاجرین در آن میدان مقارن و همزمان باشد. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح نقشه ملکوتی تبلیغ می‌فرماید «کتب و رسائلی به لسان های این ممالک و جزائر یا ترجمه نمایند و یا تألیف کنند و در این ممالک و جزائر نشر دهند». در کشورهایی که مصادر امور یا صاحبان نفوذ مخالف نباشند باید با نوشتن نامه‌ها و مقالات مناسب در انواع جرائد کار طبع کتب و آثار را تقویت نمود تا انظار عامه و افکار عمومی را به برخی از جنبه‌های تاریخ هیجان‌انگیز امر بهائی و وسعت و عظمت مقامش جلب و متوجه ساخت.

هر خادمی که قائم در میدان خدمت است، چه مهاجر و چه مبلغ سیار، باید همواره در نظر داشته باشد که با جمیع اهالی هر مملکتی از همه طبقات و مذاهب و نژادها با کمال الفت و محبت معاشر و محشور باشد و خویش را با افکار و ذوق و عاداتشان آشنا سازد و طریقی مناسب حال آن مردم را تفحص و تجسس کند و با صبر و حوصله و در نهایت حکمت قوای خود را صرف در معدودی از طالبان حقیقت نماید که دارای استعداد و

قلوبی طاهرند و با کمال مهربانی و محبت بکوشد نهال محبت و غیرت و انجذاب را در قلوبشان بنشانند چنانکه خود از عهده امور خویش برآیند و مستقلاً به ترویج امرالله بین مردم مستعد هر محل پردازند. حضرت بهاءالله چنین نصیحت فرموده: «ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمائید اگر نزد شما کلمه و یا جوهری است که دون شما از آن محروم به لسان محبت و شفقت القاء نمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الاّ او را به او گذارید و در باره او دعا نمائید نه جفا لسان شفقت جذّاب قلوب است و مائده روح و به مثابه معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی».

همچنین باید که یاران چه اعضاء تشکیلات بهائی و چه نفوسی که قصد قیام به تبلیغ دارند بل جمیع افراد بهائی که از موهبت سفر و مهاجرت به آن ممالک محرومند کلّ مترصد باشند تا از هر فرصت استفاده نمایند که با نفوسی از اتباع آن ممالک یا با کسانی از هر ذوق و مشرب که به نحوی با آن کشورها مربوطند آشنائی حاصل کنند و آتش طلب را در دل آنان برافروزند احبّای امریکا با ابراز محبت حقیقی و انتشار آثار و ایجاد هر رابطه دیگری می‌توانند در آن نفوس مستعد بذر هدایت بیفشانند، تا در آینده سرسبز شود و حاصلی غیر منتظره به بار آورد اما در این راه باید با نهایت دقّت مواظبت نمایند که مبدا از شوقی که در ترویج مصالح بین‌المللی امرالهی دارند کاری کنند مردم چنین سوءتفاهمی یابند که آن رفتارها و محبت‌ها به نیت تبلیغ ایشان بوده است و از آن طریق فشاری بر آنان وارد

ساخته‌اند که دینشان را تغییر دهند، اگر چنین گردد نقض غرض شود و متحرّیان حقیقت را به کلی دور نماید.

در این مقام رجا و تقاضای خویش را متوجّه آن دسته از یاران امریکا می‌نمایم که با وجود آنکه تحت فشار امور متعدد و فوری و روزافزون‌اند که با شغل و حرفه‌ای که دارند: تاجران، معلم مدرسه‌اند، وکیل حقوق‌دانند، طبیب‌اند، نویسنده یا عضو اداره‌اند برایشان امکان دارد که برخیزند و محل سکونت خویش را در کشورهای قرار دارند که در آن امکان معقولی در تأمین معاش و تدارک حوائجشان موجود باشد. اگر چنین کنند کمک و مساعدت فراوانی به مخارج روزافزون صندوق تبلیغ نموده‌اند زیرا از حساب آن صندوق است. که باید در جایی که به نحوی دیگر میسر نباشد هزینه سفر و مخارج خادمان میدان تبلیغ را تأمین نمود. و اگر اجرای پر افتخار چنان خدمتی برای آن نفوس ممکن نگردد چه نیکو است این بیان حضرت بهاءالله را بیاد آورده، هر کس به اندازه وسعش وکیلی را معین نماید که بالنیابه به امر عظیم و مبارک تبلیغ قائم گردد، می‌فرمایند: «جميع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است به آن قیام نماید و الاّ له ان یاخذ وکیلاً منفسه فی اظهار هذا الامر الذی به تزعزع کلّ بنیان مرصوص و اندکّ الجبال و انصعقت النفوس».

اما نفوسی که برای خدمت در آن اقالیم به ترک کشور و خانمان خویش موقتاً یا دائماً موقّق گشته‌اند، باید همواره وظیفه اوّلّیه خویش شمارند که از طرفی با لجنه ملّی تبلیغ که به ترویج خدمتی که بر آن قائمند موظف است

مرتبط و در تماس باشند و از طرف دیگر با کمال اتحاد به هر وسیله ممکن متشبث گردند که با افراد بهائی دیگر در کشور محل سکونت خود در هر میدان و در هر مقام و تجربه و هر استعداد و موقعیتی همکاری نمایند و با انجام وظیفه اول تشویق و هدایت لازم را کسب نمایند و از این راه بر ایفای وظائفشان بهتر موفق گردند. و نیز با ارسال گزارش‌ها به لجنه مذکور اخبار پیشرفت امرالله و شرح خدماتشان را به جمهور مؤمنین و مؤمنات برسانند.

اما ایفای وظیفه دیگر سبب تسهیل جریان امور و باعث ترقی و پیشرفت شود. از بروز وقایع نامطلوب که باعث وقفه تقدّم و پیشرفت خدمات مشترکشان گردد جلوگیری نماید و حفظ ارتباط و همکاری نزدیک را بین لجنه تبلیغ قاره امریکا و مهاجران جانفشان به وجود آورد زیرا آن دو عامل یکی وظیفه‌اش تنظیم و تمشیت امور آن نقشه عظیم تبلیغ است و دیگری مسئول اجرایش در جمیع جهات و نیز حفظ ارتباط بین خود مهاجرین، غیر از فوائد و نتایج فوریش سرمشق و نمونه گرانبهائی را برای نسل‌های آینده باقی می‌گذارد و آنان را وامیدارد تا به خدمات خویش با وجود معضلات پیچیده‌اش ادامه دهند و بر اثر اقدام مهاجران این زمان مشی نمایند.

در این ایام که مقررات دولتی مانع از این است که عده زیادی از مهاجرین بهائی بتوانند در آن کشورها مستقر گردند و جهت تأمین معاش اجازه کار و شغلی داشته باشند ملاحظه فرمائید چقدر ارزش و اهمیت دارد که تعدادی از احباء که درآمدی ثابت ولو مختصر داشته باشند قیام نمایند و در آن ممالک

بالاستقلال استقرار جویند. و چنین خدمتی البتّه مستلزم فداکاری و شجاعت و ایمان و استقامتی عظیم است که قدرش را تخمین نتوان زد و اجر جزیش را احصاء نتوان کرد به شهادت قلم اعلی «ان الدین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الامر یوید هم الروح الامین ... عمل را من الاعمال الا ماشاء ربک المقتدر القدیر انه سید الاعمال و طرازها» چنین اجر و ثوابی را نمی‌توان فقط موهبتی معنوی شمرد که در عالم بالا نصیب احبّاء گردد بلکه در این جهان نیز برکات و فواید چنان شجاعت و ایمان و استقامتی عاید قیام کنندگان بر چنان خدماتی خواهد شد چنانکه توفیقات روحانی و اداری که در نقاط بعیده استرالیا و اخیراً در بلغارستان نصیب مهاجرین امریکائی و کانادائی شده شاهد صادقی است بر اینکه چنان قیام تهورانگیزی چه اجر و ثمر و نتیجه‌ای حتّی در این عالم شامل حال گرداند.

حضرت بهاء الله در بیان مبارکی چنان نفوس عزیز را چنین ستایش می‌فرماید « و نفسه الحق سوف یزین الله دیباج کتاب الوجود به ذکر احبّائه الذین حملوا الرزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد با سمه و ذکره و یفتخر کلّ من فاز بلقائهم بین العباد و یستتیر بذكرهم من فی البلاد»

چه نیکو است در این مقام به ذکر و ستایش اماء الرحمن یعنی زنان بهائی بپردازم که بیش از مردان از بدایت استقرار امرالله در غرب فریداً و حیداً در فتح ممالک مختلفه و پراکنده در بسیط زمین سهم داشته‌اند و این ستایش فقط نه از این جهت است که خدماتشان قهرمانان صدر امرالله را که در پیدایش امرالهی مجاهدت فرموده‌اند به خاطر می‌آورد بلکه برای آن است که

تاکید شود که سهم زنان در فتح کشورهای جهان از همه بیشتر بوده است. به شهادت قلم حضرت عبدالبهاء: «از جمله معجزاتی که مخصوص این دور مقدس است آنکه که زنان چون در ظل امرالله درآیند از مردان شجاعتی بیشتر نمایان سازند. (ترجمه)» چنین شهادت عظیم و مبارکی که از قلم میثاق صادر گشته مخصوصاً در حق احباء غرب صادق است و هر چند در عمل شواهد بسیاری آن را به اثبات رسانده است ولی احباء امریکا که حال وارد درخشانترین مرحله خدمات تبلیغی خویش در طی نقشه هفت ساله شده‌اند باید آن را تقویت نمایند کلمه «شجاعت» در بیان حضرت عبدالبهاء که با آن خدمات گذشته زنان بهائی را توصیف فرموده‌اند هرگز نباید مخصوصاً در این ایام که در آستانه خدمات عظیم‌تر و لایق‌تری ایستاده‌ایم از جلوه و بروزش کاسته شود بلکه باید به مرور ایام و در سراسر نقاط وسیع و بکر امریکای لاتین مصداقی بیشتر یابد و امر عزیز الهی را به نصرت و ظفری فائز نماید که هیجان انگیزتر و بزرگتر از فتوحات گذشته باشد.

همچنین لازم می‌دانم در این مقام کلامی چند خطاب به جوانان بهائی بنگارم زیرا ملاحظه می‌کنم که نهضت عظیم کنونی برای آن عزیزان که با روحی مشتاق و با مجاهدت بر خدمت امر حضرت بهاءالله کمر همّت بسته‌اند چه فرصت‌ها و امکانات وسیعی را فراهم می‌آورد.

جوانان هر چند بی‌تجربه‌اند و منابع و ذخائرشان قلیل ولی روح پرشورشان و طاقت و هوشیاری و خوشبینی و اعتمادشان که تا بحال از خود بروز داده‌اند

آنان را لایق و مستعد می‌سازد تا نقش مؤثری در برانگیختن علاقه جوانان دیگر در کشورها و دمیدن روح ایمان در آنان ایفاء نمایند. و در نظر مردم هر دو قاره هیچ شاهد و برهانی برای اثبات روح فعال و قوه محرکه ساریه در حیات و مؤسسات امر نوزاد بهائی اعظم از این نیست که ملاحظه نمایند جوانان بهائی از هر نژاد و ملت و طبقه، با هوشیاری و استقامت در میدان‌های تبلیغ و اداری، هر دو، شرکت مؤثری داشته و دارند. شرکت داشتن جوانان در آن فعالیت‌ها است که می‌تواند عیب جویان و دشمنان امرالله را که به درجات مختلف با شک و تردید و بغض و عناد مواظب و ناظر به سیر تکاملی امرالله و مؤسسات بهائی هستند قانع و خاضع نماید و کاملاً اثبات نماید که امر الهی زنده و پویانده است و سرنوشتش از خطرات آینده محفوظ امید بل دعا و رجایم چنان است که شرکت جوانان در نقشه هفت ساله هم بر جلال و قوت و حرمت امرالله بیفزاید و هم در حیات روحانی اعضاء جوان جامعه بهائی چنان تأثیر نماید و قوای مکنونه شان را چنان تحرّکی بخشد تا قادر گردند استعدادات نهفته‌شان را به حد اعلی ظاهر و نمایان سازند و به مرتبه بالاتری از تکامل روحانی خویش در ظل امر حضرت بهاءالله فائز گردند.

چون به منشور تبلیغ که از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء صادرگشته نظر نمایم خود را مکلف می‌بینم که آن یاران را متوجه اهمّیت جمهوری پاناما کنم که رفع حوائج فوریش به کف کفایت آن عزیزان نهاده شده است. کشور پاناما بواسطه قرب جوارش با قلب و مرکز امرالله در امریکای شمالی و موقعیت جغرافیائیش که دو قاره امریکای شمالی و جنوبی را بهم متصل

می‌سازد اهمیت مخصوص دارد. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح منشور تبلیغ مربوط به کشورهای امریکای لاتین می‌فرماید «جمع این ممالک اهمیت دارد علی‌الخصوص جمهوری پاناما که در آن مرکز محیط آتلانتیک و محیط پاسفیک بهم ملحق می‌شوند و مرکز عبور و مرور از امریکا به سایر قطعات عالم است و در آینده اهمیت کبری خواهد یافت» و در مقام دیگر می‌فرماید «همچنین جمهوری پاناما زیرا در آن نقطه خاور و باختر یا یکدیگر اتصال یافته و در میان دو محیط اعظم واقع این مقام و موقع در مستقبل بسیار مهم هر تعالیم که در آنجا تأسیس یابد شرق و غرب و جنوب و شمال را به یکدیگر ارتباط دهد.»

چنین مقام موقع ممتازی که آن کشور دارا است البته مستلزم توجه مخصوص جامعه بهائی امریکا است حال که جمهوری مکزیک مفتوح و در پایتختش محفل روحانی تشکیل گشته است نفوذ امر الهی در همسایه جنوبیش قدمی طبیعی و منطقی است و امیدوارم مشکل نباشد لهذا هر کوشش و هر فداکاری را هر چند عظیم باشد باید تحمل نمود که لااقل یک جمعیت کوچک بهائی در آن جمهوری تشکیل شود زیرا کشور پاناما چه از لحاظ روحانی و چه جغرافیائی و اداری مقام خاص و حساسی است. اگر آن جمعیت تشکیل گردد طبق کلام مقتدر حضرت عبدالبهاء مغناطیس تائیدات ملکوت ابهی گردد و چنان سریع پیشرفت نماید که کسانی را که خود قوای غالبه امر حضرت بهاءالله را مشاهده و تجربه کرده‌اند به تعجب و تحیر وادار سازد. پس مهاجران آینده و لجنه تبلیغ قاره امریکا باید به رفع حوائج

جمهوری ممتاز مذکور اولویت بخشند و در عین حال باید کوشش نمایند که امرالهی را ولو به صورت مقدماتی بر جمهوری‌های گواتمالا و هندوراس و السالوادور و نیکاراگوا و کستاریکا ادامه دهند تا سلسه ناگسستگی بین آنها و ام‌المحافل‌شان در قاره امریکای شمالی به وجود آید و در این راه موانع هر چند بزرگ باشد باید از پیش راه برداشته شود و منابع مادی صندوق بهائی کریمانه صرف آن مشروع گردد و مجهودات لایقه ثمینہ در بیدار کردن و هدایتشان مبذول شود به عبارت دیگر بنای پایگاه دیگری برای امرالهی در آن کشور به منزله نقطه عطفی در تاریخ عصر تکوین امر حضرت بهاءالله در جهان جدید است که برای کسانی که به این خدمت مهمّ فائز شده‌اند امکانات بیشماری را به وجود می‌آورد و مساعی و مجهوداتشان را متحد و منجسم می‌سازد و نیز سرور و شجاعت شدیدی در افراد نقاط و جمعیت‌های پراکنده بهائی در جمهوریات همسایه خلق می‌کند و در حیات و ترقیات آینده مردمانشان قوی غیبی و شدیدی احداث می‌نماید.

دوستان عزیز و محبوب

اینست دورنمایی که در مقابل دیگان بهائیان امریکا است و اینست آنچه در این سال‌های اخیر قرن اول دور بهائی آنان را به مبارزه می‌طلبد. اینست کیفیت و سجایائی که در راه اجراء صحیح وظائف و مسئولیت‌ها از آنان خواسته شده است اینست نیازها و امکانات و اهداف نقشه هفت ساله که وصول به آن مستلزم بذل جمیع قدرت و نیروی شما است.

کسی چه می‌داند شاید سال‌های زودگذر باقیه آبستن وقایعی باشد که از حیث عظمت در تصور کسی نیاید و مصائبی را به بار آورد که هرگز بشر با آن روبرو نبوده است و جنگ‌هایی پدید آید که از حیث خرابی و دمار نظیرش دیده نشده ولی خطرات متقابل هرچند مهیب باشد هرگز انوار امر نوظهورشان را تیره نتواند و آشوب و اغتشاش هر چند باعث سرگردانی باشد هرگز دیده بصیرتشان را مخمود نسازد و مصائب و بلاها هرچند دامنگیر، در عزم راسخشان خلل وارد نیاورد و ملامت و عتاب هرچند بلند و شدید در وفاداریشان خدشه‌ای نگذارد و انقلابات هرچند سهمگین و مصیبت بار آنان را از صراط مستقیمشان منحرف نسازد. هر چه بر سر جهان یا کشورشان بیاید و هر بحران شدیدی در آینده متوجهشان گردد باز این نقشه هفت ساله که شکوفه‌های امید و آرزوی حضرت عبدالبهاء را در آغوش دارد البته باید بشکفد و به مرحله اجراء درآید.

مصائب و محن عظیمه‌ای که یاران امریکا را احاطه نماید هر قدر دردناک باشد هرگز در عزم راسخشان خللی وارد نسازد و آنان از وظیفه خویش غافل نگردند و هرگز فراموش ننمایند که تقارن چنان بحران‌های مخربی که ارکان عالم را مرتعش و متزلزل ساخته با پیشرفت منظم و به ثمر رسیدن وظیفه معین و مقرر اهل بهاء چیزی جز مشیت الهی نیست که به حکمت بالغه و اراده مطلقه بسیطه‌اش به نحوی مرموز مقدرات امراض و نیز سرنوشت بشر را در قبضه اختیار خویش دارد و تقارن این دو جریان یعنی از طرفی ارتفاع و از طرف دیگر سقوط یکی ترکیب و دیگری تحلیل یکی

نظم و دیگری هرج و مرج که پیوسته با هم فعل و انفعال دارند کل جنبه‌هایی از یک نقشه عظیم است که سرچشمه‌اش حضرت کبریا است و طراحش جمال ابهی و میدان‌ش بسیط غبرا. هدفش وحدت جهان است و تأسیس صلح عمومی در عالم انسان.

تعمّق و تامل در این حقایق البتّه عزم راسخ جمیع جامعه بهائی را آهنین می‌سازد و هر نوع هراسی را از دلشان می‌زداید و آنان را بر تحقق جمیع اهداف منشور ملکوتی حضرت عبدالبهاء دون استثناء برمی‌انگیزد.

نقشه هفت ساله چنانکه مذکور شد نخستین مرحله و اولین قدمگاه برای تحقق آن منشور ملکوتی است قوه نباضی را که قلم حضرت عبدالبهاء خلق فرمود و حال به قوه محرکه‌ای تبدیل گشته که با شدتی روزافزون دستگاه نقشه هفت ساله را به پیش سوق می‌دهد باید در سال‌های اولیه قرن ثانی امر بهائی تشدید و تقویت شود و بهائیان جامعه امریکا را برانگیزد تا در مراحل آتیّه اجراء منشور ملکوتی امرالهی قیامی جدید نمایند و آئین حضرت بهاءالله را از سواحل امریکای شمالی فراتر برده در سرزمین‌ها و بین مردم آن نقاط منتشر سازند و از این طریق والاترین و درخشان‌ترین خدمات قهرمانانه خود را ایفاء نمایند.

آن کس که درباره مسیری که جامعه پر افتخار بهائی باید به حکم تقدیر الهی از آن بپیماید شك و تردید نماید نیکو است که به این کلمات مبارکه

حضرت عبدالبهاء خطاب به جمیع بهائیان امریکا و کانادا که تا ابد در گنجینه منشور ملکوتیش محفوظ است توجّه نماید:

حال موفقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته عنقریب خواهید دید که هریک مانند ستاره‌های درّی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل آمریک شدید همچنین «موفقیت شما حال معلوم نه امیدوارم که به زودی موفقیت شما زلزله در آفاق اندازد لهذا عبدالبهاء را آرزو چنان است که مثل خطّه آمریک در سائر قطعات عالم نیز موفق و مؤید شوید یعنی صیت امرالله را به شرق و غرب رسانید و در جمیع قطعات خمرسه عالم بشارت به ظهور ملکوت رب الجنود دهید» و در مقام دیگر به کمال تجلیل می‌فرماید «این نداء الهی چون از خطّ آمریک به اروپا و آسیا و آفریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبّای آمریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند وصیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد».

هیچ کس نیست که چنان کلمات مشحون از بشارتی فراتر از نقشه هفت ساله را بخواند و بگوید جامعه‌ای که به موجب آن کلمات مبارکه مقامش به عنان آسمان رسیده و به مواهب عظیمه فائز گشته به فتوحاتی که در آینده نزدیک نصیبش خواهد شد قانع خواهد شد. زیرا اکتفا به آن فتوحات به منزله خیانت در امانت گرانبهائی است که حضرت عبدالبهاء به آن جامعه سپرده است خلاصه آنکه سلسله فتوحاتی که آن جامعه را به پیروزی و نصرت نهائی می‌رساند در وقتی است که امر الهی «زلزله در آفاق اندازد» که اگر

آن سلسله از هم بگسلد امید و آمال حضرت عبدالبهاء برآورده نخواهد شد و هر تردید و توقفی در «ارتفاع نداء الهی از خطّه امریک به اروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک» که بشارتش از قلم مبارک در قاره امریکا نازل گشته آن جامعه را از موهبت کبری یعنی «جلوس بر سریر سلطنت ابدیه» محروم خواهد کرد. و اگر از افتخار اعلان ظهور «رب الجنود» در «قطعات خمسّه عالم» محروم گردند «آوازه بزرگواریشان» در «بسیط غبراء» منتشر نخواهد شد.

یقین دارم که احباء امریکا یعنی سفیران امر حضرت بهاءالله هرگز به چنان غفلت و تردید و توقفی تن در نخواهند داد و چنان امانت پربهائی را هرگز از کف نخواهند نهاد و چنان امید و آرزویی را هرگز نافرجام نخواهند گذاشت و چنان افتخاری را هرگز از دست نخواهند داد و چنان مناقب و اوصافی را که به آنان عنایت گشته باطل نخواهند کرد. بلکه برعکس نسل حاضر جامعه‌ای که به کرات مورد عنایت و برکت واقع گشته هر روز قوتی بیشتر خواهد یافت و در این زمان که قرن اوّل بهائی رو به انتها است به نسلهای آینده و اخلاف خویش در قرن دوم مشعل هدایت الهیه را با وجود تندبادهائی که بر آن خواهد وزید منتقل خواهند ساخت تا آنان نیز به نوبه خویش با همان نشاط و قوت و وفا و شور و شوق آن مشعل هدایت را به تاریکترین و بعیدترین نقاط عالم برند و همه جا را روشن و فروزان نمایند.

دوستان محبوب با اشتیاقی که دارم تا آن عزیزان را در ایفای وظائف دائمه متزایده مقدّریشان مدد و مساعدت نمایم خوشتر از این چیزی نمی‌دانم که در این

موقع حساس توجّه مخصوص آن عزیزان را به منتخباتی از آثار بشمار حضرت بهاءالله که تا به حال ترجمه و طبع نگشته معطوف دارم زیرا این بیانات سرمدی الاثار مستقیماً به خدمات و مجهودات کنونی و آینده جامعه بهائی ارتباط می‌یابد آن کلمات مقدسه محتوی است بر اعلان و اظهار مقام احبّایش و تمجید عظمت دین مبینش و تاکید بر اهمیت تعالیمش و نیز مشتمل است بر خطراتی که پیش‌بینی فرموده و بر اوضاعی که ابلاغ و بر اندازاتی که اخطار و بر دور نمائی که اظهار و بر نویدها و اطمینانی که اعطا فرموده است البتّه در دل و جان هر یک از افراد جامعه که با نهایت خضوع و توجّه و انقطاع آنها را زیارت نماید اثری چنان می‌گذارد که سراسر وجودش را روشن و خدمات روزانه‌اش را مضاعف می‌سازد. و آن بیانات مبارکه چنین است:

«ای دوستان! قدر و مقام خود را بدانید... شمائید انجم سماء عرفان و نسائم سحرگاهان شمائید میاه جاریه که حیات کلّ معلّق بآن است و شمائید احرف کتاب» «یا اهل البهاء انتم نسائم الرّبيع فی الآفاق بکم زینّ الأمكان بطراز عرفان الرّحمن و بکم ابتسم ثغر العالم و اشرقّت الأنوار تمسّکوا بحبل الاستقامة علی شأن تتعدم منها الأوهام. ان اخرجوا من افق الاقتدار باسم ربّکم المختار و بشّروا العباد بالحکمة و البیان بهذا الأمر الذی لاح من افق الأمكان ایاکم ان یمنعکم شیء عمّا أمرتم به من القلم الأعلى اذ تحرّک علی اللّوح بسلطان العظمة و الاقتدار طوبی لمن سمع صریحه اذ ارتفع بالحقّ بین الارضین و السّموات... یا اهل البهاء قد جرى کوثر الحیوان لأنفسکم ان اشربوا منه باسمی رغماً للذین کفروا بالله مالک الأديان» «قد جعلناکم ایادی

الأمر ان انصروا المظلوم إنّه ابتلى بين ایدی الفجّار أنّه ينصر من نصره و يذكر من ذكره يشهد بذلك هذا اللّوح الذی لاح من افق عناية ربکم العزيز الجبّار» «طوبی لأهل البهاء حقّ شاهد و گواه که این جمع قرّمه عین خلقت اند و نور دیدمه ابداع و فطرت بوجود آنان عوالم الهی زینت یافته و لوح محفوظ سبحانی بطراز بدیع مطرّز گردیده است. آنانند نفوسی که بر سفینه استقلال راکباند و ابصارشان بمطلع جمال متوجّه. حبّذا لهم که بآنچه خداوند علیم و حکیم برای آنان اراده فرموده موفّق گشته‌اند. بروشنی ایشان آسمانها مزین و وجوه مقربین الی الله درخشنده و تابان گردیده است (ترجمه)» «قسم بحزن جمال ذوالجلال که از برای مقبل مقامی مقدر شده که اگر اقلّ من سمّ ابره از آن مقام بر اهل ارض ظاهر شود جمیع از شوق هلاک شوند این است که در حیات ظاهره مقامات مؤمنین از خود مؤمنین مستور شده» «لو كشف الغطاء لينصعق من فی الأمکان من مقامات الذین توجّهوا الی الله و انقطعوا فی حبه عن العالمین» «براستی می‌گویم احدی از اصل این امر آگاه نه» «در این یوم باید کلّ باعین الهی ببینند و با اذنّ رحمانی بشنوند. من ينظرني بعین غیری لن يعرفنی ابدأ مظاهر قبل هیچیک بر کیفیت این ظهور بتمامه آگاه نه الاّ علی قدر معلوم» «تالله الحقّ إنّ الأمر عظیم عظیم هذه کلمة کزرها فی اکثر الألواح لعلّ یتنبّه بها العباد يشهد بذلك لسانی العزيز المبین» «امر عظیم است و نبأ عظیم» «در این ظهور ابداع اقوم ظهورات ماضیه کلّ بمقصد اعلی و غایت قصوای خویش فائز گشته‌اند (ترجمه)» «قد انتهت الظهورات الی هذا الظهور الأعظم»

«آنچه در این ظهور امنع اعلی ظاهر شده در هیچ عصری از اعصار ظاهر نشده و نخواهد شد» «مقصود از آفرینش ظهور این یوم امنع اقدس که در کتب و صحف و زُبُر الهی بیوم الله معروفست بوده و جمیع انبیا و اصفیا و اولیا طالب لقای این یوم بوده‌اند» «آنچه از لسان و قلم ملل اولی از قبل ظاهر فی الحقیقه سلطان آن در این ظهور اعظم از سماء مشیت مالک قدم نازل» «این رحمت مخصوص این ایام است و این کرم لایق این اوقات» «امروز روزی است که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنایت مشرق و سحاب جود مرتفع» «لعمری انّ الامر عظیم عظیم و الیوم عظیم عظیم» «بشّر کلّ نبیّ بهذا الیوم و ناحَ کلّ رسولٍ حُبّاً لهذا الظهور» «ظهوری که چون از آسمان اراده رحمان اشراق نمود السن کائنات باین بیان منادی گشت الملک لله العلیّ العظیم (ترجمه)» «یوم موعود فرا رسید و آنکه ظهورش در کتب و صحف الهیه بشارت داده شده باعلی النداء من فی الأرض و السّماء را باین خطاب اعلی مخاطب می‌سازد لا اله الا هو المهیمن القیوم (ترجمه)» «تالله قد ظَهر ما کان مخزوناً فی ازل الازال فی علم الله عالم الغیب و الشّهود» «طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود و وجهی که بوجه الله ربّ ما کان و ما یكون توجّه کرد (ترجمه)» «امروز عظیم است چه که در جمیع کتب بیوم الله معروف جمیع انبیا و اصفیا طالب لقای این یوم بدیع بوده‌اند و همچنین احزاب مختلفهء ارض» «امروز بابی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجّه کلّ عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جبل مشاهده

می‌شود یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده می‌شود چه که این یوم یومی است که در جمیع کتب حقّ جلّ جلاله انبیا و اصفیای خود را بآن بشارت فرموده» «این است امری که اگر یک قطره در سبیلش گم شود صد هزار بحر مکافات آنرا مشاهده نماید یعنی مالک شود» «یک آن این یوم عند الله افضل است از قرون و اعصار... آفتاب و ماه شبه این یوم را ندیده» «هذا يومٌ فيه يقول اللاهوت طوبى لك يا ناسوت بما جعلت موطىء قدم الله و مقرّ عرشه العظيم» «امروز عالم بانوار ظهور منور و جمیع اشیاء بذکر و ثناء و فرح و سرور مشغول در کتب الهی از قبل و بعد بیاد این یوم مبارک عیش اعظم برپا طوبی از برای نفسیکه فائز شد و بمقام یوم آگاه گشت» «امروز آفتاب دیگر اشراق نموده و آسمان دیگر به ثوابت و سیّارات مزین گشته عالم عالم دیگر است و امر امر دیگر» «هذا يوم لا تعادله القرون اعرفوا و لا تكونوا من الغافلين» «هذا يومٌ فيه فازت الآذان باصغاء ما سمع الكلیم فی الطّور و الحبيب فی المعراج و الرّوح اذ صعد الى الله المهيمین القيوم» «یوم یوم الله است و امر امر او طوبی از برای نفسیکه از عالم گذشت و بمشرق وحی الهی پیوست» «هذا سلطان الايّام قد اتى فيه محبوب العالمين و هذا لهو المقصود فی ازل الازال» «امروز سیّد روزها و سلطان ایامهاست مبارک نفسی که از نفحات این ایام بحیوة باقیه فائز شد و باستقامت کبری بر امر مالک اسماء قیام نمود اوست بمنزلهء بصر لهیکل البشر» «این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابه بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابه نور است از برای

ظلمت ایّام» «این یوم غیر ایّام است و این امر غیر امور» «از ساحت الهی مسألت نمائید که اعین ناس را از مشاهده آیاتش محروم نسازد و آذان را از استماع صریر قلم اعلی منع ننماید (ترجمه)». «ایّام ایّام الله است بیک آن آن قرون و اعصار معادله نمی‌نماید. ذرّه این یوم بمثابه خورشید مشاهده می‌گردد و قطره‌اش مانند دریا اگر نفّسی یک نفّس فی حبّ الله و لخدمته برآرد او از سیّد اعمال از قلم اعلی مسطور» «اگر فضائل این یوم ذکر شود کلّ منصعق مشاهده شوند الاّ من شاء ربّک» «تالله الحقّ تلک ایّام فیها امتحن الله کلّ النّبیین و المرسلین ثمّ الذّین هم کانوا خلف سرادق العصمة و فسطاط العظمة و خباء العزّة» «اگر مقام این یوم ظاهر شود آنی از او را بصد هزار جان طالب و آمل شوند تا چه رسد بارض و زخارف آن» «خدای واحد شاهد و گواه امروز روزی است که هر صاحب بصری باید مشاهده نماید و هر صاحب سمعی باصغاء فائز گردد و هر قلب مُدرکی بدرک حقیقت نایل آید و هر لسان ناطقی این نام اعزّ اقدس اعلی را بمسامع من فی الأرض و السّماء برساند (ترجمه)» «بگو ای مردمان امروز روزی است که شبه و مثل آن در عالم وجود موجود نه پس باید لسانی که بحمد و ثنای حضرت مقصود مألوف و کرداری که آرزومند قبول در ساحت امنع اقدس اوست آن نیز خالی از مثل و نظیر باشد عالم انسانی همواره مشتاق طلوع این یوم عظیم بوده شاید بآنچه در خور شأن و لایق مقام آن است فائز گردد (ترجمه)» «از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی بامر آمر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و

هویدا» «یا قوم تالله الحقّ انّ هذا لبحر الذی منه ظهرت البحور و الیه یذهب کلّها و منه اشرقت الشّمس و الیه یرجع کلّها و منه اثمرت سدرات الأمر باثمار الّتی کلّ واحدة منها بعثت علی هیکل نبیّ و ارسل الی عالم من عوالم الّتی ما احصاها احدٌ الاّ نفس الله الّتی احاطت الموجودات بحرفٍ من کلمة الّتی خرج من قلمه الذی کان محکوماً تحت اصبعه الذی کان علی الحقّ قویّاً» «تالله الحقّ الیوم اگر ذره از جوهر در صد هزار من سنگ مخلوط باشد و در خلف سبعة ابحر مستور هر آینه دست قدرت الهی او را ظاهر فرماید و آن ذره جوهر را از آن فصل نماید» «هر حرف که از فم مشیّت صادر گردد دارای قوّه خلاقه و احیا کننده ایست که می تواند خلق بدیعی مبعوث نماید خلقی که مقام و عظمت آن بر کلّ مستور مگر خداوند علیم که بر حقایق اشیاء واقف و آگاه است (ترجمه)» «و لو نرید ان نظهر من ذرّة شمساً لا لهنّ بدایة و لا نهایة لنقدر و نظهر کلّهنّ بامری فی اقلّ من حین و لو نرید ان نبعث من قطرة بحور السّموات و الأرض و نفصل من حرفٍ علم ما کان و ما یکون لنقدر إنّ هذا لسهلٌ یسیر» و «عنده لاسمٌ لو یلقیه علی السّمّ لینقلب بالدّریاق الأعظم» «ایام رو بانتهاست و هنوز اهل ارض در گرداب غفلت مستغرق و در بیداء ضلالت سرگشته و حیرانند (ترجمه)» «و الأمر عظیمٌ عظیمٌ زود است که انقلاب اکبر ظاهر فو نفسه الحقّ که تفصیل فرماید ما بین کلّ حتّی بین طائفین حول» «تالله قد اتی الیوم الموعود یوم یغشیهم العذاب من فوقهم و من تحت ارجلهم و تقول ذوقوا ما کنتم تعملون» «هنگام فنای عالم و اهل آن رسید آمد آن کسی که باقی

بود تا حیات باقیه بخشد و باقی دارد و مایه زندگی عنایت فرماید». و نسبت
 بمدنیّت مادّیه و تجاوز از شئون معتدله آن می‌فرماید «سوف تحترق المُن
 من ناره و ينطق لسان العظمة المُلک لله العزيز الحمید» «بگو ای نادانان
 گرفتاری ناگهان شما را از پی کوشش نمائید تا بگذرد و بشما آسیب نرساند»
 «ای اهل ارض براستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب
 عظیمی از عقب گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده»
 «ای عباد غافل اگر چه بدایع رحمت جميع ممالک غیب و شهود را احاطه
 نموده و ظهورات جود و فضل بر تمام ذرات ممکنات سبقت گرفته و لکن
 سیاط عذاب بسی شدید است و ظهور قهرم بغایت عظیم» «از
 نفوسی که بزخارف فانیه ارض مشغول و از ذکر حق غافل گردیده‌اند
 محزون مباش قسم بحقیقت مقدّسه ازلیّه روزی نزدیک است که قهر خداوند
 متعال آنان را اخذ نماید و بسیط زمین را از لوث مفسد ایشان پاک و مبرّی
 سازد و این میراث را به بندگان مقرب خویش عطا فرماید اوست مقتدر و
 قدیر و قهار (ترجمه)» «عنقریب از جميع اقطار عالم ندای بلی بلی و
 لبّیک لبّیک مرتفع خواهد شد چه که مفرّی از برای احدی نبوده و نیست»
 «و اذا تمّ المیقات یظهر بغتة ما ترتعد به فرائص العالم اذا ترتفع الأعلام و
 تغرّد العنادل علی الأفنان». «در اوّل هر ظهور سختی و شدّت و تنگی و
 عُسرت از هر جهت صائل و هائل و لکن در نهایت این شدّت برخاء و این
 عُسرت بعزّت بی‌منتهی مبدّل گردیده است (ترجمه)» «قل یا حزب الله ایّاکم
 ان تخوّفکم قدرة العالم او تضعفکم قوّة الأمم او تمنعکم ضوضاء اهل الجدل

او تحزنکم مظاهر الجلال کونوا کالجبال فی امر ربکم المقتدر العزیز المختار» «بگو ای اهل بهاء مبدا سطوت اقویا قوت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد بحق توکل کنید و امور را بحفظ او سپارید خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد ساخت آنه هو المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام القدرة و الاقتدار (ترجمه)» «لعمری ما قدر من قلم التقدیر لاحبائه الا ما هو خیر لهم بر این گفتار خداوند مقتدر عزیز و محبوب شاهد و گواه (ترجمه)» همچنین می‌فرماید، «حوادث عالم کون شما را متأثر نسازد تالله الحق دریای سرور مشتاق لقای شماست زیرا هر امر خیری برای شما خلق شده و بمقتضای زمان بر شما ظاهر و هویدا خواهد گردید (ترجمه)» «ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجملة امور بر خلاف رضاء از جبروت قضاء واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البتّه بجمیع آنها رسیده فائز گردید» «امروز روز بیان است باید اهل بهاء بکمال وفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلی هدایت نمایند اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیه به نفحات کلمه الهیه اجساد را بارواح تازه زنده نمایند در هر کلمه روح بدیع مستور طوبی از برای نفسی که باو فائز شد و به تبلیغ امر مالک قدم قیام نمود» «بگو ای عباد غلبه و نصرت این امر موقوف بظهور هیاکل قدسیّه و سطوع افعال جیدّه منیره و اشراق کلمات حکمتیه بوده و خواهد بود (ترجمه)»

«جميع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است بآن قیام نماید و الا له ان يأخذ وکیلاً لنفسه فی اظهار هذا الأمر الذی به تزعزع کلّ بنیان مرصوص و اندکّت الجبال و انصعقت النفوس» «همّتان این باشد که نفسی را از غرقاب فنا بشریعه بقا هدایت نمائید و در میانه عباد بقسمی رفتار کنید که آثار حقّ از شما ظاهر شود چه که شمائید اوّل وجود و اوّل عابدین و اوّل ساجدین و اوّل طائفین» «ان یا احبّاء الله لاتستقرّوا علی فراش الرّاحة و اذا عرفتم بارئکم و سمعتم ما ورد علیه قوموا علی النّصر ثمّ انطقوا و لا تصمتوا اقلّ من آن و إنّ هذا خیرّ لکم من کنوز ما کان و ما یكون لو انتم من العارفين» «و نفسه الحقّ سوف یزین الله دیباج کتاب الوجود بذکر احبّائه الذین حملوا الرّزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره و یفتخر کلّ من فاز بلقائهم بین العباد و یستنیر بذکرهم من فی البلاد» «در خدمت حقّ و امر او بر یکدیگر سبقت گیرید این است آنچه که شما را در این جهان و جهان دیگر بکار آید خداوند پروردگار کریم بر هر امری واقف و آگاه است از آنچه در این یوم بر شما وارد گردد محزون مباشید روزی خواهد رسید که السنهء امم بدین ذکر اتمّ افخم ناطق الملک لله المقتدر الفرد الواحد العلیم (ترجمه)» «طوبی لمحلیّ و لبیت و لمقام و لمدينة و لقلب و لجبل و لكهف و لغار و لاودیة و لبرّ و لبحر و لجزيرة و لدسكرة ارتفع فیها ذکر الله و ثنائه» «نفس حرکت لوجه الله در عالم مؤثر بوده و هست و در کتب قبل مقام توجّه مخلصین باطراف لاجل هدایت عباد مذکور و مسطور» و نیز می‌فرماید، «تالله الحقّ آنچه از

برای اصحاب ثبوت و استقامت مقدّر گشته بدرجه‌ای عظیم است که اگر بقدر سمّ ابره‌ای از آن بر اهل ارض و سماء تجلّی نماید کلّ منصعق شوند الاّ من شاء الله ربّ العالمین (ترجمه)» و همچنین «لعمر الله از برای ناصر مقدّر شده آنچه که خزائن ارض بآن معادله ننماید» «من يفتح اليوم شفّتيه في ذكر اسم ربّه لينزل عليه جنود الوحي عن سماء اسمي الحكيم العليم و ينزلنّ عليه اهل ملاء الأعلى بصحائفٍ من النور كذلك قدر في جبروت الأمر من لدن عزيز قدير» «فو الذي ينطق حينئذ في كلّ شيء بانّه لا اله الاّ هو که اگر نفسی در ردّ من ردّ علی الله کلمه مرقوم دارد مقامی باو عنایت شود که جمیع اهل ملاء اعلی حسرت آن مقام برند و جمیع اقلام ممکنات از ذکر آن مقام عاجز و السن کائنات از وصفش قاصر» «انشاء الله کلّ موفق شوند بما اراده الله و مؤیّد گردند بر عرفان مقامات اولیای او که بخدمت قائم و به ثناء ناطقند علیهم بهاء الله و بهاء من فی السمّوات و الأرض و بهاء من فی الفردوس الأعلى و الجنّة العلیا» «ای اهل بهاء بعنایت الهی احدی با شما مقابله نتوانست نمود خمر بقاء از کأس عطا نوشید رغماً للذین کفروا بالله مولى الأسماء و فاطر السمّاء (ترجمه)». «قسم بخداوند متعال این یوم یوم نفوسی است که از ما سوى الله منقطع و بوحدانیّت الهیه مُقرّ و معترف گشته‌اند یومی که خداوند کریم بایادی قدرت حقایق رحمانیه و جواهر مجرّده را خلق فرمود هیاکل قدسیّه‌ای که از دنیا و ما فیها در گذشته و بچنان ثبات و استقامتی در امر الله ظاهر خواهند گردید که هر قلب روشن و مدرکی را غرق دریای حیرت و شگفتی نماید (ترجمه)» «و لله خلف سرادق القدس عبّادٌ

يُظهِرَنَّ فِي الْأَرْضِ وَ يَنْصُرُنَّ هَذَا الْأَمْرَ وَ لَنْ يَخَافَنَّ مِنْ أَحَدٍ وَ لَوْ يَحَارِبُنَّ
مَعَهُمْ كُلَّ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ أُولَئِكَ يَقُومُنَّ بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَذْكُرُنَّ اللَّهَ
بِأَعْلَى نَدَائِهِمْ وَ يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى صِرَاطِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» «سَوْفَ يَبْعَثُ
بِأَرَادَتِهِ خَلْقًا مَا أَطَّلَعَ بِهِمْ أَحَدٌ إِلَّا نَفْسَهُ الْمَهِيْمَنَ الْقَيُّومَ» «سَوْفَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ
أَكْثَامِ الْقُدْرَةِ أَيْدِي الْقُوَّةِ وَ الْغَلْبَةِ وَ يَنْصُرُنَّ الْغَلَامَ وَ يَطْهَرُنَّ الْأَرْضَ مِنْ دَنَسِ
كُلِّ مُشْرِكٍ مُرْدُودٍ وَ يَقُومُنَّ عَلَى الْأَمْرِ وَ يَفْتَحُنَّ الْبِلَادَ بِاسْمِي الْمَقْتَدِرِ الْقَيُّومِ
وَ يَدْخُلُنَّ خِلَالَ الدِّيَارِ وَ يَأْخُذُ رِعْبَهُمْ كُلَّ الْعِبَادِ هَذَا مِنْ بَطْشِ اللَّهِ أَنْ بَطْشَهُ
شَدِيدٌ».

در خاتمه این اوراق متذکر می‌گردم که از جمله بیانات مهیمنی که حضرت
عبدالبهاء طی سفر تاریخی خویش اعلان فرمودند اینست: «امید است ملت
امریک اولین ملت و جمعیتی باشد که اساس اتفاق و آشتی بین ملل را بنیان
نهد و اتحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید علم صلح اعظم برافرازد و
رایت محبت و وداد در قطب امکان مرتفع سازد (ترجمه)» همچنین «فی
الحقیقه ملت امریک را چنان لیاقت و شایستگی موجود که خیمه صلح
عمومی را بر پا نماید و وحدت عالم انسانی را اعلام کند و در این امر مبرم
بر سایر امم پیشقدم گردد ... زیرا این کشور از لحاظ قدرت و قوت و
عظمت و قابلیت بنحو شگفت انگیزی بر ملل و نحل آخری تقدّم جسته ...
این ملت بزرگ می‌تواند در اثر استعداد و قدرت حاصله بأمور عظیمه‌ای
موفق گردد که صفحات تاریخ بدان تزیین یابد و السنه ام در شرق و غرب
عالم بذکر خیر و ثنای او مألوف شود مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر

عالمیان (ترجمه)» «در امریک آثار تقدّم و پیشرفت از هر جهة نمایان و آینده آن اقلیم بس روشن و تابان چه که آرائش نافذ است و افکارش فائق و در عوالم روحانیّه گوی سبقت از سایر ملل و طوایف عالم خواهد ربود (ترجمه)».

با نخستین جنبش جنین نظم جهانی حضرت بهاءالله قوای خلاقه‌ای در آمریکا که مهد و مدافع آن نظم است دمیده شد و قدر و منزلتی مخصوصی و استعدادی شدید به آن ملت بخشید و از لحاظ روحانی مجهزش ساخت تا نقش بزرگی را که در آن کلمات گهربار مذکور است بازی نماید. قوایی که این نهضت ملکوتی را در مردم آن کشور سریان داده از یک طرف در مجهودات و توفیقات جامعه متشکل پیروان جمال ابهی در سراسر امریکا، در میدانهای تبلیغ و نظم اداری ظاهر و مشهود است و از طرف دیگر همان قوا جدا ولی به موازات همان مجهودات و توفیقات باطناً در کار است تا حیات و اعمال دولت و مردم امریکا را تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی جهان شکل و صورت بخشد.

در اوراق گذشته راجع به مجهودات و توفیقات پیروان حضرت بهاءالله که با ایقان و ایمان در مسیر کنونی و آیندیشان بر خدمت قائمند به حدّ کفایت اشارت رفت حال باید کلماتی چند درباره قاطبه مردم امریکا مرقوم و به درستی معلوم گردد که آن ملت به کجا می‌رود و امور مردمش در چه مسیری حرکت می‌کند. هر قدر ملت امریکا از سر چشمه آن قوای هادیّه محرّکه غافل و هر قدر جریانش بطئی و مشکل باشد باز هر روز بیشتر ظاهر و نمایان می‌شود

که عامه آن ملت تحت اداره دولت یا غیردولت بر اثر نفوذ و تصرفات قوای مذکور که از شناسائیش محروم و از تسلط بر آن عاجز است مسیرش به جهتی و سیاستهایش بنحوی است که بفرموده حضرت عبدالبهاء سرنوشتش را تعیین می‌کند لهذا جامعه بهائی امریکا که از سرچشمه آن قوا واقف و آگاهند و نیز دیگر هم وطنانشان که از آن بی‌خبرند و ید تقدیر الهی را که بسوی سرنوشتشان حرکت می‌دهد هنوز نشناخته‌اند هر یک به نحوی به تحقق آمال و وعودی که در بیانات فوق الذکر از حضرت عبدالبهاء مذکور افتاد خدمت و معاضدت می‌نمایند.

جهان در حرکت است و وقایع ناگوارش با سرعتی حیرت انگیز در ظهور و بروز. تندباد عذابش بشدت وزان است و دنیای جدید (قاره امریکا) در بحبوحه لطماتش گرفتار. کانون طوفان‌زایش حال به سواحلش سایه افکنده و خطرانی ناگهانی و نامعلوم و فوق التّصور از داخل و خارج به تهدیدش پرداخته است دولتها و مردمش بتدریج در بند بحرانیهای کنونی عالم و تضادهای گوناگون اسیر می‌گردند اقیانوس اتلانتیک و پاسفیک با کشفیات و ترقیات علمی چون تنگه های باریکی می‌شوند و جمهوری بزرگش (ممالک متحده امریکا) روز بروز بیشتر وارد معرکه‌های جهانی می‌گردد و غرّش‌های سهمگین و دور مردمانش را مضطرب و هراسان می‌سازد در باخترش در قاره اروپا و در خاورش در شرق اقصی کانونهای طوفانهای مهیبی ظاهر است و در افق جنوبیش مرکز طوفان‌زای پر خطر سهمگینی در شرف تکوین. جهان حکم محله‌ای واحد یافته و امریکا خواه ناخواه باید

با مقتضیات این وضع جدید مقابله نماید. یعنی اگر هم برای مقاصد نوع دوستانه نباشد امریکا ناچار است بخاطر امنیت ملی خویش مسئولیت جدیدش را در جهانی که همه همسایه یکدیگر شده‌اند تعهد و قبول و بموجب مقتضیاتش عمل نماید. هرچند بنظر غریب و عجیب آید یگانه امید نجات امریکا از مصائب و خطراتی که احاطه‌اش کرده در این است که خود را در همان شبکه روابط بین‌المللی بیندازد که اکنون تار و پودش به دست غیب پروردگار بافته می‌شود این بیان حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از صاحب‌منصبان دولت امریکا بسیار گویای مطلب است: «بهترین راهی که می‌توانی به کشور خدمت نمائی این است که جهان را یک وطن شماری و خود را اهل آن وطن بینی و اصول حکومت فدرالی را که در مملکت شما معمول است به جای روابط کنونی که میان مردم و ملل عالم است ترویج نمائی. (ترجمه)» یکی از روسای جمهور امریکا (پرزیدنت ویلسون) که بدبختانه قدرش را ندانستند افکار و اصولی را به عالم عرضه داشت که هر چند نسل معاصر متروکش داشتند و باطل انگاشتند اما حضرت عبدالبهاء آن اصول را که حال در غبار غفلت و نسیان پنهان گشته نشان طلوع فجر صلح اعظم توصیف و مردم غافل بی‌بصیرت را که اعتناء ننمودند و بی‌رحمانه به کنارش انداختند ملامت فرمود.

هر صاحب بصری اذعان می‌کند که مخاطرات گوناگونی که جهان را فرا گرفته حال ملت امریکا را نیز تهدید می‌کند. عالم به اردوئی تبدیل گشته است و پنجاه میلیون از نفوس یا تحت سلاح و یا سرباز ذخیره‌اند. و بیش

از پنجاه میلیون لیره در سال صرف تسلیحات می‌گردد. نور دین خاموش و حکومت اخلاق در جهان فراموش گشته، ملل جهان اکثراً در پنجه مرامهای متضاد و متخاصم گرفتارند و بیم آن می‌رود که پایه اتحاد سیاسی خود را که به آن زحمت بدست آورده‌اند متزلزل و ویران سازند مردم ناراضی و برآشفته ممالکی که سرا پا مسلح‌اند دستخوش وحشت و هراس‌اند و در یوغ مصائب ناشی از مخاصمات سیاسی و تعصبات نژادی و کینه‌توزی ملی و اختلافات مذهبی رنج می‌برند. در این مقال حضرت بهاء‌الله می‌فرماید، «اریاح یاس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزايد. آثار هرج و مرج مشاهده می‌شود.» حضرت عبدالبهاء حتی بیست سال پیش چنین پیش‌بینی فرموده است: «این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد بلکه روز بروز سخت‌تر شود و بدتر گردد. بالکان آرام نگیرد، از اوّل بدتر شود. دَوّل مقهوره آرام نگیرند به هر وسیله تشبّث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند حرکت‌های تازه عمومی تمام قوّت مملکت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود حرکت شمالیه خیلی اهمیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد.» امّا راجع به ملّت امریکا رئیس جمهورش به صدای رسا تحذیر داده که با اختراع و پیش رفت طیارات و وسائل دیگر حمله به خاک امریکا امکان دارد. وزیر خارجه‌اش در کنفرانسی مرکب از نمایندگان تمام جمهوریات امریکا چنین گفته است، «این نیروی‌های متهاجم که در سراسر جهان جمع آمده سایه تاریکش را بر سر نیمکره ما گسترده است و در مقابل خبرنگاران چنین

هشدار داده که باید آماده دفاع خویش از دشمنان داخل و خارج باشیم... مرزهای دفاعی ما بسیار طولانی است و از پوینت بارو Point Barrow در آلاسکا و کیپ هورن و از اقیانوس کبیر تا اقیانوس اطلس کشیده می‌شود هیچ کس نمی‌داند که متجاوزین اروپائی و آسیائی در چه زمان و چه مکان بر ما هجوم خواهند آورد... اما همه وقت و در همه جا امکان دارد... پس ما چاره‌ای جز این نداریم که خود را مسلح سازیم و در پاسبانی و حفاظت نیمکره غربی روز بروز بکوشیم.»

مسافتی را که ملت امریکا از زمان ردّ اصول و افکار ویلسن تا به حال طی کرده و تغییرات غیرمنتظره‌ای که در سالهای اخیر پیش آمده و جهت حرکتی را که جهان برای خود اختیار نموده است با تأثیراتی که ناچار در وضع سیاسی و اقتصادی عالم دارد همه در پرتو بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در نزد بهائیان که به تحولات بین‌المللی ناظرند بسیار مهم و آموزنده و تشویق‌آمیز می‌نماید. اگر چه قطعاً نمی‌توان گفت که در این زمان پر آشوب و سالهای پر ماجرا ملت امریکا چه مسیری را اختیار خواهد کرد فقط با قضاوت در جهت امور جاریه‌اش می‌توان حدس زد که در روابطش با جمهوریات امریکا و کشورهای قارات دیگر چه طریقی را در پیش خواهد گرفت.

از یک طرف با کشورهای امریکای جنوبی روابطی نزدیکتر خواهد داشت و از طرف دیگر بر اثر بحرانهای مکرر بین‌المللی متزایداً در امور سراسر جهان به درجات مختلف مشارکت خواهد نمود و در آن حال که امریکا به

سوی سرنوشتش در حرکت است البتّه به تعویق و تأخیر و وقفه دچار خواهد شد امّا هرگز هیچ امری قادر نخواهد بود که مسیری را که قلم مصون از خطای حضرت عبدالبهاء برای امریکا معین فرموده تغییر دهد حال که اتحاد فدرالی آن کشور بدست آمده و مؤسّسات داخلیش استحکام پذیرفته که خود نشانی از بلوغ سیاسی است باید به سیر تحوّل و تکامل دیگرش به عنوان عضوی از خانواده جهانی مبادرت ورزد و این امر در اوضاع و احوالی صورت خواهد گرفت که امروز کیفیتش بر ما معلوم نیست.

در نتیجه معضلات و مشکلات غامضه متعدده که تدریجاً عالم انسانی را فرا می‌گیرد ناچار آینده نزدیک ملّت امریکا بسیار تاریک و طاقت‌فرسا است و بلیّاتی که ارکان عالم را می‌لرزاند و در بیانات حضرت بهاء‌الله مذکور در صفحات قبل به وضوح تصویر گشته آن ملّت را چنان احاطه و گرفتار نماید که شبهش را ندیده امّا از میان آن بر عکس آنچه در جنگ بین‌المللی اوّل انجام داده، شاید امریکا این بار فرصت را از دست ندهد و جمیع قدرت و نفوذ خویش را به کار برد و در حلّ مشکلات ناشی از مصائب و بلیّات بکوشد تا با همکاری ملل دیگر در شرق و غرب عالم طلسم لعنتی را که از اوّل خلق جهان بر گردن بشر بوده و او را به جنگ و جدال و تدّنی و انحطاط افکنده بکلی در هم شکند.

در آن وقت است ملّت امریکا که در بوته جنگ‌های داخلی گداخته و در آتش شعله‌ورش تطهیر گشته رام شده و درسها آموخته است قادر خواهد شد

که صدایش را به گوش مجالس علنی جهان برساند و صلح عمومی دائمی را پایه گذارد و وحدت و یگانگی و بلوغ نوع انسان را اعلان و در استقرار بنیان خیر و راستی در جهان معاضدت نماید.

در آن وقت است که ملت آمریکا در حالیکه بهائیان به اجراء رسالت خدایشان مشغولند قادر خواهد شد که به سرنوشت پر جلالی که پروردگار توانا برایش مقدر ساخته و در الواح حضرت عبدالبهاء مصرح گشته فائز گردد در آن وقت است که ملت آمریکا «به آنچه سبب زینت تاریخ است واصل شود»، و «مغبوط و محسود خاور و باختر جهان گردد.»

شوقی

۲۵ دسامبر ۱۹۳۸